



در این شماره:

● تداوم بحران و گسترش مبارزات مردم

● دیداری از زندان قزل حصار کرج

● محاسبه با نماینده جبهه آزادبخش فاروبوندو مارتی

● ضایعه نشت گاز در هند

● آفریقا: قاره فقر، کرسنکی و مرگ

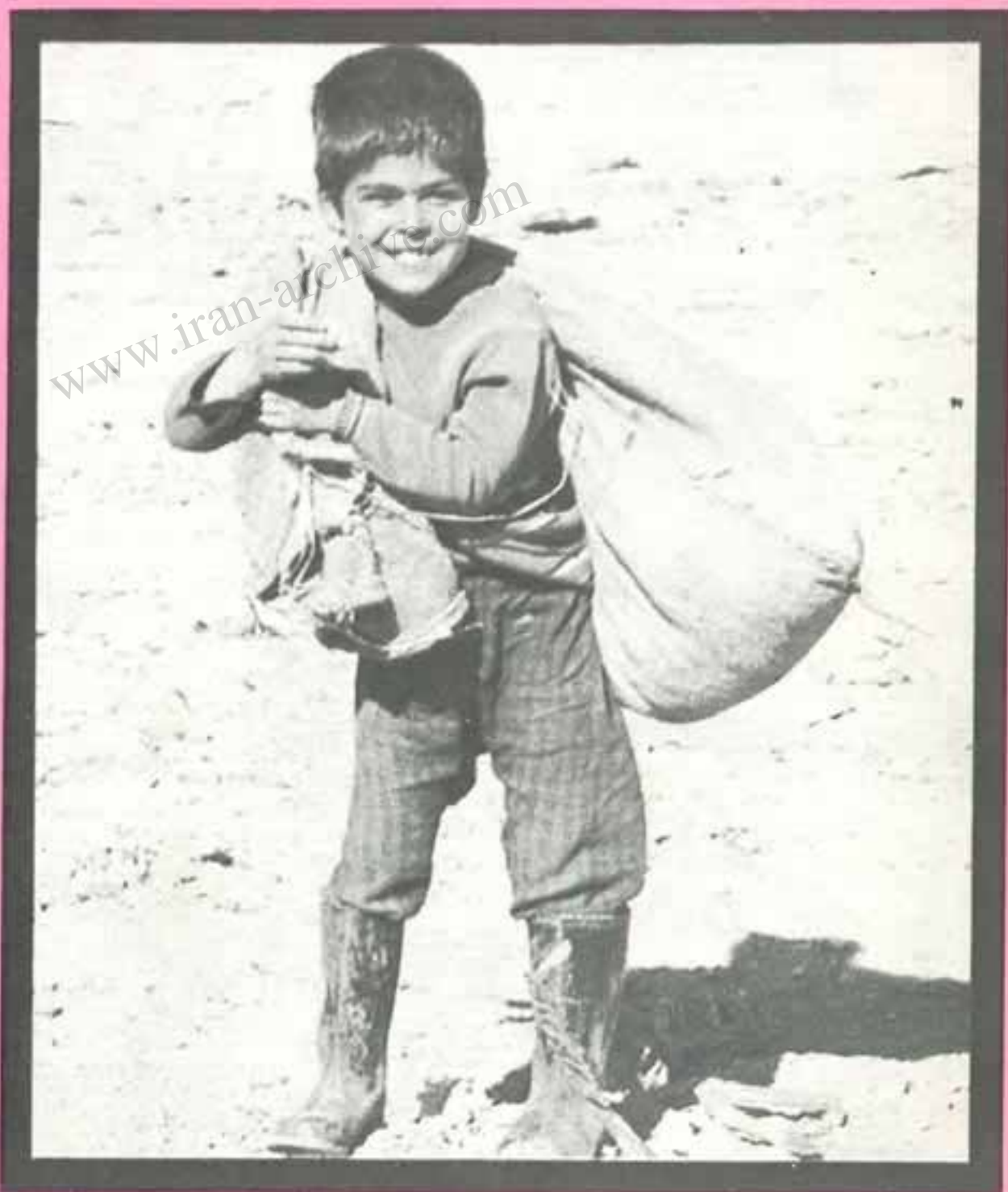
● ویتنام:

۹ سال پس از انقلاب

● تئوری لنین درباره انقلاب دمکراتیک

● داستان:

سواره نظام کوهستان



جهان سه ساله شد!

www.adabestanekave.com

حکم کهن، اگرچه لیکن، همچنان مانند سرک منهنی داغدار را می‌ماند.
 انقلاب ما پیگری خونین و ضمنی می‌باشد. فلذا ارتجاع را ستانه می‌روست.
 مردم سهار امید به جراحی سرزگرده، چوکی جمهوری اسلامی را در دل خود پنهان و آنگار
 آساری می‌کنند.

پهنگان انقلاب با جابجایی بی‌درج همچون مانند بلند آسمان، و بومه سازمانی از
 حرکت در منطقه ضمنی می‌ماند و رخصتکنان مثل فروران ساززه و مقاومت را در گوشه و
 کنار ایران می‌بندد. صحتل نگاهندارند. و این چنین است که امید به پیروزی ما پس رهن
 دغدغه‌های تاری، نه دوررس اجس های به گرفته ادامه می‌ماند. ما سحاشی که مرزی سرای
 انقلاب می‌ماند، همچنان که ارتجاع خود مرزی نمی‌ماند.

سودن مان در وطن نماید حورسماار باشد، اما نعهد یکی نیست. ما بودن مان در اینجا،
 بدور از وطن، بی‌ک و طیفه مان در کوه است. لیک بی‌طبیعه نسیم، چرا که ما عرب‌زدگان
 از بی عس و طرفه‌مانده ایم. اکثر احام و طیفه منحنی از سجد است. تقسیم و طیفه نرطسی از
 احرای سجد است. این چنین است که ما آینده جواها را، با پیروی از بویانی انقلاب، سرای
 درهم کوبیدن نظم کهن، اکثریه در خارج از وطن، نعهد خود را به آرمان رخصتکنان و نظم
 سوسی سوسالیمنی از هر طریقی ممکن یابن می‌داریم. و استنار "جهان"، وسیله‌ای در خدمت اجرای
 این سجد شده است.

ما این شماره، "جهان" سه ساله می‌شود و سجد ما رسته‌ای ضمنی تر می‌ماند. ما ندیسی
 آگاهیم و حرسیم که جمنی نده است. ما بی‌توره این سجد را شماره با تکیه بر مبارزات
 جوسن عدالتان و حساب‌پویای سجد و نه باری کلمه هواداران مبارز سازمان در ساروج از
 کسور ادامه داده‌ایم. حال که "جهان" جایگاه خود را در بین ایرانیان آگاه و مبارز خارج
 از وطن، یافته است. با سجد است با نفس خود را بهتر از پس اسفا کند و از کاستی ها و
 سجد های خود بگذرد. اس است که اسطاران برای همبازی و همکاری از جانب هواداران به
 انقلاب، سوزیه هواداران سجد، و سجد سبشنوی با نده است. ما سجد خود، بی‌قدرتانی و
 مدرسانی از کتبه حورسماان و هم سکنان و حواسدکان "جهان"، سوزیه آن سه از رخصتانی
 نه شماره باری ده سجد سجد سجد مطالب و سجد سبشنوی آن بوده‌اند. از اس فرصت اسفاده
 سجد، بکار دیگر با ماران در سجد و نغاسی رده‌سایان سجد و سجد، ما رزمندگان راه
 انقلاب، با کارگران و رخصتکنان و خلقهای سخت‌نیم سجد و سجد جهان که سجد ارتجاع و
 امپریالیسم رورانه در سجد سجد سجد سجد سجد سجد سجد سجد سجد سجد سجد سجد سجد سجد
 سجد خود، فلم و سجد و رخصتکنان را در خدمت آنان نگاهداریم.

هیئت تحریریه "جهان"

سال نو میلادی را به هموطنان عزیز ارمنی و آسوری تبریک می‌گوئیم



سبست و شمین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد!

همه روزه در
 ساعات ۱۲/۳۰
 و ۸/۳۰
 سجدار طهر
 سجدت
 ۲۵ دقیقه

سوفت ایران
 روی موج
 کوتاه
 ردیفهای
 ۶۴ و ۷۵
 سجد



گرامی باد شمت و سومین سالگرد شهادت
 رفیق حیدر عموا و غلی، چهره جا ودان جنبش
 کمونیستی و دمکراتیک خلقهای ایران!

برای تماس با "جهان" با آدرس
 زیر مکاتبه نمائید:

JAHAN جهان
 P.O. BOX 540
 N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

تداوم بحران و گسترش مبارزات مردم

خبر اعتصاب آذرماه کارگران بخش ساختمانی ذوب آهن و تظاهرات اعتراضی توده‌ها در استادیوم امجدیه (۲ آذر) در سراسر ایران و همچنین در بیس ایرانیان مقیم خارج از کشور انعکاس وسیعی یافت. برخلاف تظاهرات اعتراضی هفدهم مهر امجدیه که رسانه‌های گروهی رژیم بخاطر گستردگی آن، خود مجبور به پخش خبر آن گردیدند، در مورد اعتصاب کارگران ساختمانی ذوب آهن و تظاهرات اعتراضی مجدد در امجدیه، علیرغم گستردگی و اهمیت آنها، رژیم به سیاست همیشگی خود، یعنی سکوت و سرکوب متوسل شد. اعتصاب اخیر کارگران ذوب آهن در اعتراض به تصمیم رژیم مبنی بر انتقال کارگران ماهر ساختمانی به شهرهای دیگر بوده است. سیاست ارتجاعی رژیم دربراکنده ساختن این دسته از کارگران ماهر

ذوب آهن با مقاومت شدید کارگران مواجه گردید. مقاومت و پیگیری سرخخانه کارگران بالاخره استاندار اصفهان و مقامات رژیم را نا حدودی مجبور به عقب نشینی کرد. استاندار اصفهان که ابتدا کارگران را تهدید به سرکوب شدید می‌کرد، بخاطر ترس از گستردگی اعتصاب به سایر بخش‌های ذوب آهن و کارگران دیگر مجتمع‌های صنعتی اصفهان، مجبور شد بپذیرد که انتقال کارگران ساختمانی به نقاط دیگر منوط به توافق خود کارگران باشد. با اینحال کارگران اما خواستار لغو کنی انتقال هستند. رژیم به دستگیری رهبران کارگران و اذیت و آزار کارگران اعتصابی ادامه می‌دهد و کارگران نیز برای مقابله دسته به کم‌کاری زده‌اند. نکته جالب توجه در مورد اعتصاب کارگران ذوب آهن با حمایت

و پشتیبانی سایر مجتمع‌های صنعتی اصفهان از آنها بوده است. از جمله میتوان به پیوستن دسته جمعی کارگران کارخانه پولی اکریل (کارخانه الیاف مصنوعی) به جمع کارگران ساختمانی ذوب آهن بمنظور ابراز همبستگی کارگری و پشتیبانی از آنها اشاره کرد. بهر حال امروز اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده‌ای دیگر محدود به ذوب آهن و امجدیه نمی‌باشد. در نقاط مختلف ایران، توده‌های تحت ستم میهن ما، علیرغم جو خفقان و ترور فزون و سطاشی، به نوعی، مخالفت آشکار خود را با سیاستهای ارتجاعی رژیم ابراز میکنند. در این نوشته ما سعی می‌کنیم بطور مختصر به ساختار و منشاء واقعی این اعتصابات و اعتراضات توده‌ای، یعنی به بحران مزمن اقتصادی، تشدید استثمار، دیکتاتوری عنان گسیخته و ناتوانی رژیم در حل بحران اقتصادی-سیاسی

فهرست مطالب

www.adabestanekave.com

۲۷ و سرگ	سرمقاله: تداوم بحران و گسترش -
-	جمهوری سوسیالیستی ویتنام :	مبارزات مردم..... ۳
۳۵ ۹ سال پس از انقلاب (۲)	گشت و گذار: دیداری از زندان -
-	پیرامون تئوری لنین درباره	قزل حصار کرج..... ۵
۳۶ انقلاب دمکراتیک (۲)	اخبار ایران..... ۷
	آموزش واژه‌ها و مقوله‌های فلسفی	در مجلس شورای اسلامی چه میگذرد؟ ۱۲
۴۱ سیاسی و اجتماعی	اخبار جهان..... ۱۴
۴۴ از خوانندگان	اخبار جنبش دانشجویی..... ۱۷
۴۶ داستان: سواره نظام کوهستان	مصاحبه با نماینده جبهه -
۴۹ شعر	آزادبخش فارابوندومارشی..... ۲۱
۵۰ کمک‌های مالی و آدرس‌ها	فایده نشت گاز در هند..... ۲۳
۵۱ گرچه ما میگذریم	آفریقا: قاره فقر، گرسنگی -

نزدیک به عین سال از حاکمیت جمهوری اسلامی می‌گذرد. سران جمهوری اسلامی از همان اولین روزهای حاکمیت خود، وظیفه حفظ و تداوم - مناسبات سرمایه‌داری را بعهده گرفتند. البته بخاطر وجود جنبش توده‌ای و خواسته‌های انقلابی کارگران و زحمتکشان، سران رژیم مجبور بودند که در ابتدا یک سری عقب - نشینی‌ها را تحمل نمایند. اما خیلی زود سیاست‌های ارتجاعی رژیم و حمایت آشکار و علنی آن از سرمایه‌داران، کارگران و زحمتکشان را به مخالفت با این سیاستها واداشت. نیروهای سرکوبگر رژیم نیز سرکوب وحشیانه هرگونه اعتراض حق طلبانه - ای را در دستور کار خود قرار دادند. جنبش خلق درد، خلق ترکمن، خلق عرب، مبارزات کارگران علی - استثمار سرمایه‌داران، مبارزات دهقانان، زحمتکشان شهری، کارمندان، مبارزات دانشجویان و دانش‌آموزان روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان، مبارزه زنان برای کسب حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود و بالاخره سازمانهای انقلابی و مترقی که حمایت و هدایت مبارزات اقشار مختلف مردم را در دستور کار قرار داده بودند، یکی پس از دیگری آماج سرکوب‌های وحشیانه پاداران نظم سرمایه قرار گرفتند.

الخرجه رژیم نواست از طریق این سرکوب‌ها، توده‌ها را مرعوب سازد و ضربه‌هایی به سازمانهای انقلابی و مترقی وارد آورد، اما - واقعیت‌های تلخ موجود، یعنی فقر، استثمار، بیکاری، بی‌خانمانی، جنگ زده‌گی، خفقان و ترور، سرختر از آنست که بتوان توده‌ها را برای همیشه مرعوب و ساکت نمود. برخلاف نیروهای که در همان اولین موجهای سرکوب‌سراسری رژیم، خود را باختند و دچار یاس و نومیدی شدند، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن ادامه

مبارزه علیه رژیم، بدرستی بر تداوم شرایط انقلابی و عدم ثبات رژیم و ناتوانی آن در حل مسائل اقتصادی و سیاسی خود همواره تاکید نموده است. در واقع این شرایط عینی جامعه است که شرایط انقلابی و تمایلات انقلابی توده‌ها را بازتولید می‌کند. منطق مبارزه طبقاتی چنان است که توده‌های متوهم، توده‌های سرکوب‌شده، سازمان‌های سیاسی ضربه‌خورده، خود را در پروسه مبارزه بازسازی می‌نمایند. زیرا شرایط عینی جامعه که موجودیت سازمانهای انقلابی و تمایلات انقلابی توده‌ها وابسته به آنهاست، یعنی فقر، استثمار، بیکاری، بی‌خانمانی، و جنگ ... نه تنها هنوز موجودند، بلکه در هر روز شدت بیشتری نیز می‌یابند. فدائیان خلق به کرات گفته‌اند که برای اینکه رژیم جمهوری اسلامی بتواند خود را تثبیت نماید، نخست باید قادر گردد بحران مزمن اقتصادی موجود را مهار کند و سیستم اقتصادی سرمایه‌داری وابسته را که بر اثر قیام بهمن و مبارزات کارگران و - زحمتکشان ضربه خورده، سروسامانی بخشد. شواهد موجود به روشنی نشان می‌دهد که رژیم ناتوان از حل تضاد بین نیازهای سیستم سرمایه‌داری وابسته و ایدئولوژی و رویشای مذهبی عقب - مانده خرده‌بورژوازی و بورژوازی تجاری غالب در حاکمیت است. اگرچه تا بحال نمایندگان مناسبات پیشرفته سرمایه‌داری در حاکمیت گامهایی در جهت بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته برداشته‌اند، اما ایتعال نمایندگان مناسبات عقب - مانده سرمایه‌داری (بورژوازی تجاری) جان سخت‌تر از آنست که به این زودی صحنه سیاسی را به نفع رقبای خود خالی کنند. این تضاد و تناقض اقتصادی و به تبع آن تضاد و تناقض سیاسی به روشن‌ترین وجهی خود را در "برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" رژیم نشان می‌دهد. این تضاد و تناقض آنچنان آشکار است

که روزنامه‌های رژیم نیز روی آن - انگشت می‌گذارند. روزنامه کیهان مورخ ۱۵ آذر، در "پادداشت اقتصادی" خود می‌نویسد:

"مثلا (در برنامه) ادعا میشود که کشاورزی محور توسعه اقتصادی است اما سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی از ۱۵/۳ در سال ۱۳۶۱ به ۱۴/۲ در سال ۱۳۳۶ کاهش می‌یابد. چگونه کشاورزی، در شرایط موجود کشور ما، محور توسعه است اما سهم در تولید ناخالص ملی صمد از پنج سال کاهش می‌یابد و با چگونه رشد تولید ناخالص داخلی در بخش کشاورزی در سال ۶۱-۶۲ تنها ۶٪ برآورده شده و در سال ۶۲-۶۳ یعنی یکسال بعد از آن ناکهان به ۷ درصد میرسد و تا سالهای ۶۴ و ۶۵ به همین میزان باقی می‌ماند... در جانشی کشاورزی محور توسعه قرار می‌گیرد اما در صفحه ۵۷ می‌خوانیم که هدایت سرمایه‌گذاری اعتبارات دولتی در زمینه ایجاد، توسعه و تکمیل صنایع مادر (در زمینه فلزات، مواد پلاستیکی، شیمیایی و پتروشیمی)، صنایع بزرگ و صنایع انرژی بزرگ می‌باشد، و در - اینجا هیچ صحبتی از صنایع کشاورزی و یا سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی برای محور توسعه کشور (کشاورزی) از قبیل کانال‌کشی، ایجاد سد، جاده - کشی، و بطور کلی رشد خدمات کشاورزی بطوری که قسمت عمده سرمایه‌گذاری‌های ملی را تشکیل دهد، نیست" در این عبارات، تضاد بین نمایندگان مناسبات پیشرفته سرمایه‌داری (بورژوازی صنعتی) و نمایندگان مناسبات عقب‌مانده سرمایه‌داری و بازشی که بین آنها در برنامه ۵ سال صورت گرفته، بوضوح خود را نشان می‌دهد. اگرچه در این سازش، ظاهرا نمایندگان مناسبات پیشرفته سرمایه‌داری دست بالا را دارند، اما - زمینه‌های مینی و امکانات عملی برای تحقق اهداف آنها موجود نیست. بقیه در صفحه ۶

دیداری از زندان قزل حصار کرج

در گشت و گذار این شماره به ساحت زندان قزل حصار کرج میرویم، زندانی که شکنجه گاه قرون وسطای شاهی شهرت جهانی شکنجه گاه اوین را تحسنت - الشعاع قرار داده است. سیاحتی که مو را بر بدن انسان سیخ میکند. در دیدار از شکنجه گاه قزل حصار با یکی از "اختراعات" رژیم سفیها، یعنی بادستگاه برقی برش دست آشنا خواهیم شد. نه! اشنباه نخواهید! مسئولین پلیس قضائی رژیم جمهوری اسلامی

در آیند. از اینرو میر محمدی به لب مطلب میبرد از وی در مورد اجرای - سایر احکام الهی میگوید: "گادری پلیس قضائی در اجرای مواردی ارا حکام قضائی اعماء بدن با مشکلاتی از قبیل در آوردن چشم و قطع دست سارق مواجه هستند. در مورد قطع دست سارق نیز پلیس قضائی وسائل برقی اختراع کرده است که بسیار سریع عمل میکند. منتهی این کار یک اشکال فنی پزشکی دارد که آیا در اجرای قضای در این کار

ماشین برش برای قطع دست سارقین که بسیار سریع عمل میکنند آماده کرده است. در این رابطه مسائل پزشکی نیز در نظر گرفته شده است.

حتی تصور این مطلب نیز که دست انسانی را همانند قطعه چوبی بااره برقی قطع کنند، چندان آواراست. در عصری که انجمنهای گوناگون در حمایت از حقوق حیوانات در سراسر جهان بوجود آمده اند و دم از رعایت حقوق گربه، سگ و موش آزمایشگاه میزنند، اعلام چنین برنامهای از جانب رژیم جمهوری اسلامی نوهین به تمام بشریت است و سمنوان اسمی جز شوحن و بربریت است. آن نهاد، البته گمان نکنید که آقای

کیمیا ۳۰ آبان، ۱۳۶۲ سرپرست پلیس قضائی اعلام کرد:

مقدمات اجرای حد قطع دست سارقین توسط پلیس قضائی فراهم شد

سرپرست سازمان پلیس قضائی صبح دیروز طی مصاحبه ای ضمن تشریح فعالیت های این سازمان اعلام کرد: اولین ستاد پلیس قضائی از هفته آینده در دو بند از زندان قزل حصار کرج مستقر خواهد شد و مقدمات اجرای حد و قطع دست سارقین در حال فراهم شدن است و پلیس قضائی وسیلهای بنیام ماشین برش برای قطع دست سارقین که بسیار سریع عمل میکند آماده کرده است. در این رابطه مسائل پزشکی نیز در نظر گرفته شده است. آقای عباس هاشمی اجاقی سرپرست سازمان پلیس قضائی در این مصاحبه ضمن

بجای این مطلب که در حال حاضر در ۶ استان واحد های پلیس قضائی نظیر کابل مستقر میباشد و تا اوایل سال آینده ۱۰ استان دیگر نیز مستقر میشود. پلیس قضائی فرار جرمهاست گرفت گشت: یا مذاکره ای که جهت همکاری با شهرداری سرپرست سازمان خا به عمل آمده، در حین آینده اولین ستاد پلیس قضائی در دودند از زندان قزل حصار مستقر خواهد شد.

برای قطع دست آمده کرده و از مراجع تصحیح مثل پرستار قانونی و وزارت بهاری، دانشکده های پزشکی دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی کمک گرفته شده است تا نظریات خود را در این رابطه اعلام نمایند که پس از وی در سطح آنها رسا پلیس قضائی اجرای این حد مهم را به عهده میگیرد.

کسی چیزی را سرقت کرد دستش را بریده بماند شرابست هفتاد منبره ۲۰ الی ۲۵ مورد دارد که در صورت تطبیق در مورد سارقی، حد اجرا میشود وی از خود: البته مسأله جادو هر در حد فرستگار. قضائی بدل شود و هم در بند قضائی و اگر گمان تکبید که هر سارقین اجازه نما در رابطه با فقر است چون و ازنا تصور نمیکنم که در جمهوری اسلامی کسی باشد که در رابطه با تهیه نان و یا پوشاک و سایر چیزهای دیگر این کار را انجام میدهد.

این است که یک قانون خوب همانطور که در اسلام است روش قاطع را در برخورد با سرقت دارد ولی شرابست دارد که مثلا یک نفر که در رابطه با اسطراب این کار را کرده است به آن صورت کثیر نمرده است. بین زندان دست سارقی و سارقی که بدون نیاز دست به آن عمل میزند تعاون زیادی است و آنها کاملاً مشخص است: حالت است به آن تکت اشاره شود که از ۲ هزار و ۸۰۰ مورد حد شرب خمر که در حدود یک سال داشتیم تنها تعداد کثیر از ۳۰ نفر برای جرموم و ظاهراً یک نفر برای جرموم صادر شده شرب خمر نموده اند.

ماشینی را اختراع کرده اند که دست سارقین را با "رعایت مسائل پزشکی" قطع میکند. سیدابولفضل میر محمدی، عضو شورای عالی قضائی طی مصاحبه ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی در رابطه با مشکلات دستگاههای قضائی رژیم در اجرای احکام اسلامی گفت: "وظیفه پلیس قضائی، فراهم آوردن مقدمات حاکمیت حدود الهی در محاکم است ما مورسین برای اجرای احکام حدود از نسب سلاق استاندارد استفاده میکنند". واضح است که مشکل رژیم در کار سرد شلاق نیست. زیرا زندانیان در بند در سخت سراز آند که با چند ضربه شلاق از پای

احتیاج به تخصص است یا خیر. چنانچه در قطع دست سارقه شخص نباشد، پلیس قضائی با همان وسائل برقی اینکار را انجام داده و سپس دست بریده را - معالجه خواهد کرد". عباس هاشمی اسحاقی پور، سرپرست پلیس قضائی (سر جلد رژیم) خیلی سریع این "اشکال فنی پزشکی" را به روش اسلامی بر طرف میسازد. وی طی مصاحبه ای در کیهان مورخ ۳۰ آبان ۶۲ میگوید: اولین ستاد پلیس قضائی اره فنه آینده در دودند از زندان قزل حصار کرج مستقر خواهد شد و مقدمات اجرای حد سرقت و قطع دست سارقین در حال فراهم شدن است و پلیس قضائی وسیلهای بنیام

عباس هاشمی اسحاقی پور، سر جلد رژیم پلیس قضائی، قانون قطع دست سارقین را از خودش اختراع کرده است این قانون بر نص صریح قرآن استوار است که بموجب آن دست سارقین باید قطع شود. تنها ابتکار سر جلد رژیم پیوند قوانین اسلام با تکنولوژی مدرن و در واقع تحقق آرزوهای سران جمهوری اسلامی در - بکارگیری علم و تکنولوژی در جهت اجرای قوانین الهی است. پاسخ جامعه بشری به این عمل و جنبانه و حیوانی رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز محکومیت چنین رژیم ارتجاعی و شاعران آن نیست. اما خوب است سؤال

تداوم بحران و ...

بقیه از صفحه ۴
نویسنده "یادداشت اقتصادی" کیهان در این مورد می‌نویسد:
"در مجموع باید بگوئیم که آثار و ارقام موجود در گزارش برنامه - ریزی بنا به اعتراف خود نویسندگان گزارش غیرقابل اتکاست و همچنین رابطه بین امکانات و اهداف به هیچ وجه روشن نیست و معلوم نیست که با کدام امکانات به اهداف تعیین شده خواهیم رسید. همچنین روح حاکم بر این برنامه همان روح حاکم بر برنامه ششم رژیم منفور گذشته است که ما را در جهت صدور منافع اولیه و ورود - کالاهای واسطه‌ای صنعتی کالاهای سرمایه‌داری سوق داده، وابستگی ما به

کشورهای بیگانه را تشدید می‌نماید و ... مفایر با شرع مقدس اسلام خواهد بود." (تاکید از ما است)
بدینگونه نمایندگان رژیم خود اعتراف می‌کنند که "روح حاکم" بر سیاستهای اقتصادی و بر برنامه‌هایشان همان "روح حاکم" بر برنامه‌های رژیم شاه خاشن می‌باشد. در هر حال این "روح حاکم" خواهان چیزی جز گسترش حرص و آزار سرمایه‌داران، - تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان و وابستگی هرچه بیشتر به امپریا - لیسم جهانی نمی‌باشد. اعمال هر چه آشکارتر و عربان تر چنین سیاستهایی است که امروز منشاء واقعی مبارزات و اعتصابات زحمتکشان و از جمله کارگران ساختمانی ذوب آهن، اعتراضات شده‌ای در امجدیه، افسریه و ...

صدها کارخانه، کوی و بوزن دیگر را تشکیل می‌دهد.
در پایان لازم به یادآوری است که اگرچه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی با بینش ارتجاعی و مذهبی حاکم بر آنها، ناتوان تر از آنند که بتوانند تفادهای موجود اجتماعی را حل کنند و با حل شدن این - تفادها، چشم انداز اوچگیری مبارزات و اعتراضات کارگران و توده‌های زحمتکش همچنان باقی است، با اینحال اعتصابات و اعتراضات پراکنده به جایی نخواهد انجامید، مگر اینکه کمونیت‌ها و نیروهای انقلابی به سازماندهی، شکل و ارتقاء آگاهی کارگران و توده‌های زحمتکش بپردازند و مبارزات پراکنده آنها را به هم پیوند دهند.

دیداری از زندان ...

کنیم که پاسخ کسانی که در تلاش برپا کردن "اسلام راستین" و جمهوری دیمکراتیک اسلامی هستند به این عمل چیست؟
براعتی این آقایان بعد از رسیدن به قدرت با "ماشین برش دست" که خیلی "سریع و بارعایت مسائل پزشکی" یکی از قوانین "اسلام راستین" رابه اجرا درمی‌آورد، چه خواهند کرد؟

سرپرست پلیس قضائی اظهار میدارد که در شکل حرکت این ماشین مسائل - پزشکی نیز در نظر گرفته شده است نگاه کنید وقاحت تا کجاست!؟

در کوره‌های آدم سوزی آلمان هیتلری نیز کما ملا رعایت مسائل "پزشکی" و بهداشتی" میشده است. همه میدانند که چگونه فاشیست‌های آلمانی یهودیان و نیروهای مخالف را به بیانه گرفتن "حمام"، به کوره‌های آدم‌سوزی جمعی می‌بردند.

در رابطه با ساختن این ماشین جدید شکنجه، جناب جلاذباشی میگوید: "تصور نمیکنم در جمهوری اسلامی کسی باشد که در رابطه با تهیه نان و پوشاک و چیز - های دیگر دزدی کند. بنا بر این هدف از

اختراع چنین ماشینی کما ملاروشن است. ماشین آوردن میزان دزدیها و یا به عبارت دیگر تا مین امنیت برای "سرمایه‌داران". این منطقی نظام رژیمهای ارتجاعی است رژیمهایی که بر اساس مالکیت خصوصی بنا شده اند باید که با چنگ و دندان و با ارتکاب به هر جنایتی از این نوع مالکیت دفاع کنند.

دزدی و سرقت معلول جوامعی است که بر مناسبات طبقاتی بنا شده اند. - مناسباتی که در آن بخش عظیمی از انسانها از کوچکترین امکانات زندگی محرومند و تعداد قلیلی درناز و نسیمت بسر می‌برند. حل این مشکل اجتماعی نیز در گرو دگرگونی چنین مناسباتی - است در منطق رژیم جمهوری اسلامی. - دهقانی که به معادله زمینی که بر روی آن کار میکند، مبادرت ورزد، - سارق است. محرومین بدون سکنی که به اشغال آپارتمانهای خالی تحت مالکیت سرمایه داران می‌پردازند، سارقند. کارگرانی که حاضر نیستند - تن به استثمار در کارخانه‌ها داده و وسایل تولید رابه کنترل خود در می‌آورند، سارقند. بدینگونه با کم کمه جانمبه امپریالیست‌ها رژیم جهل و جنایت خمینی قادر شده است که برای حفظ سرمایه

و سرعت بخشیدن به - مجازات "سارقین" حتی از وسایل برقی و ماشین برش نیز استفاده کند.
سر جلاذ رژیم سفیهان از میان دهها نوع ادوات شکنجه تنها به "سلاق" و "دستگاه برقی برش دست" اعتراف کرده است. بدون تردید روزی که در زندان های رژیم جهل و جنایت توسط توده‌ها کشته شود، دستگاههای شکنجه اسلامی دیگر رژیم نیز فاش خواهد شد.



مسابقه فوتبال،

محلّی برای ابراز خشم توده ها

روزنامه آزادگان مورخ ۲۴ آذر نوشت: "در جریان یک مسابقه فوتبال که اخیراً در تهران برگزار شد عناصر فرست طلب حادثه‌ای بوجود آوردند که گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در خارج از کشور آنرا بیش از اندازه بزرگ کردند... در جریان مسابقه‌ای که جمعه گذشته (۲۴ آذر) در استادیم شیروزی (امجدیه) برگزار شد عده‌ای محدود عناصر فرست طلب - شرارت کردند و سکوت مقامات رسمی باعث شد که وسایل ارتباط جمعی ستمکاران بین المللی و خدا انقلاب این حادثه را بیش از اندازه بزرگ جلوه دهند." این روزنامه "سکوت اخیر - مقامات رسمی را با تبلیغاتی که در جریان حادثه مشابه دیگری انجام شده بود" متناقض دانست.

(مسابقه فوق بین تیم فوتبال ایران و یوتوف از بلخارستان صورت گرفت و در جریان آن توده‌های خشمگین با ردیگر نفرت خود را ابراز نمودند. در ۱۷ مهرماه نیز در طی یک مسابقه فوتبال در امجدیه، تظاهراتی علیه رژیم صورت گرفته بود.)

اعتراف به عدم امنیت در کردستان

ایزدی فرمانده عملیات نیروهای دولتی مرکب از ژاندارمری، ارتش و سپاه پاسداران در قرارگاه "حمزه سیدالشهدا" طی محافیه‌ای با نشریه انقلاب اسلامی ارگان سپاه پاسداران اظهار داشت: "این امنیتی که مادر کردستان بصورت موری و ظاهری شاهد آن هستیم امنیت اصلی نخواهد بود و ما در کردستان آن وقت موفق هستیم که صف مردم را از صف ضدانقلاب جدا کنیم." وی گفت: "ما در کردستان ابتدا جنگ فرهنگی، سیاسی و بعد نظامی داریم ما باید در همه جبهه‌ها بچنگیم تا پیروز شویم." ایزدی در زمینه اوضاع نیروهای رژیم در کردستان اظهار داشت: "به جرات این را میگویم. بخاطر



عکسها لحظاتی پس از اعلام خیر انجام شدن بازی پرسپولیس و پارس از بلندگوهای استادیم شهید شیروزی را نشان میدهد که تماشاگران به وسط زمین چمن بازی هجوم آورده‌اند

در ادامه مسابقات فوتبال اهرمائی پانزدهم خرداد از ظهر دیروز سمندیه قرار بود دو دیدار در ورزشگاه شهید شیروزی برگزار شود اما دیدار دوم بین تیم های پارس و پرسپولیس به دلیل از عدم تماشاگران و اعتراضی گروهی از تماشاگران انجام نشد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی پس از انجام دیدار اول امروز بین دو تیم نفت و بانک ملی عده زیادی از تماشاگران به دلیل از عدم فراوان و آرمزین چمن ورزشگاه عمدتاً بطوری که انجام این مسابقه صلاح منظور نبود در همین حال از سوی مسئولین هیئت فوتبال تهران اعلام شد که به علت استقبال تماشاچیان این بازی روز جمعه بدون فروش بلیط در ورزشگاه آزادی انجام میشود.

ولی گروهی با همین این مطلب به طعن عمارو برآمد سنگ برافشاند و طیفم تلخک ستولین، برای آرام کردن این عناصر بلندگو با این عده به تاسیسات ورزشگاه سیله کردید با هکستن شیشه ها و آتش زدن تشک های پارس و نیز کندن میزک های دروازه ها خساراتی به ورزشگاه وارد کردند. حرکت زشت و شرارتور این عناصر باعث شد که جوی از اعتراضی در ورزشگاه ایجاد شود و پارس بیرون آمدن تماشاگران این ورزشگاه را از حد پیش از حد در خیابان های اطراف ورزشگاه شهید شیروزی ترافیک سنگینی بر خیابان های منطقه شرق تهران حاکم شد که باعث شد تا به طول انجامد.

"برقراری امنیت در کردستان" را - اعلام دادند بود اینک به یک - سرکوبهای خویش علیه مردم کردستان بدینگونه اعتراف مینمایند. مبارزات سازمانهای انقلابی و دمرفقی در کردستان و پیوندشان با مردم باعث گشته است - که رژیم سیاست تخلیه اجباری روستا - ها را برای جدا کردن مردم از انقلابیون به اجرا گذارد و وسیله نیست که - ایزدی آرزوی خام جدا کردن مردم از سازمانهای سیاسی را در سر میپروراند.

عدم کیفی بودن نیروهای ما است که ما اینطور داریم فشار را تحمل میکنیم فشارهایی که نتایج معکوس دارد.

"اگر بجای این جمع نیرویی که فعلاً در کردستان داریم نیروی کیفی داشتیم شاید میتوانستیم آنها را به نصف تغلیل دهیم." وی خواستار "اعزام - نیروهای مومن تر به منطقه" شد. در زمینه خواست خود مختاری - مردم کردستان ایزدی گفت: "ما نمیتوانیم این ضربه ناامونالستی را از حزب دمکرات بگیریم و مردم ساده لوح مسلمانی که بخاطر عملکردهای غلط ما و این انگیزه‌ها جذب آنها شدند از - آنها بگیریم بزرگترین موفقیت را در رابطه با حزب دمکرات بدست آورده‌ایم." رژیم جمهوری اسلامی در وحشت از - جنبش خلق کرد و مبارزات نیروهای - سیاسی در این منطقه علیرغم اینکه - چندی پیش از زبان نخست وزیر -

فعالیت حزب الهی ها علیه همدیگر

وزیر فرهنگ و آموزش عالی طی یک محافیه مطبوعاتی اظهار داشت: "گروههای دانشجویی مسلمان دانشگاه - ها با هم دیگر هتاهنکی ندارند." وی گفت: "در یکی از دانشگاهها که اخیراً

مورد بازدید قرار گرفت، علاوه بر
 جهاد دانشگاهی پنج انجمن اسلامی
 دانشجویان که بشدت مخالف یکدیگرند
 وجود دارد و گروههای زیادی از
 دانشجویان مسلمان هستند که چاره
 هیچکدام از این گروهها نیستند.
 در رابطه با اختلافات حزب اللهی ها
 در دانشگاه، منتظری نیز طی سخنانی
 اظهار داشت: "این معنا که در بعضی
 از جاها معمول شد که نیروهای
 مشهد و حزب اللهی را از یکدیگر
 جدا سازند و بگویند این خط کبیره
 آن خط فلاحی، نباید در دانشگاهها
 مطرح شود. طرح این مسائل و این خط
 بازیها و تجزیه و گوییدن و انگ
 زدن به نیروهای خوب و مخلص، به ضرر
 انقلاب و در مسیر دشمنان اسلام خواهد
 بود."

رشد روزا فزون

تفاهای حاکمیت

در شهریور ماه گذشته، خاوری،
 نماینده فعلی لنگرود که در مقابل
 جعفری نماینده مورد حمایت سپاه به
 مجلس انتخاب شده بود، به لنگرود
 رفته و در میدان شهر شروع به
 سخنرانی میکند. در هنگام سخنرانی،
 عدهای بعنوان "حزب الله" به جمعیت
 حمله ور شده و قصد برهم زدن سخنرانی
 را میکنند. برگزار کنندگان بمنظور

جلوگیری از برهم خوردن سخنرانی،
 به سپاه مراجعه میکنند. اما سپاه
 در جواب میگوید که بما ارتباط
 ندارد... این بار برگزار کنندگان
 به شهربانی مراجعه میکنند و از آنها
 تقاضای کمک میکنند. اما تا رسیدن
 مأمورین شهربانی به محل واقعه،
 حزب اللهی ها به شویون سخنرانی
 حمله ور شده و به ضرب و جرح وی
 میپردازند. در این میان خواهش
 خاوری کشته میشود. مأمورین نیز
 چند تن از جمله کنندگان را دستگیر
 کرده و به شهربانی میبرند. کلیه
 دستگیر شدگان گزارش محضرت سپاه را
 ارائه میدهند. بنابراین این واقعه،
 مرکز تجمع باعداران بسته شده و
 ناطق خوری برای حل و فصل مسئله به
 لنگرود رفته و برای مردم سخنرانی
 میکند.

غیبت مشمولین

به خدمت سربازی

اداره نظام وظیفه رژیم با مشکل
 غیبت مشمولین خدمت سربازی روبرو
 است. فرار از سربازی چنان افساد
 گستردهای یافته است که رژیم اخیرا
 طی بخشنامه ای به کلیه مشمولین
 عواقب زیر را برای کسانی که به موقع
 خود را معرفی نکنند در نظر گرفته است
 - محرومیت از شرکت در امتحانات و
 آزمایشات رانندگی و اخذ گواهینامه.

- عدم استفاده از هرگونه وام و کمک
 های کشاورزی و صنعتی، دامداری و مسکن
 از طریق وزارتخانه ها و موسسات دولتی
 و وابسته به دولت و نهادهای قانونی.
 - عدم دریافت اصل گواهینامه یا
 پایان نامه دوره های تحصیلی دیپلم و
 بالاتر.
 - محرومیت از کاندید شدن برای مجلس
 سایر شوراهای و انجمنها.
 - عدم صدور پروانه کتبه اجاره اشغال
 و عضویت در شرکت های تعاونی.
 - محرومیت از ثبت هرگونه نقل و انتقال
 غیر قهری اموال بطور مستقیم و غیر
 مستقیم در دفاتر اسناد رسمی.
 - محروم شدن از دریافت مستمری از
 سازمانهای دولتی و وابسته و نهادهای
 قانونی.
 - محروم شدن از استخدام به هر صورت
 رسمی و پیمانی، روز مزد و خرید خدمت در
 نهادهای دولتی و وزارتخانه ها.
 تصور میشود تنها چیزی که رژیم مشمول
 غایب را از آن محروم نکرده حق نفوس
 کشیدن باشد!

گریختن هزاران ایرانی

به پاکستان

بنا به نوشته روزنامه تایمز
 هند مورخ ۱۴ اکتبر، هزاران ایرانی
 که تعداد آنها بین ۵ الی ۶ هزار نفر
 تخمین زده میشود، به پاکستان
 گریخته اند. طبق همین گزارش، دولت
 پاکستان برای حفظ مناسبات حسنه
 خود با ایران، اخبار مربوط به
 این مسئله را ماسور مینماید.
 ایرانیان به دلایل مختلفی
 ایران را ترک میکنند. عده زیادی
 برای اجتناب از سربازی و رفسن به
 جنبه جنگ ایران و عراق، از مرزها
 میگریزند. تعدادی از این افراد از
 اقلیت های مذهبی (از قبیل بهایی)
 بوده و تحت فشار رژیم میباشند.
 عده ای دیگر آبنده ای برای حضور در
 چارچوب این رژیم نمی بینند و بعضی
 نیز بعلت وابستگی خود و یا خانواده
 خود به رژیم شاه، از ایران
 میگریزند.



پناهندگان ایرانی در پاکستان به برخورد دولت پاکستان و سازمان ملل به اوضاع خود اعتراض دارند. آنها وضع خود را با پناهندگان افغانی که از وضع بهتر و از کمک سازمان ملل و دولت پاکستان برخوردار هستند، مقایسه می‌کنند. ممانعت کشورهای اروپایی از دادن ویزا به پناهندگان ایرانی، آنها را وادار به تظاهرات و نشست در دفتر نمایندگی سازمان ملل در پاکستان کرده است.

با زهم اختلاس!

استاندار باختران جزئیات دهها میلیون ریال اختلاس را در ادارات استان باختران فاش کرد. کهنزادی - استاندار باختران گفت: "دریسی بازرسی‌هایی که در شهرداری باختران داشتیم بیک مورد اختلاس ۱۵ میلیون ریالی برخورد کردیم، در اداره دارائی و اموراتمادی به چندین پرونده برخورد کردیم که بگردم آن چهار - میلیون ریال و یک رقم دیگر ۵ - میلیون ریال اختلاس مواجه شدیم."

استخدام کارگران کشاورزی از شهرها!

نماینده مراغه در مجلس گفت:

موضوع کوچ روستاییان به شهرهای بزرگ خصوصا تهران در آینده نزدیک دولت را مجبور خواهد کرد که برای کشاورزی از شهرها استخدام کند تا به روستاها بروند و کشاورزی کنند چون هر چه میشویم و می‌بینیم اکثرا شعار است نه عمل. وی در مورد عدم بهداشت و درمان روستایی اضافه می‌کند: "یک روستایی بدبخت برای بدست آوردن یک قرص آسپرین باید دو روز وقت صرف کند، یک روز به شهر بیاید و یک روز برگردد و از لحاظ مادی شاید بعضی وقتها یک قرص را به دهها تومان بخرد. در اینجا باید پرسید آیا این است معنای عدالت."

"ارتداد" چند زندانی سیاسی وارد یکی از زندانهای بندرماهشهر می‌شود، بعثت توهین به زندانیان مورد خصم و نفرت زندانیان قرار می‌گیرد. - زندانیان بر سر آغوش ریخته و کفک مصلی به وی می‌زنند. مقامات مزدور زندان نیز برای "تنبیه" زندانیان مبارز آنها را به زندانهای انفرادی می‌فرستند.

مبارزه با فرهنگ غربی به سبک اسلامی!

خبرگزاری رویترز طی گزارشی در ۲۵ نوامبر (۴ آذر) اطلاع داد که میرحسین موسوی، نخست‌وزیر رژیم قصد دارد تا کارشونهای خارجی و پیراهن های نقش‌دار را ممنوع کند. به نظر

نخست‌وزیر، الفبای لاتین نیز باید در علوم چون مثلثات، فیزیک و شیمی جای خود را به حروف فارسی (بخوان، عربی) بدهد. رویترز در این گزارش گفته است: "لباسهای ورزشی و تنگ با زیپ‌های تزئینی، جورابهای رنگی، کفشهای فرم‌زنند و پیراهنهای آستین کوتاهی که شعارهای خارجی و یا عکس‌های مایکل جکسون بر روی آنها چاپ شده، مورد شدیدترین حملات مقامها و روزنامه‌های ایرانی قرار گرفته است."

خودکشی یک درجه‌دار

درجه‌داری که تا یک سال پیش

حزب الهی بود، بتلیل فحاشی به مسئولین و فدیت با رژیم، چندین بار دستگیر شد. سه ماه قبل مقامات رژیم وی را از ارتش اخراج کرده و حکم تخلیه خانه سازمانی‌اش را به وی ابلاغ نمودند که با امتناع وی رویرو شد. در آخرین هفته شهریورماه، پاسداران به خانه‌اش مراجعه کرده و به همسرش اطلاع می‌دهند که برای انجام کاری به دادستانی برود. با این تبرک و پس از خروج وی از خانه، پاسداران به خانه‌اش راه یافتند و اقامتیه خانه را به محوطه بیرون می‌ریزند. زمانی که درجه‌دار مذکور و زنت‌باز می‌گردند، با دیدن این صحنه بسیار برآشفته شده تا بدان



حد که درجه‌دار دست به خودکشی می‌زند. اطرافیان از این امر جلوگیری نموده و اناکتیه آنها را پس راهرو ساختمان منتقل می‌کنند. پس از چند روز زندگی در راهرو، درجه‌دار خود را از طبقه چهارم ساختمان پائین می‌اندازد و هم‌اکنون در بیمارستان در حال مرگ بسر می‌برد.

افزایش هزینه‌های نظامی

در بودجه سال ۶۴

میرحسین موسوی، نخست‌وزیر رژیم جمهوری اسلامی، در روز ۶ آذر،

گوشمالی یک آخوند

چندماه قبل آخوندی که برای



لایحه بودجه کل کشور را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم کرد. وی هنگام ارائه لایحه بودجه طبعی سخنانی گفت: "بر اساس پیش بینی هائی که در لایحه بودجه صورت گرفته است حجم کلی بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۶۴ به ۳۸۶۸/۷ میلیارد ریال محدود خواهد بود." به گفته موسوی درآمدهای پیش بینی شده دولت در سال آینده حدود ۳۵۷۰ میلیارد ریال و کسری بودجه ۳۹۲/۵ میلیارد ریال خواهد بود. در زمینه کسری بودجه، موسوی اظهار داشت: "۹۶/۵ میلیارد ریال از محل برکشتی های پرداختی - های سال قبل تامین میشود و بقیه، یعنی ۲۹۸ میلیارد ریال از سیستم بانکی کشور استخراج می گردد." وی در مورد هدفهای لایحه بودجه اظهار داشت: "علاوه بر جنگ که ارجحیت کامل دارد، سه محور اقتصادی مهار تورم، حفظ و تداوم رشد تولید و کوشش در جهت ایجاد اشتغال مولد - مورد نظر بوده است." نسبت وزیر رژیم جمهوری اسلامی در مورد بافت اقتصادی کشور اظهار داشت: "باقت اقتصادی کشور فوق العاده وابسته و آسیب پذیر می باشد." وی همچنین در مورد درآمدهای دولت از مالیات ها اظهار داشت: "متاسفانه از نظر پرداخت مالیات یک روحیه منفی در طبقات مرفه و تروتمند جامعه وجود دارد و درآمد دولت از محل مالیات های نبار بخش خصوصی و طبقه مرفه با اداره کافی افزایش نیافته است." همچنین خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارشی پیرامون لایحه بودجه نوشت: "میلی که در سال جاری به هزینه های جنگی اختصاص داده شده، بیش از ۱/۱ بودجه را دربر می گیرد." قابل توجه است که در لایحه مذکور، ۴۰ میلیارد تومان هزینه مستقیم جنگ پیش بینی گردیده است و این در حالی می باشد که ۹۶ میلیارد تومان نیز به سایر سبادهای نظامی و انتظامی اختصاص یافته است."

اعتراض عربستان به فروش لوازم پزشکی انگلستان به ایران

بنا به گزارش هفته نامه آبرور مورخ ۲۵ نوامبر، سعودیها قرارداد یک میلیون پونجه خود را با انگلیس متوقف نمودند. این روزنامه به شرح دلایل ناعرضی های اخیر عربستان سعودی از دولت انگلیس می پردازد. بنا بر این گزارش، عربستان سعودی قرارداد اخیر جنگنده های تورنادو و هواپیماهای تعلیمی هاوک که به مبلغ یک میلیون پونجه با دولت انگلیس بسته شود، را متوقف کرده است. از جمله دلایلی که سعودیها در مورد متوقف شدن قرارداد آورده اند، فروش لوازم پزشکی نظامی انگلیس به جمهوری اسلامی و تعلیم پرسنل ارتش ایران در انگلستان می باشد.

نقش چین

در تهیه اسلحه برای ایران
بر اساس گزارش جنگ اندرسون (خبرنگار روزنامه واشنگتن پست)، در تاریخ ۲۴ نوامبر، چین قراردادی را با ایران امضاء نموده است که بموجب آن نه تنها اسلحه های چینی را به ایران می فروشد، بلکه ایران را در تهیه سلاح های ساعت آمریکا و شوروی یاری می رساند. با مدرنیزه کردن تجهیزات ارتش چین در نوارهای

مرزی شوروی، چین از مدتی قبیل هلیکوپترها، موشک ها و موشک های قدیمی خود را به ایران فروخته است.

بر اساس این گزارش دولتیست آمریکا از کره جنوبی خواسته است تا اسلحه در اختیار دولت ایران نگذارد، اما اسرائیل علیرغم فشار آمریکا، همچنان به فروش اسلحه به ایران ادامه می دهد. دلیل این امر این است که اسرائیل معتقد است که در دراز مدت، عراق و نه ایران دشمن اصلی اسرائیل است. کشورهایی دیگر از قبیل کره شمالی، آرژانتین و برزیل نیز سلاحهای مختلف ساخت آمریکا و فرانسه را در اختیار ایران قرار داده اند.

افزایش روابط با زرگانی ایران و پاکستان

بنا به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی مورخ ۷ آذر، حسین نمازی وزیر اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی پس از انجام مذاکراتی با غلام اسحاق خان، وزیر روابط اقتصادی پاکستان، و امضای یک قرارداد اقتصادی، طی مصاحبه ای با خبرنگاران اظهار داشت: "کل مبادلات جمهوری اسلامی و پاکستان در سال

گذشته افزایش داشته و به ۵۳۱ میلیون دلار بالغ گردیده است. این افزایش مناسبانه نبود ایران نبوده است. زیرا صادرات پاکستان بنسبه جمهوری اسلامی افزایش یافته و به ۲۵۹ میلیون دلار رسیده در حالیکه صادرات ایران به این کشور به رشد مطلوب نرسید. در زمینه روابط بازرگانی ایران و پاکستان، روزنامه تایمز مالی چاپ لندن طی گزارشی در ۲۹ نوامبر نوشت که یک مقام عالیرتبه پاکستانی پیرامون روابط با جمهوری اسلامی اظهار داشت که ظرف دو سال گذشته ایران بدلیل "روابط مخصوص اسلامی و برادری" که بین دو کشور وجود دارد، به تحویل نفت با قیمت ارزان به پاکستان ادامه داده است.

تلاش برای بهبود

روابط اقتصادی

با آمریکا

بنابه گزارش خبرگزاریهای جهان، محمد غرضی، وزیر نفت جمهوری اسلامی، ظرف ماه آینده در شهر ونسو ملاقاتی به منظور انعقاد قرارداد دادی به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار با یکی از کمپانی های نفتی آمریکا خواهد داشت. انعقاد قراردادهای متعدد رژیم جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی در حالی صورت میگیرد که علیرغم تصمیمات موخذه در کنفرانس اخیر وزرای نفت کشورهای عضو اوپک ایران همچنان به فروش نفت ارزان خود ادامه میدهد. سیاست تولید بیش از مقدار مقرر و قیمت گذاری ارزان نفت از جانب جمهوری اسلامی، همواره مورد انتقاد شدید دیگر کشورهای عضو این سازمان بوده است. برای مثال سیاست فروش نفت به قیمت ارزان در پرونده اخذ رای - اعتماد دولت از مجلس دوم، مورد مخالفت شدید بعضی از جناحهای حاکمیت نیز قرار گرفت. عدهای از مجلس نشینان غرضی، وزیر نفت را محکوم

هواپیما ربائی، فرصتی برای بهبود روابط با غرب

بالاخره بحران ۶ روزه ربودن هواپیمای کویتی که منجر به کشش شدن ۵ نفر - سرگردید، روز یکشنبه ۱۶ دسامبر، با "مداخله" نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی پایان یافت. این حادثه برای جمهوری اسلامی که در انزوای کامل سیاسی قرار داشت، ثمرات نسبتاً مثبتی را به بار آورد. در جریان حادثه، مقامات عربستان سعودی و کویتی و خبرنگاران بسیاری از رسانهای گروهی بین المللی با مقامات رژیم تماس گرفتند و سران رژیم که اعمال تروریستی شان شهره خاص و عام است، برای بدست آوردن دل امپریالیست ها، ظاهراً این حرکت را محکوم نمودند.

بالاخره روز یکشنبه ربایندگان هواپیما اعلام کردند که دره های هواپیما را بسته و آماده اند که تا هواپیما را منفجر نمایند. در این حین و بیس، بنا به ادعای رژیم ماموران انتظامی ایران خود را با لباس ماموران نظامت درآورده بودند، به درخواست هواپیماربایان به داخل هواپیما راه یافتند و پس از درگیری کوتاهی هواپیماربایان را دستگیر کردند. این حرکت بقدری مصنوعی و ساختگی صورت گرفت که همگی به همکاری دولت ایران با ربایندگان واقف گشتند. با این وصف، جمهوری اسلامی تا حدودی به مقاصد خود دست یافت. چرا که بلافاصله بعد از آزادی گروگانها، ملک فهد، پادشاه عربستان و مقامات کویتی برای سید علی - خامنه ای، رئیس جمهور، پیام تشنیت ارسال داشتند. امپریالیسم آمریکا نیز اعلام نمود که در صورت محاکمه ربایندگان هواپیما، روابط دو کشور میتواند بهبود یابد. بالاخره پس از چند روز مانور، مقامات رژیم اعلام کردند که ربایندگان را برطبق قوانین اسلامی محاکمه خواهند نمود

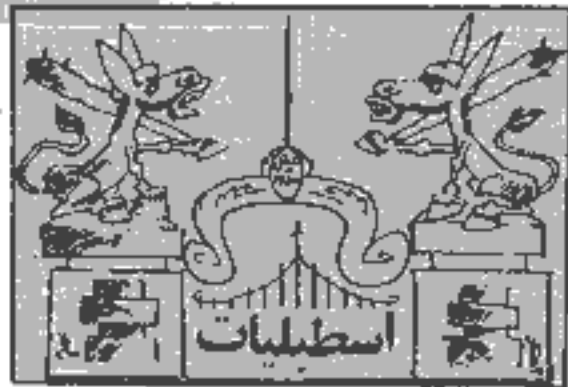
به حیف و میل ذخایر مملکتی نموده و خواستار کناره گیری وی از کابینه شدند. غرضی در دفاع از خود مطرح کرد که "سیاست فروش ارزان نفت به خاطر وخامت اوضاع مالی و خزانه مملکت بوده و گذشته از آن، تصمیمی نیست که وزارت نفت مستقلاً گرفته باشد، بلکه عدهای از سران از جمله موسوی، رفیعی، بانکی و همچنین کمیسیون اقتصادی مجلس در آن دست داشته اند." (اطلاعات، سه شنبه ۲۳ - مرداد)

خرید زیردریائی

از آلمان غربی

بر اساس گزارش ژورنال بازرگانی (Journal of Commerce) مورخ چهارم دسامبر ۱۹۸۲ بزرگترین کمپانی کشتی سازی آلمان غربی بنام Howardswerke-Deutsche Werft Hamburg - Kiel که طی چند سال اخیر از بازار کسادی نیز برخوردار بوده است، تقاضای تعدید جواز ساختن کشتی زیردریائی نوع ۲۵۹ که در سال ۱۹۷۸ توسط رژیم شاه سفارش داده شده بود، را از وزارت امور اقتصادی آلمان غربی نموده است. پس از سرنگونی رژیم شاه و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، از ساختن این زیردریائی ها که در آن زمان هزینه آن حدود ۱/۲ میلیارد مارک تخمین زده می شد، جلوگیری شد.

سخنگوی وزارت امور اقتصادی آلمان غربی اعلام کرد که HDW تقاضای تعدید جواز اولیه ساختن زیر دریائی ها را نموده است و این تقاضا توسط یک کمیته خاص کابینه بنام شورای امنیت فدرال، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر اساس این گزارش، رژیم جمهوری اسلامی از چند ماه پیش جهت فعال نمودن این پروژه که از قرار معلوم ۲۰۰ میلیون مارک آن توسط رژیم شاه پیش پرداخت شده بود، با HDW وارد مذاکره شده است.



www.adabestanekave.com

در مجلس شورای اسلامی چه می‌گذرد؟

"قلاده و زنجیر تسلیم

برگردن امت مقلد"

شریف یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اشاره به سه رکسن اساسی خط امام، یعنی امامت و اسلام، نقش واقعی انسان را در جمهوری اسلامی که چهره‌سازی جز قبول بردگی و حقارت نیست، ترسیم میکند:

"امام که بیشتر از هر چیز جلوه‌شما امروز مجسم است و این امت مقلد که قلاده و زنجیر تسلیم اسلام را با قبول -

ولایت فقیه به گردن انداخته اند نیز روشن است و اما آنچه که نیاز به توضیح بیشتر دارد و امروز نیاز به بحث اسلام است، اسلام فقهاتی که امام خط کلی آن را مشخص کرده اند (فقه سنتی) فقهی

که اصول آن در حوزه‌ها سالها تدوین شده و سالها رویش کار شده و هر اصل جدیدی می‌آمده بعد از مساجد زیاد باید برشته می‌دهد یا اصل‌های دیگر را جمع می‌کرده یعنی اصولی که سالها -

پوست و گوشت و استخوان خیلی از فقهها در به وجود آوردن آن دخیل بودند و امروز اگر مساله‌ای هست و اگر بحثی هست باید در چهار چوب همان فقه سنتی انجام پذیرد فقهی که کلام خدا را موثکافی -

می‌کند استنباط و استخراج می‌کند کلمه خدا را یعنی ما انزل الله را آنچه که خدا فرستاده و آنچه که کار انسان نیست کلمه خداست و فقه‌های معجز مسا کارشان استخراج کلمات خدا هستند"

وضع جنگ زدگان

یونس محمدی نماینده مردم خرمشهر درباره وضع آوارگان جنگ در مجلس گفت: "بیش از یک میلیون و دویست هزار آواره جنگی داریم که در فقر و بدبختی

بسر می‌برند. مساله‌ای که باید مورد توجه مجلس و دولت قرار گیرد، بودجه بنیاد امور مهاجرین جنگی است. در سال ۶۳ بودجه‌ای که برای مهاجرین تصویب شد چهار میلیارد و دویست میلیون تومان بوده که بوسیله آن غذا، پوشاک

دارو، لوازم خانگی و لوازم تحصیلی و دهها هزینه دیگر زندگی می‌بایست تامین شود... اگر ما بخواهیم نیاز مهاجرین جنگی را با توجه به حداقل

امکانات زندگی تامین کنیم به بودجه‌ای در حدود چهار میلیارد تومان نیاز داریم. حال آنکه بودجه جدیدی که نخست وزیر تقدیم مجلس کرده، حدود

۳ میلیارد ریال کمتر از بودجه سال قبل است. با این کمبود بودجه هزاران مشکل جنگ زده‌ها لاینحل باقی خواهد ماند."

نزول خواری رژیم

نماینده آستانه اشرافه در مجلس گفت: "با آنکه در اسلام نزول

خواری حرام است ولی دولت با گرفتار کردن و امضای کثرت‌وری آنها به اضعاف مضاعفه حتی نسبت به وام‌های یکسره کشاورزان در دوران طاقت‌دریافت کرده اند. دریافت می‌کند. آیا این یک تناقض نیست؟"

تصویب دیپلماسی سری

با تصویب لایحه معافیت کالاهای - نظامی از بازرسی گمرکی از این پس "اسلحه و مهمات، تجهیزات جنگی، وسایل نقلیه (به استثنای سواری)، لوازم اولیه ساخت مهمات، ماشین آلات و لوازم مربوط به ساخت اسلحه و مهمات و قطعات یدکی آنها، هنگام ورود به کشور مورد بازرسی و ارزیابی - مأموران گمرک قرار نخواهد گرفت" در این زمینه صدقیانی ممبر کمیسیون مجلس اظهار داشت: "بازرسی این وسایل توسط اشخاص در گمرکها مشکل است و بعضی از وسایلی که مخصوصا جهت تولید





مواد منفجره حمل میشوند با بازکردن و بازرسی فاسد خواهند شد. وی گفت: "بَدلیل مسایل امنیتی روی بسته های تجهیزات نظامی نام مقصد نوشته - نمیشود و در برخی موارد نیز برای - اینکه مقصد اصلی مهمات و اسلحه های ارسالی شناخته نشود نام مقصد - اشتباهی نوشته میشود. با در نظر گرفتن موارد فوق گشودن بسته ها و صنوق - ممکن است باعث افشای مسایل امنیتی و نظامی شود و لذا نباید باز شود."

یکی از موافقین تصویب لایحه فوق بنام کپاش نیز اظهار داشت: "فلسفه لایحه فوق پوشاندن اسرار است که متأسفانه مابه آن توجه نگریده ایم." خلغالی نیز در این زمینه اظهار داشت: "تعداد و میزان و مقصد وسایل نظامی باید پوشیده بماند و اطلاعات نباید از مراکز دولتی درز کند و کمربکات و سایر ادارات نباید بدانند که چه اسلحه و مهماتی وارد کشور شده است" محسن رفیعی دوست وزیر سپاه پاسداران اضافه نمود: "حجم این کالاها و محصولات بسیار زیاد است و لازم است که این فسیل وسایل و تجهیزات زودتر از بنادر و - مبادی ورودی کشور حمل شود." نماینده وزارت دفاع نیز در توجیه لایحه فوق گفت: "اگر ما بخواهیم به گمرک - سود بازرگانی بپردازیم لازم است که اسناد و مدارک است که کلیه فعالیت های ما را از لحظه تهیه تا رسیدن بسته مقصد افشا میکند از این جهت مصلحت نیست که این کار صورت بگیرد." حق ثبت نام ندارند

اداره کل آموزش و پرورش تهران اعلام کرد آندسه از دانش آموزان - مدارس آرامنه در سطح تهران که در - امتحان دینی بزبان فارسی ورقه - خود را سفید تحویل داده اند و جلسه امتحان را ترک کرده اند (بعلت - اعتراض) حق شرکت در مدرسه را در سال جدید تحصیلی نخواهند داشت .

مهاجرت زندگی در روستا
علی پناهنده نماینده "برخوار" در مجلس شورای اسلامی طی تظنی در روز -

پنجشنبه ۱۷ آبان در حضور دیگر نمایندگان پیرامون مشکلات حوزه اشخاص اشخاص اظهار داشت: "برخوارها داشتن زمین های وسیع و مستعد کشاورزی به آب - نیازمند است و اغلب قنات های این شهرستان خشک شده و در بسیاری از - مناطق بخاطر بائین بودن سطح آبهای تحت الارضی، حفر چاه عمیق ممنوع است. این مردم خوب و زحمتکش چه بایسد میکنند؟ می گوئید از روستاها به شهرها مهاجرت نکنند، برنج هم به این علت که روستاها باید خود کفایند، کم می دهید، مردمی که آب ندارند تا گندم بکارند چگونه برنج تهیه کنند؟"

شکستن تمام کاسه کوزه ها بر سر جنگ

الویری در رابطه با مسئله جنگ گفت: "یک مطلبی که در خیلی از جاها به چشم می خورد... این است که میگویند دولت کلبه ضعف هائی را که در کار اجرائی دارد این ضعفها را به گردن جنگ می اندازد. تا میگویند یک جاده چرا خراب است میگویند آقا جنگ است. هر مشکلی را ارجاع میدهند به جنگ و جنگ را بسبب بهانه فرار داده اند برای اینکه ضعفها را بپوشانند." در رابطه با خرج جنگ الویری میفرماید: "همیشه اینها را حساب میکنیم مبلغی در حدود ۱۱۴ میلیارد تومان میشود که

این ۱۱۴ میلیارد تومان را اگر تقسیم بر ۲۶۵ بکنید (ایام سال) هزینه جنگی ما در شبانه روز حدود ۲۱۰ میلیون تومان میشود. یعنی در هر شبانه روز ما داریم ۲۱۰ - میلیون تومان هزینه جنگی میپردازیم" (مذاکرات علنی مجلس جلسه ۵۹۱) .
"حمله جوانان به روحانیت"
ملازمی طی سخنانی در مجلس گفت: "دشمن با زهم بیکار نیست و برای بدنام کردن اسلام و جمهوری اسلامی از هر چه اختلاف جوانان و روحانیت استفاده - میکند. به این معنا که روحانیت در منابر و مساجد مرتب فریاد میزند - شبهه فروش خرید مواد مخدر حرام و فاعل این فعل گناهکار و برابری اسلام باید مجازات شود و دشمن جوانان را تحریک و کار به جایی میرسد که - نعره روحانیون با این حربه مضروب و در بیمارستانها با شفاوت زمانی سه ماه فاصله از یکدیگر بستری و نفر آخر هم اکنون در بیمارستان زاهدان - بستری و طبق اطلاع واسطه احتمالاً یک چشم آن معیوب خواهد بود. متأسفانه تاکنون هیچ اقدامی از سوی نیروهای انتظامی و قوه قضائیه صورت نگرفته و ترس بر آن است که این شیوه تکرار - شود و پشت سر آن فاجعه جبران ناپذیری ایجاد گردد و دشمن خوشحال و ما مانم زده شویم، زیرا حفظ آبروی روحانیت حفظ آبروی اسلام است."

السالوادور

روز جمعه ۳۰ نوامبر، دولت السالوادور و جبهه رهاایش ملی فارابوندو مارتی (FMLN) توافق را مبنی بر یک آتش‌بس موقت، که از ۲۲ دسامبر تا ۳ ژانویه به مناسبت کریسمس برقرار خواهد شد، به اعضا رساندند. این آتش‌بس که توسط اسقف سان سالوادور اعلام شده است، حامل ۱۱ ساعت گفتگو میان نمایندگان چریکیا و دولت است. طرفین طی اطلاعیه مشترکی منعقد شده‌اند که مذاکراتی را که در ۱۵ اکتبر در لایالما آغاز کرده بودند، از سر بگیرند. نمایندگان چریکیا پیشنهاد کرده‌اند که تغییر ساعت ارتش نقطه آغاز پیرویه تسخیر زدائی کشور باشد، ولی نمایندگان دولت این پیشنهاد را نپذیرفته‌اند. دولت اعلام کرده است که هیچ چیزی که خارج از چارچوب قانون اساسی باشد، قابل اجرا نخواهد بود. از طرف دیگر "روبن زامورا"، یکی از رهبران اصلی FMLN، اعلام کرده است که FMLN طی مذاکرات خود با دولت، بر ضرورت استقرار "یک دمکراسی واقعی و یک پلورالیسم واقعی" در السالوادور اصرار ورزیده است.

بنا به گزارش خبرگزاری‌های جهان، ارتش السالوادور اعلام کرد که بر اثر حمله اخیر چریکیا، ۴۵ سرباز دولتی کشته شدند. این حادثه بزرگترین شکست ارتش السالوادور طی ۵ ماه گذشته بوده است و بار دیگر ادعای دولت آمریکا را مبنی بر اینکه ارتش السالوادور دست‌بالا دارد، با تردید رویرو ساخت. چریکیای فارابوندو مارتی همچنین با حمله به یکی از بزرگترین واحدهای تولید قهوه، نزدیک به نیم میلیون دلار خسارت وارد آوردند.

شیلی

بدینال استقرار حکومت نظامی در شیلی که از ۶ نوامبر آغاز شد، رژیم نظامی پهنوشه عملات گسترده‌ای را از ۱۵ نوامبر، به مناطق کارگر-ششین انجام داده است. توده‌های زحمتکش نیز با بستن پارک‌ها، به مقابله با ارتش پرداختند. طی این درگیری، هزاران تن دستگیر و صدها تن زندانی گشتند. مبارزات کارگران شیلی که در سال ۱۹۸۲ بوسیله کارگران من آغاز شد، به کلیه بخش‌های کارگری سرایت کرده است.

بدینال اعلام حکومت نظامی، پهنوشه دستور سانسور مطبوعات را



مادران افرادی که توسط ارتش رسیده شده‌اند در شهر آباکولو نسبت به سفاک‌ها می‌گریزند

که در سراسر کشور برقرار شده بود، پایان یافت.

کلمبیا

به تن از رهبران سازمان چریکی "جنبش ۱۹ آوریل" (M-19)، که یکی از بزرگترین سازمانهای چپ این کشور میباشد، بعد از اتمام جلسه مشترکی که با یکدیگر داشتند، بوسیله ماموران دولتی دستگیر شدند. قابل توضیح است که سازمان M-19 به اتفاق دیگر سازمانهای مخالف رژیم، در اوت گذشته قرارداد صلح موقتی را با رئیس‌جمهور این کشور به اعضا رسانیدند. به تن از رهبران M-19 که به اسمی "آنتونیو-نارو"، "ولف آلفونسو جاکوین" و "لوشین لارا"، در ۲۳ نوامبر در بوکتا بوسیله نیروهای دولتی دستگیر شدند. جرم آنها حمل اسلحه در اتوموبیلشان اعلام شده است. مأموران دولتی قصد دارند که این به تن را در دادگاههای نظامی محکوم سازند.

آرژانتین

روز چهارشنبه ۱۴ نوامبر کلیه اعضای شورای عالی قوای سلطنتی،

مادر نمود. در پی این دستور، شش روزنامه مخالف رژیم نیز تعطیل شد و کلیه میتینگ‌ها و جلسات گروهها و احزاب سیاسی منع اعلام گردید.

پرو

روز ۲۹ نوامبر، به فراخوان مهمترین سندیکاها، پرو (CGTP) که تحت نفوذ جریانات چپ میباشد، یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته در سراسر کشور برگزار شد. در این روز درگیری‌های متعددی در شهر لیما صورت گرفت که طی آن حدود ۱۵۰ نفر توسط پلیس دستگیر شدند. رئیس‌سندیکای CGTP اعلام کرد که ۹۰٪ کارگران دراعتصاب شرکت کرده بودند. در این روز اکثر کارخانه‌ها، مدارس، بانکها و مفازها تعطیل شدند. اتوبوسها و سایر وسایل نقلیه عمومی نیز عملاً فلج گردیدند. در حومه‌های شهر لیما درگیری‌هایی میان پلیس و مردم صورت گرفت که طی آن حداقل ۳ دانشجو مجروح گشتند. نخست‌وزیر پرو اعلام کرده است که "بهر حال دولت خواسته‌های سازماندهندگان اعتصاب را برآورده نخواهد کرد چرا که ایسین خواسته‌ها بیش از حد سیاسی شده‌اند." از طرف دیگر کارگران کارخانه Southern Peruvian Lopper Corp نیز از چند هفته پیش دراعتصاب می‌برند. روزا دسامبر، وضعیت اضطراری

استعفای خود را به وزیر دفاع آروانتیس اعلام کردند. این مسئله اولین نشانه تضاد میان ارتش و دولت زاسول آلمونسین می باشد. دلیل استعفای آنها این است که وزیر دفاع حاضر شده است از اعضای عورا در مقابل انتقادات مجامع مختلف سیاسی دفاع کند.

بنابه گزارش روزنامه سادی - تایمز، مقامات نیروی دریایی ژانتهین ۱۶ فروند هواپیماهای جنگی هاوک را بطور محرمانه از اسرائیل خریداری نمودند. این روزنامه ادامه میدهد که معامله پس از جنگ فالتگ لند صورت گرفت. لازم به توضیح است که آمریکا هواپیماهای مذکور را در اختیار دولت اسرائیل میگذارد.

میان ۹ کرسی، حزب سوسیال میخی ۶ کرسی، حزب کمونیست، سوسیالیست و جنبش عملیات ملی ۶ کرسی.

مکزیک

بر اثر انفجار یک تانک گاز که منجر به یک آتش سوزی بسیار شدید در ناحیه سان خوان شد، حداقل ۵۰۰ تن کشته و بیش از ۲۰۰ تن زخمی شده و حدود ۱۰۰۰۰ نفر نیز بی خانمان گشته اند.

بولیوی

بنابه گزارش روزنامه وال - استریت ژورنال، اتحادیه های کارگری بولیوی اعتصاب نامحدودی را بعنوان اعتراض به سیاست های

کارخانجات نیز اعلام کرده اند که بهیچوجه حقوق روزهای اعتصاب را به کارگران پرداخت نخواهند کرد. از طرف دیگر، روسای کمیته فغال سنگ ۱۹۵۰ از ۶۵۰۰ کارگر و کارمندان اعتصابی را اخراج کرده اند. ۶۰۰۰ نفری که اخراج گشتند، حتی از اطفاهایی که کمیته در اختیارشان گذاشته بود، نیز بیرون رانده شده اند.

پس از سرکوب شدید جنبش توده ای توسط رژیم نواپرسنت آفریقای جنوبی، تعداد زیادی توسط پلیس دستگیر شده اند. برای اعتراض به این مسئله، کمیته حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی، روز ۲۹ نوامبر دست به یک حرکت اعتراضی سراسری زد. از طرف دیگر فدراسیون سندیکائی فورتو که ۱۴۰ هزار نفر عضو دارد، پیشنهاد کرده است که سال نو با "نقل سیاه" شروع شود و مردم فقط حداقل وسایل ضروری را بخرند تا بدینوسیله چهره رژیم نواپرسنت آفریقای جنوبی در سطح جهانی بیشتر افشا شود.

مصر

بنابه گزارش روزنامه لوموند، در روز ۲۲ نوامبر پیش از آن ۱۰۰۰ دانشجوی دانشگاه ایلانی الاظهر در یک تظاهرات خشونت آمیز اعتراض علیه دولت مصر، شرکت نمودند. در این درگیری ها، ۸ دانشجو و ۲ پلیس مجروح شدند و ۶۴ دانشجو دیگر به "جرم خرابکاری و جاسارت نسبت به پلیس" دستگیر شدند. بعد از قدرت رسیدن حسنی مبارک، این اولین حرکت دانشجویی مهم و تشکیلی باخسسه در مصر می باشد.

اروپا

فرانسه

بنابه گزارش روزنامه لوموند، روز شنبه ۱۰ نوامبر یک کارگر ترک به همراه چند تن دیگر از کارگران سندیکای (CGT) بمنظور اعتراض به عدم دریافت حقوق خود، دست به اعتصاب غذا زدند. کارگران اعتصابی که قصد داخل شدن به کارخانه را داشتند، توسط افراد گارد کارخانه به آنها تیراندازی شد که در این بین کارگر ترک بنام "ازگل کمال" بر اثر ضربه گلوله کشته شد. این حادثه عکس العملهای مختلفی را در سطح سندیکاها و مقامات دولتی و حزبی فرانسه برانگیخت. سندیکای CGT (وابسته به حزب کمونیست فرانسه) از این حادثه استفاده کرد تا بتواند دوباره اعتماد اعضای خود را بدست آورد. حزب سوسیالیست فرانسه که در اولین ساعات خبر این حادثه، اظهار بیعت محکوم کرده بود نیز از این حادثه بعنوان یک وسیله علیه اپوزیسیون راست استفاده میکند.



مراسم تدفین مردم میگناه نیکاراگوئه که توسط غذا انقلابیون تحت حمایت آمریکا ترور شده اند

نیکاراگوئه

بنابه گزارش دولت انقلابی نیکاراگوئه، در دو هفته اول نوامبر پیش از ۲۷۸ تن از ضدانقلابیون که بکه وسیله امپریالیسم آمریکا حمایت می شوند، به هلاکت رسیده و حدود ۹۶ تن از آنها نیز بحدت زخمی شده اند. همسر گزارش حاکی از این است که ۲۲ تن از مردم بی گناه نیز توسط مخالفان رژیم انقلابی ماندنیستها جان خود را از دست داده اند. این عده اکثرا از غیرنظامیان بودند که داوطلبانه برای پرداخت محصول قهوه به مزارع نواحی "جینونکا" آمده بودند.

روز ۱۲ نوامبر نتایج انتخابات نیکاراگوئه از طرف "عورای عالی انتخابات" رسماً اعلام شد. تفهیم کرسی های نمایندگی مجلس موسسان و مجلس مفتنه بدین قرار اعلام گردید: (جنبه آزادی بخش ملی ساندنیست) ۶۱ کرسی (۶۶/۱۷٪ کل آرا)، حزب محلی کارگر دمکرات (راست میانه) ۱۴ کرسی، حزب مستقل لیبرال (راست)

ندکارگری دولت این کشور آغاز نمودند. این حرکت درست پس از اعتصاب ۹ روزه ای که از ۲۲ نوامبر آغاز شده بوده انجام گرفت. یک نماینده کنفدراسیون کارگران اعلام کرد که کلیه کارخانجات، کارگاهها و معادن به حالت تعطیل در خواهند آمد و تنها وسایل نقلیه، آب و برق و پزشکی کار عادی خود را انجام خواهند داد.

آفریقا

آفریقای جنوبی

پس از اعتصاب عمومی در این کشور، بغلنت سرکوب شدید پلیس علیه مردم و کارگران، اوضاع کشور بحالت عادی باز میگردد. تظاهراتی سالی، رهبر کمیته سازماندهنده اعتصابها مستلام کرده است که چندی اعتراضی در مقابل عدم اجرای خواسته های کارگران میتواند مجدداً تکرار خود، روسای

پس از مخالفت سدیکار و کارگران معادن انگلستان با پرداخت یک جریمه ۲۰۰۰۰۰۰ لیره‌ای که در اکتبر ۸۴ به بهانه نقص قوانین انگلستان مبنی بر عدم مشورت با بایه‌های سدیکا قبل از اعلام اعتصاب صادر شده بود، مقامات انگلستان ضبط داری‌های این سدیکا را در دستور کار خود قرار دادند. سدیکا با پیس بیسی چنین اقدامی، چند میلیون لیره که موجودی سدیکا بود را به چند بانک مختلف جهان منتقل کرده است. با این حال مقامات انگلستان با توانی بانکداران جهانی، حساب انگلستان سدیکا را در تمام بانکها "سدود" کرده‌اند.

در روزنامه Transport Review (ارگان اتحادیه ملی کارگران راه آهن و مترو انگلستان) مورخ ۱۹ اکتبر مقاله‌ای در رابطه با حمایت مردم آنها از اعتصاب کارگران معادن درج شده که در اینجا به نحی از آن اشاره می‌کنیم:

"اعتصاب کارگران معادن انگلستان وسعاً مورد حمایت مردم جهان قرار گرفته است... در همین رابطه، فدراسیون کارمندان بانک‌ها با مراجعه به سازمانهای محلی خود و با جمع آوری موادمذاتی که بیشتر شامل گوشت، ماهی، مرغ و خشکبار میباشد، حمایت خود را ابراز داشتند." در نامه‌ای که اس فدراسیون برای اتحادیه ملی معادن انگلستان نوشت آمده است: "سازره‌ای که ما شاهد آن هستیم نتیجه سیاست‌های دولت علیه طبقات تحت‌توسم و رحمتکش و کارگران اینک که با مساره خود منافع سرمایه‌داران را بحسب می‌اندازند." در بخش دیگر از نامه آمده است که: "این حمایت، همبستگی پیس المللی ما را با کارگران جهان و بطور اخص کارگران معادن به منظور کسب پیروزی در یکسرد فیرمانانه نشان میدهد."

بارگشته کار در معادن از چندی پیش در انگلستان آمار شد. طبق گفته ریاست معادن ذغال، فقط در عرض یک روز (۱۹ نوامبر) ۲۲۸۲ معدنچی اعتصاب خود را نکسند. این بزرگترین رقم از آمار حبس (در ماه مارس گذشته) تا بحال است. در حال حاضر ۶۰۰۰۰ معدنچی (۵۱۰۰۰ نفر بنا به گفته اتحادیه ملی معدنچیان) در مقابل ۱۴۰۰۰۰ اعتصابگر وجود دارد. کارفرمایان برای جلب رضایت کارگران از هیچ کوششی فروگذار نیستند. بعنوان مثال انوسپدانی بنام "ناپر پروکتر" برای کارگران غیراعتصابی تهیه نموده‌اند که سحر عجبی نژدیس شده‌اند و تمام شبه‌ها از بالا تا پائین توسط شبکه‌هایی محافظت میشود. کارگران غیراعتصابی سف مورد تنفر بقیه کارگران هستند.

هلند

بنابه گزارش روزنامه لوموند، بیکاری روز بروز در هلند افزایش می‌یابد. یک سوم بیکاران را جوانان زیر ۳۳ سال تشکیل می‌دهند. از تعداد ۸۰۲۶۰۰ نفر که بعنوان بیکار تا آخر اکتبر پال ۸۲ ثبت نام کرده‌اند، ۲۴۴۰۰۰ نفر را جوانان کمتر از ۲۳ سال (۳۳٪ کل بیکاران) تشکیل می‌دهند.

آسیا

فلسطین

بعد از سخنرانی ملک حسین در شورای ملی فلسطین، سرخی از رهبران ساف نظیر ابو جهاد اعلام کردند که: "فقد پذیرش موری پیشنهادات ملک حسین را ندارند، ولی مضمون سخنان او و شکل آنرا تاخیر می‌کنند." ابو جهاد گفت: "ساف تصمیم گرفته‌است که خود را با مواج بین المللسی

یک دولت مستقل تا مول هستند. درگیری‌های گسترده سال ۱۹۸۳ موجب اختلافات شدید بین دو ملت سنگالی (۷۰٪ جمعیت) و تا مول (۳۰٪ جمعیت) شده است. اختلافات این دو شامل اختلافات مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میباشد (سنگالیها بودایی و تا مولها هندو میباشد). مقامات سری لانکاهی که جهت مقابله با چریکهای تا مول تا بحال از انگلیس و اسرائیل بسیاری می‌گرفتند، اکنون از امپریالیسم آمریکا نیز تقاضای کمک نموده‌اند.

عراق

بنابه گزارش روزنامه نیویورک تایمز، طارق عزیز، وزیر امور خارجه و معاون نخست وزیر عراق، طی ملاقاتی با رهبران و شولتز اظهار داشت که کشور وی روابط گسترده‌ای را با آمریکا برقرار خواهد نمود. در ارتباط با این مسئله، یکی از مقامات بلند پایه دولت آمریکا اظهار داشت



تمایلات راست روانه عرفات با استقبال ایران ارتشایی عربی مواجه شده‌است

آمریکا همچنان سعی در حفظ "بی‌طرفی" خود در رابطه با جنگ ایران و عراق دارد. این مقام اضافه نمود که در صورت برآورده شدن یک سری شرایط، آمریکا متمایل به برقراری روابط بهتری با ایران است از جمله این شرایط، آمادگی رژیم ایران برای مذاکره جهت خاتمه دادن به جنگ میباشد.

تطبیق دهد" و برای اجرای مجموعه قطعنامه‌های سازمان ملل در باره فلسطین، منجمله قطعنامه‌ای که ایجاد یک دولت عربی در کنار دولت یهود را بیس مبنی می‌کند، اعلام آمادگی کرده است. اما قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت که تنها قطعنامه پیشنهادی ملک حسین بوده، حقوق مشروع خلق فلسطین را منکوت می‌گذارد.

عربستان سعودی

بنابه گزارش روزنامه نیویورک تایمز، رهبران عربستان سعودی و ۵ کشور خلیج فارس که همگی عضو شورای همکاری‌های خلیج میباشند، مذاکراتی را به مناسبت پنجمین سالگرد تاسیس این شورا آغاز نمودند. موضوع مورد بحث در این اجلاس، هماهنگی بیشتر نیروهای نظامی برای حفظ صلح در منطقه میباشد. شرکت کنندگان همچنین از رژیم ایران درخواست نمودند که مذاکراتی را جهت صلح با عراق شروع نماید.

سری لانکا

بنابه گزارش یکی از مقامات سری لانکا، در حمله چریکهای استقلال طلب تا مول به مقر یک پایگاه پلیس در شب ۲۵ نوامبر، ۲۵ پلیس بهلاکت رسیدند. این حمله مهمترین حمله‌ای است که بعد از جولای ۱۹۸۳ صورت گرفته است. چریکهای تا مول که عملیات خود را در عرض سه سال گذشته افزایش داده‌اند، دارای پایگاههایی در شمال و شرق کشور (مغربترین قسمت) میباشد و خواهان برقراری

هم‌میهنان آگاه و مبارز!

دانشجویان انقلابی و مترقی!

عزمه فعالیت‌های سیاسی - تبلیغی ایرانیان مبارز در خارج از کشور لحظات حساسی را سپری می‌کند. "سپه یونیورسیته" بعنوان مرکز فعالیت نیروهای دانشجویی بعد از ۴۰ سال سابقه مبارزاتی در معرض دست‌رفتن است. "مسئولین سپه" پس از یک دوره تحمل وضعیت موجود، بار دیگر با تجدید تعرض در روزهای جمعه به صورت همه جانبه، قصد آن دارند تا برای همیشه هرگونه شرع‌عقاید و بیان آزاد اندیشه مخالفین رژیم جمهوری اسلامی و رژیم سابق ایران را در "سپه" ریشه کن کنند.

آنها در هفته‌های اخیر با تهدید به منع هرگونه فعالیت، اعم از پخش تراکت، فروش نشریات و ... حتی در محوطه "سپه" برای نیروهای ایرانی، تمامی دیگر به سیاست اعمال فشار خود افزودند. اکنون برای هر انسان مبارزی جا دارد که عمیقاً و بطور جدی در باره علل و ماهیت این تهدیدات به تعمق بنشیند و بر آن چاره‌ای بیابد.

چه کسی می‌تواند در این امر تردید داشته باشد که نقشه به تعطیل کتاندن مراکز فعالیت سیاسی دانشجویان هوادار نیروهای انقلابی و شرقی بجز معانعت از افشاء جنایات جیشمار رژیم جمهوری اسلامی در افکار بین المللی در دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران نتایج نخواهد داد؟ به تعطیل کتاندن سالن مرکزی "سپه"، اعمال فشار برنامه‌ریزی شده به دلایل واهی "ازدحام"، "آلوده کردن محیط سپه"، "تشنج" و غیره، منع هرگونه تجمع سیاسی در محوطه بطور کاملاً به گام، ایجاد رعب و وحشت، دستگیری و اذیت و آزار دانشجویان و دست‌آورد تهدید به معانعت از پخش تراکت و نشر بیرون راندن دانشجویان حتی از سالن غذاخوری. چنین است حقیقت مربوط به آزادی بیان و اندیشه در فرانسه.

اما چرا "مسئولین سپه" علیرغم عقب‌نشینی‌های اولیه در شرایط فعلی بدین امر مبادرت کرده‌اند، خود نیازمند بررسی جداگانه‌ای است. ما طی مذاکراتمان با این "مسئولین" مراجعاً متذکر شدیم که همواره در پاکیزه نگه داشتن محیط "سپه" تلاش کرده و خواهیم کرد و اعلام نمودیم که هرگز موجبات تشنج در این محل را تا جایی که مربوط به خود ما است فراهم نمی‌آوریم، اگرچه "مسئولین سپه" به خوبی می‌دانند که این دلایل "بیانه" هائی بیش نیستند و در واقع امر جلوگیری از حضور سیاسی ایرانیان مبارز در "سپه یونیورسیته" را هدف قرار می‌دهند.

www.adabestanekave.com

هم‌میهنان آگاه و مبارز!

دانشجویان انقلابی و مترقی!

تنها نیروی تعیین کننده و برخوردار فعال شما است که می‌تواند در عظیم گذاشتن سیاست‌های "مسئولین سپه" ما را یاری رساند. بسودن حمایت و پشتیبانی بیدریغ شما، امر بازگشائی "سپه" و افشای این نوطقه در افکار عمومی فرانسه ممکن نیست. اکنون مهمترین و اساسی ترین وظیفه این است که با اتحاد هرچه محکمتر، تمامی توان خود را روی این مهم متمرکز کنید. بگذار "مقامات عالی‌رتبه سپه" یکبار برای همیشه به عزم

بقیه در صفحه ۱۹

آلمان غربی

دارمشتات

روز شنبه ۲۴ اکتبر، شوقاً - شستهای آلمان غربی که از حمایت پس‌فاشستی آلمان برخوردارند، کنگره جوانان خود را در شهر دارمشتات برگزار نمودند. این عمل، نیروهای انقلابی شرقی و ضدفاشیست را بر آن داشت که جهت مقابله با آنان، اقدام به برگزاری آکسیون اعتراضی و افشاکرانه بنمایند.

در این آکسیون اعتراضی، بیش از ۶۰۰ نفر از اعضاء و هواداران اتحادیه سندیکاهای سراسری آلمان در شهر دارمشتات و سایر نیروهای انقلابی و مترقی و ضدفاشیست آلمانی و خارجی شرکت داشتند. هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شهر دارمشتات با پشتیبانی همه جانبه و شرکت در آکسیون، بار دیگر بخاطر اعتقاد راسخشان به مبارزات ضدامپریالیستی - دموکراتیک، بسه دفاع از این آکسیون ضدفاشیستی برخاستند.

بن

به حمایت از برگزاری اولین اشتباهات در نیگاراکونه و منگوم نمودن جنایات امپریالیسم آمریکا در کشورهای آمریکا لاتین، حدود ۳۰ هزار نفر از مردم آلمان، روز شنبه ۹ نوامبر در شهر بن دست به تظاهرات زدند.

تظاهرات کنندگان در حالیکه شعار می‌دادند: گشت جنایتکاران آر - آمریکا لاتین کوتاه باد و "بانکی ها به خانه‌هایشان برگردید"، از سه نقطه شهر بطوری محل برگزاری جشنیک به حرکت در آمدند. هواداران سازمان نیز با امضای فراخوان این تظاهرات، بار دیگر حمایت خود را از مبارزات خلقهای این منطقه اعلام نمودند. رفقای هوادار سازمان در آلمان فدرال و برلین غربی با گذاشتن میز کتاب در محل جشنیک، به پخش اعلامیه‌ها و نشریات سازمان به زبانهای آلمانی و فارسی پرداختند.

این تظاهرات که همزمان در چندین کشور اروپایی انجام گرفت، با سخنرانی نمایندگان جنبش آزادی بخش السائوادور (FDR)، خبرنگار نیگاراکونه در بن، جنبش طبع آلمان فدرال و ویلی برانت رئیس حزب سوسیال دموکرات آلمان، و انجام برنامه‌های هنری پایان رسید.

لازم به تذکر است که هنگام سخنرانی ویلی برانت، بسیاری از تظاهرات کنندگان با پرچاب رنگ و ایجاد پارازیت، مانع ادامه سخنرانی وی شدند، وی که اخیراً از مسافرت آمریکا لاتین بازگشته است، سعی در اجرای سخن دلال سیاست‌های

توطئه سازمان مجاهدین خلق ایران بار دیگر ناکام ماند

سازمان مجاهدین خلق که آلترناتیو با اصطلاح "شورای ملی مقاومت" اش به رغم همه تلاشها برای اتحاد با جناح هاشمی از امپریالیسم جهانی، در مسیر تلاشی قطعی قرار گرفته است، در آخرین لحظات حیات این تجمع بورژوازی و افنا شدن چهره سازشکار سران سازمان مجاهدین در راستای نزدیکی هرچه بیشتر به امپریالیسم جهانی، سازمانهای انقلابی ایران از جمله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را "مشکوک" اعلام می‌کند و در همین حال به اقدام بی سابقه و اپورتونیستی "سازمان سازی" متوسل می‌شود.

سازمان مجاهدین خلق که از فدائی اتحادش با بورژوازی ایران و تشکیل آلترناتیو بورژوازی شورای ملی مقاومت درصدد "جلب" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به این تجمع سازش و نهایتاً خیانت به انقلاب بود، تا بدینوسیله طبقه کارگر ایران را - که اساساً مخالف هرگونه رژیم بورژوازی بوده و پیگیرانه برای هدفنهای سوسیالیسم مبارزه می‌کند - از پیشاهنگ رزمنده خود محروم سازد، پس از ناکامی خود برای رسیدن به این هدف سازشکارانه درصدد برآمد تا کتف خود را با علم کردن عنصر خائنی بنام مهدی سامع و معرفی وی بعنوان نماینده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، فرو نشاند. مجاهدین در حالی سامع را نمایند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معرفی می‌کنند که وی بخاطر خیانت هاشمی در شاخه کردستان و عدول از مواضع و اساسنامه سازمانی از سچفا اخراج شده است و هم‌اکنون نیز نظراتش از جمله نفی هژمونی پرولتاریا و پذیرش رهبری بورژوازی در انقلاب، هیچ تفاوتی با نظرات ضد انقلابی حزب مسوده ندارد.

در ادامه چنین سیاست اپورتونیستی، سازمان مجاهدین خلق از طریق "شورای ملی مقاومت" در تاریخ ۱۴ دسامبر جلسه‌ای را برای مهدی سامع در لندن ترتیب داد. سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند، و ولز (هوادار سچفا) پیش از برگزاری این جلسه، با صدور اعلامیه‌ای تحت عنوان "توطئه جدید شورای ملی مقاومت محکوم است" (۱۵ دسامبر ۸۴) این حرکت را شدیداً محکوم کرد. در شب برگزاری جلسه نیز رفقای هوادار سازمان در ابتدای برنامه با اعتراض به استفاده از نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مخدک شدند که شخص سامع و "شورای ملی مقاومت" در استفاده از نام سازمان محق نبوده و خواستار این شدند که سخنران تحت عنوان دیگری صحبت کند. به رغم اعتراضات بی در پی رفقای هوادار و - بعضی از حفا، برگزار کنندگان جلسه از قصد خود مبنی بر جعل نام فدائی عدول نکرده و با حرکات و شعارهای عوامفریبانه‌ای سعی در مخدوش کردن این خواست بحق و جو سازی علیه رفقا نمودند. هواداران سازمان در واکنش، با هوشیاری کامل شعارهای "مرگ پر سازشکار"، "مرگ پر جمهوری اسلامی" را شعارهای غالب جلسه ساختند و همچنان خواستار عدم استفاده از نام سچفا توسط مهدی سامع شدند. برگزار کنندگان که این خواست را نافی هدف‌های اصلی خود می‌یافتند، تصمیم به ختم جلسه و انتقال هواداران شورا با استفاده از اتوبوس از پیش آماده شده‌ای، به محل دیگر و ادامه جلسه به شکل دیگری گرفتند. رفقای هوادار در بیرون محل جدید برگزاری جلسه، کماکان به اعتراضات خود ادامه دادند. پلیس انگلیس که در حمایت مستقیم

امپریالیسم جهانی در این منطقه را دارد.

فرانکفورت

نمایشگاه بین المللی کتاب همه ساله مدت یک هفته از تاریخ ۲ اکتبر تا ۸ اکتبر در شهر فرانکفورت برگزار می‌گردد. این نمایشگاه که یکی از بزرگترین نمایشگاه های کتاب در سطح جهان می‌باشد، توجه بیش از یک میلیون علاقمند به کتاب را از سراسر جهان بخود جلب می‌نماید. بنگاههای انتشاراتی و نمایندگی‌های کشورهای مختلف، جدیدترین کتابهای خود را در این محل به معرض دید همگان قرار می‌دهند.

سازمان دانشجویان ایرانی، هوادار سچفا در آلمان نیز از چهار سال قبل موفق به کسب غرفه‌ای مستقل در این نمایشگاه گردید و از آن پس هر ساله آثار و نشریات سازمان و هواداران را به زبانهای مختلف در این غرفه، که تحت نام "کمیته فدائی شهید سعید سلطانپور" به ثبت رسیده است، به عنوان تنهای نیروی ایرانی شرکت کننده در نمایشگاه به معرض دید عموم قرار داده است. لازم به یادآوری است که سال گذشته در پی اشغال غرفه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی توسط هواداران سازمان و دیگر نیروهای انقلابی و تعطیل شدن غرفه رژیم، امسال عوامل رژیم از وحشت گشالی سچفا، در نمایشگاه حضور نداشتند. ولی روزنامه کیهان در بخش خبری این نمایشگاه مسئله را آنگونه وارونه جلوه داد که در ذهن خواننده تداعی می‌گردد که گویا رژیم نیز در نمایشگاه حضور داشته است. رفقای هوادار سازمان توانستند درحقیق برگزاری نمایشگاه، با انجام معاوضه‌های مختلف، بخش اعلامیه و نشریات و انجام نمایشنامه های خیابانی، چهره گریه رژیم ضد خلقی را هرچه بیشتر افشاء نمایند. رفقای هوادار درحالیکه عکسهای جنایات رژیم در کردستان را به گردن آویخته بودند، به بخش نشریه آلمانی سازمان هوادار در آلمان و جمع آوری کمکهای مالی پرداختند.

وجود عکسها و پوسفرهای مختلف از جنایات رژیم در درون غرفه سازمان هوادار، باعث از لحام جمعیت و شور و علاقه جهت نماغای آنان و کسب اطلاعات در مورد مسائل ایران گردیده بود. علاوه بر هواران بازدید کننده از سراسر جهان از غرفه سازمان هوادار، شخصیت‌های مختلف در محل غرفه حضور یافته و با رفقای هوادار به بحث و گفتگو نشستند. از جمله بازدید کنندگان، معاون وزیر فرهنگ کشور نیکاراگوسه بود که ضمن حضور در محل غرفه، خواهان همکاری نزدیک بین سازمان هوادار و بنگاه انتشاراتی وابسته به وزارت فرهنگ نیکاراگوسه گردید.

از برگزارکنندگان جلسه و به خواست آنها در محل حاضر شده بود، هواداران سازمان را تهدید به دستگیری می‌کرد. مسئولین انجمن دانشجویان مسلمان در انگلستان، با نشان دادن و معرفی هواداران سازمان به عنوان "انارشیست"، گام جدیدی در همکاری با پلیس فاشیست انگلیس برداشتنده، تا قبل از اینکه هواداران سازمان که تنها در یک سال گذشته در اعتراضات پیگیر علیه ارگانهای جمهوری اسلامی بارها مورد تخاصم پلیس فرار گرفته‌اند، با کسی از درگیری با نیروهای امنیتی انگلیس ندارند. صحنه اسفبار خروج مهدی سامع با کمک بیش از ۴۰ نفر از افراد پلیس اسکاتلند - یارد و سگهای پلیس از در عقب ساختمانی نمایشگر شکست مفتضحانه "شورای ملی مقاومت" در پیاده کردن این توطئه بود.

نفی اتحاد و حرکت با نیروهای انقلابی و سیر حیرت‌العقول سران سازمان مجاهدین به سوی جناح‌هایی از امپریالیسم، تاکتیک‌های بورژوازی چون جعل سازمان و تحریف تاریخ و سوابق را نیز بدنبال دارد. اما شکست و درافتادن "شورای ملی مقاومت" به پهنه سیاست‌بازی‌های بورژوازی - رسوا تر از آن است که هرگونه عضوگیری از میان پسرمانده‌های سازمانهای سیاسی و واماندگان جنبش کمونیستی برای آن آبروساز باشد. مجاهدین باید بدانند که نه هواداران سچفا و نه هواداران دیگر سازمانها و گروههای انقلابی و مترقی و نه هیچ فرد دمکرات و آگاه - اجازه نخواهند داد که جریانی علناً با جعل نام سازمان آنها و بسا هویتی دروغین به کذب مواضع و نظراتشان بپردازند.

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
نابود باد سرمایه‌داری
زنده باد سوسیالیسم

سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان،
اسکاتلند و ولز (هوادار سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران)

۱۵ دسامبر ۱۹۸۲

بقیه از صفحه ۱۷

هم‌میهنان آگاه و مبارز!

و نیروی پر توان و آگاه ایرانیان مبارز خارج از کشور در احقاق حقوق دمکراتیک هر انسان مبارزی باور یابند.

- هواداران سوسیالیسم و انقلاب در پاریس (هواداران کندوکاو سابق)
- جبهه همبستگی بین‌المللی برای دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران - فرانسه
- سازمان هواداران حزب کمونیست ایران در خارج از کشور - پاریس
- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - پاریس
- هواداران اتحادیه کمونیست‌ها (سربداران) - پاریس
- کمیته هماهنگی دانشجویان ایرانی برای بازگشایی سینه (انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - دانشجویان ایرانی در فرانسه، هواداران سابق پیکار)

در این نمایشگاه رفقای هوادار توانستند مدها نظریه و کتاب به زبانهای مختلف را به فروش رسانده و اعلامیه‌های مختلف در رابطه با سیاست‌های ضدفرهنگی رژیم را در میان بازدیدکنندگان پخش نمایند.

برمن

"کمیته زنان" سازمان هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آلمان در هفته زنان شهر برمن - که از تاریخ ۱۷ سپتامبر تا ۲۲ - سپتامبر برگزار شده بود، شرکت کرد. این آکسیون یکپارچه‌ای یکبار دیگر فعالانه به افشای جنایات امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی علیه زنان در ایران پرداخت. رفقای "کمیته زنان" همچنین ضمن توطیح و تشریح شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران و ایجاد گرسنگی، فقر، بیماری، بی‌خانم‌ها، گران‌ترین تورم و سایر مواضع شوم ناشی از حاکمیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، توانستند ایجاد وحشتناک حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را نشان دهند. رفقا همچنین با نصب روزنامه‌های دیواری، پوستر، ارائه اسناد سازمانی و بخصوص بحث با شرکت‌کنندگان ایجاد دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام در ایران را افشاء نمودند. طی برگزاری هفته زنان، روزنامه‌های آلمانی اخبار و مصاحبه‌های متنوعی پیرامون سفر یک هیئت پارلمانی آلمانی (بعد از مسافرت وزیر امور خارجه آلمان به ایران) را درج کرده و در آنها به تمسوی مزورانه به سقنه زن و آزادی زندانیان ایران اشاره نموده بودند. این آکسیون فرصت خوبی به رفقای "کمیته زنان" داده بود تا بتوانند - این اسناد پشتیبانی تبلیغاتی امپریالیسم آلمان را از رژیم جمهوری اسلامی و سرپوش گذاشتن روی قسمتی که به افکار مختلف جامعه، بویژه بر زنان روا میشود، افشا نمایند.

"کمیته زنان" سازمان هواداران - در ضمن در پنجمین روز هفته زنان برمن در یک سمینار به تبلیغ مواضع انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پرداخت. جمعا بیش از ۲۵۰۰ نفر از این آکسیون بازدید کردند. وجود رفقای "کمیته زنان" سازمان هوادار بعنوان تنها نیروی خارجی شرکت کننده، مورد تحسین نیروهای شرکت‌کننده فرار گرفت.

سوئد

استکهلم

مدتی قبل از طرف نیروهای ایرانی، ماه نوامبر بعنوان ماه زندانیان سیاسی در ایران اعلام گشت.



بودند

پرداخت، رفقای هوادار سجعفا
بهمراه نیروهای مرفقی بینالمللی
دیگر در این برنامه فعالانه شرکت
نمودند.

طی یک فرار ملاقات قبلی،
نمایندهگان انجمن دانشجویان ایرانی
در مونترال، هوادار سجعفا در این
شب به مدت ۲۵ دقیقه با دبیر اول
سفارت نیکاراگوئه ملاقات نموده و
ضمن اعلام همبستگی خلق ایران با خلق
نیکاراگوئه، مدارک زیادی را دال -
بر جنایات رژیم جمهوری اسلامی و
جو خفقان، شکنجه و ترور در ایران
در اختیار وی گذاشتند. همچنین
نشریات سجعفا در اختیار لیلا -
مارتینز قرار گرفت. دبیر اول
سفارت نیکاراگوئه نیز قول (PP) بنا
مدارک و نشریات مزبور را به اطلاع
دولت متبوع خود برساند.

همچنین رفقا در این برنامه
اطلاعیهای بسیاری در افشای رژیم
جنایتکار جمهوری اسلامی در بین
شرکت کنندگان بخش نمودند.

تورنتو

در تاریخ ۶ دسامبر ۸۴ ده نفر از
پناهندگان ایرانی در بازداشتگاه
اداره مهاجرت کانادا در شهر تورنتو
دست به یک اعتصاب غذای نامحدود جهت
رسیدگی به خواستههای خود زدند.
خواستههای اعتصاب کنندگان عبارت
بود از:

- ۱- آزادی فوری همه اعتصاب کنندگان
- ۲- دموکراسی از زمان عفو بین الملل و
کمیسیون پناهندگان سازمان ملل جهت
رسیدگی به وضعیت آنها
- ۳- برگزاری کنفرانس مطبوعاتی جهت
رساندن صدای شان به مردم کانادا.
هواداران سجعفا در تورنتو پس از -
اطلاع از این جریان، به بسیاری
پناهندگان برخواسته و با ملاقاتهایی
با این زندانیان و تماس با عفو -
بینالمللی و احزاب سیاسی و وکلای
مرفقی کانادایی در برآوردن خواسته
های برحق این پناهندگان نمودند.

به خاطر وخیم شدن وضعیت اعتصاب
کنندگان و فشار مقامات کانادا در -
تاریخ ۱۴ دسامبر هواداران سجعفا با
بررسی وضع موجود، تصمیم به برگزاری
تظاهرات میگيرند. این تظاهرات با
همکاری هواداران کومدله در مقابل
یکی از شعبات اصلی اداره مهاجرت
برگزار میشود. این حرکت تحت عنوان
شکل دیمکراتیک (کمیته همبستگی
با پناهندگان ایرانی) صورت گرفت
در پایان این آکسیون رفقا با خبرنگار
لوزانس Toronto Star که چند دقیقه
بعد از تظاهرات به محل رسید، مصاحبه
نمودند و ضمن تشریح علل پناهنده -
شدن ایرانیان به کانادا، به افشای
جنایات جمهوری اسلامی و همچنین فشار
های مسئولین اداره مهاجرت پرداختند.
آخرین اخبار حاکی است که -
زندانیان با گرفتن اطمینان از -
آزادی خود به اعتصاب غذای خود پایان
داده اند.

کانادا

مونترال

بمناسبت گرامیداشت دهمین سال
فعالیت کمیته ائتلاف بر علیه
دیکتاتوری مارکوس CAMD-PSN، در
۲۳ نوامبر سال جاری برنامه‌ای در شهر
مونترال برگزار شد. رفقای هوادار -
سجعفا ضمن شرکت فعال در این برنامه
و قرائت پیام همبستگی خود، به نقش
امپریالیسم جهانی سرگردانی
امپریالیسم آمریکا در جهان و همچنین
به نقش سازمان چریکهای فدائی خلق
در ایران اشاره نمودند. رفقا همچنین
بر اتحاد و همبستگی خلق ایران با
خلق فیلیپین تأکید کردند. نیروهای
انقلابی از السالوادور (فارابوندو -
مارتی)، نیلی (MIR) و اروگوئه نیز
در این برنامه شرکت داشتند. در این
برنامه اعلامیه‌های زیادی در رابطه
با اضمای سیمای جنایتکار جمهوری
اسلامی بخش گردید.

09990

بمنظور افشای نقش تجاوزکارانه
امپریالیسم آمریکا در آمریکای
مرکزی، برنامهای از طرف نیروهای
انقلابی، مرفقی و دمکراتیک مقیم
مونترال در تاریخ ۲۴ نوامبر در این
شهر برگزار گردید. در این برنامه
سیاسی - هنری، اسلایدهایی در رابطه
با انتخابات اخیر نیکاراگوئه به
نمایش گذاشته شد و آنگاه مسئول
حقوق بشر استان "کبک"، که خود به همراه
چند نفر از نزدیکان شاهد انتخابات
نیکاراگوئه بود، برگزاری این -
انتخابات را کاملاً دمکراتیک وصف
نمود. سپس لیلا مارتینز، دبیر اول
سفارت نیکاراگوئه در کانادا ضمن
ایراد سخنانی، به توصیف روحیه عالی
خلق نیکاراگوئه و آمادگی مردم
برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا

یک هفته قبل از شروع ماه نوامبر،
با درک ضرورت تبلیغ هرچه بیشتر حول
شعار آزادی زندانیان سیاسی در ایران
و افشای چهره ضدانقلابی رژیم جمهوری
اسلامی در ارتباط با وضعیت موحش -
زندانیان سیاسی در ایران، "کمیته
دانشجویان ایرانی در اسپکنگم"
(عامل هواداران سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران، سازمان وحدت
کمونیستی و ارتش رهاش بخش خلقهای
ایران) شروع به تدارک برای فعالیت
در این ماه نمود. این کمیته بمنظور
گسترش اتحاد عمل از هواداران "حزب
کمونیست" نیز برای همکاری دعوت
بمعمل آورد که آنان پس از شرکت در
اولین جلسه کمیته و بحث در اطراف
شعارها و محتوی اعلامیه‌ها، در جلسات
بعدی شرکت نمودند.

خلاصه فعالیت‌های یک ماهه
"کمیته دانشجویان ایرانی در اسپکنگم"

- ۱- توزیع ۱۰۰۰۰ اعلامیه (برشور)
در افشای رژیم جمهوری اسلامی و
شرح وضعیت زندانیان سیاسی و
شکنجه‌های روحی و جسمی متداول در -
زندانیان، شرح وضعیت بهداشتی زندانیان
و... اعلامیه‌های فوق‌الذکر به مسدود
سه هفته و ۶ روز و هر روز به مدت
۳ ساعت در شلوغ ترین ساعات و در پر
رفت و آمدترین نقاط شهر بخش گردید.
- ۲- بخش ۱۰۰۰ کارت پستال که در یک
طرف آن عکس رفقای که در کردستان
اعدام شده‌اند و در طرف دیگر مفاد
درخواستی "کمیته" قید شده بود.
- ۳- توزیع اعلامیه فارسی مشترک
هواداران سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران و وحدت کمونیستی در
ارتباط با این آکسیون.
- ۴- چنانچه ۵۰۰ آفیش دعوت به
تظاهرات اول دسامبر جهت حمایت از
زندانیان سیاسی در ایران.
- ۵- برگزاری تظاهرات اول دسامبر
به حمایت از زندانیان سیاسی در
ایران که در آن حدود ۱۲۰ - ۱۳۰ نفر
شرکت کردند.

مرضی کوتاه دست‌داد تا با نماینده نیروهای رها فیکش غنلق السالوادور (PPL) در شهر نیویورک معاهده‌ای کوتاه پیرامون مذاکرات اخیر بین FDR/FMLN و رژیم دوارته ترتیب دهیم. در این معاهده سعی

عده است که زمینه‌های فبلی ای که منجر به انجام این مذاکرات شده است، توضیح داده شود. بدیهی است که درج نکات طرح شده از جانب رفیق نماینده کمده نروما به معنی نائید آنها از طرف ما نیست و صرفاً برای روشن شدن مسئله می‌باشد.

"جهان"

مصاحبه با نماینده

www.adabestanekave.com

جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی

سوال: پیش از پرداختن به "مذاکرات صلح" بین FMLN و رژیم دوارته، لطفاً بطور نکته‌وار زمینه‌های خودکشی مارسیال (کارپیو) و تاثیر آن بر سیر تکوینی FMLN را ذکر کنید؟

جواب: از آنجائیکه مارسیال خود را مقدم بر انقلاب می‌نگاشت (و نه انقلاب را مقدم بر خود)، هیچگاه نیازی به تغییر تاکتیک‌ها را درک ننمود. اگرچه وی در مراحل نخستین اعتلای جنبش انقلابی در السالوادور نقش موثری در فرمولبندی استراتژی انقلاب ایفا نمود، لیکن انحرافاتش که در مورد نقش رهبریت خود کسب کرد، می‌توانست تاثیر منفی در پروسه جنبش انقلابی السالوادور بوجود آورد. به انحراف عمده مارسیال عبارت بودند از:

۱- مارسیال بخاطر تعابلات کتا - رهبریتش پافشاری میکرد که در درون نیروهای انقلابی السالوادور، PPL تنها سازمان انقلابی پیشتاز است. وی PPL را نه یکی از احزاب، بلکه تنها حزب انقلابی السالوادور میدانست. این دیدگاه باعث میشد که مسئله پیشتاز بودن PPL، بعنوان

یکی از سازمانهای انقلابی درون FMLN، تنها بطور لفظی مورد تاکید قرار بگیرد. حال آنکه پیشتازی هر سازمان انقلابی می‌باید در عمل و طی یک پروسه انقلابی به اثبات برسد. مهمترین نتیجه این دیدگاه آن بود که ضرورت‌های ایجاد یک جبهه بین نیروهای انقلابی درون FMLN را نادیده می‌گرفت چرا که این نیروها را و امید داشت که فقط بطور لفظی مسئله پیشتاز بودن PPL را بپذیرا شوند.

۲- دومین انحراف کارپیو ناشی از دیدگاه پیرامون اشتلاف با سایر اقشار و طبقات بود. بنظر ما اتحاد کارگران و دهقانان هسته اصلی سیاست اتحاد طبقاتی را تشکیل می‌دهد و پس از انجام چنین اتحادی، مسئله همگامی با دیگر اقشار و طبقات قابل طرح است. بنظر ما برخی اقشار و طبقات ممکن است "دشمن" شمرده شوند ولی نه دشمنان عمده و اساسی. دیدگاه مارسیال نافی چنین اصولی بود.

۳- سومین انحراف مارسیال، به مسئله اتحاد مربوط میشد. وی پروسه اتحاد را در نظر نمی‌گرفت.

بدلیل وجود چنین انحرافاتش، نقش PPL در خارج از السالوادور و در تلاش‌های مربوط به جنبش همبستگی با انقلاب السالوادور بهیچوجه مرز روشن و مشخصی نداشت، چرا که PPL در درون FMLN برای خود حق و تقو قابل شده بود و هرگونه توافق بین‌المللی با وتوی PPL (حتی اگر چهار نیروی دیگر FMLN آنرا امضاء میکردند) ملغی میشد. مذاکرات صلح نیز از چنین وتوی مستثنی نبود. **سوال:** پیش شرط‌های مذاکرات صلح و اهداف آنرا چگونه می‌بینید؟ اگر مذاکرات صلح جنبه تاکتیکی دارد، چنین تاکتیکی چگونه در خدمت استراتژی انقلاب السالوادور قرار می‌گیرد؟ رابطه این مذاکرات با طرح حکومت موقت انقلابی که از طرف FMLN مطرح شده است، چیست؟

جواب: نخست تاکید می‌کنیم که FMLN هدف عمده انقلاب را سرنگونی رژیم حاکم در السالوادور میدانند و نه صلح. در راستای چنین هدفی، مبارزه مسلحانه ابزار و تاکتیک عمده‌ای است که پروسه انقلابی و سرنگونی حکومت السالوادور را تضمین مینماید. ما برای پروسه انقلاب دو دینامیم قائلیم. نخست، دینامیم اساسی که همانا گرفتن قدرت (و سرنگونی رژیم) است، سپس دینامیم عمده، که همانا از کانال مذاکره به پیش میرود. مذاکره با رژیم السالوادور مسئله قدرت دوگانگی بودن ما را بخوبی مطرح می‌سازد و از اهمیتی نظیر اهمیت مذاکرات صلح بین آمریکا و دولت انقلابی ویتنام برخوردار میباشد. هدف دیگر مذاکرات صلح را با توجه به سرکوب وحشیانه جنبش توده‌ای از سالهای ۸۰-۱۹۷۹ به بعد توسط دولت السالوادور، میتوان مورد بررسی قرار داد. جنبش توده‌ای که در سالهای



چریکهای السالوادور در حال تعلم نظامی مشخصی توده‌ای

۸۵ - ۱۹۷۹ در السالوادور، شرایط قیام را فراهم ساخته بود، مورد ناخت و ساز و سرکوب رژیم ارتجاعی السالوادور قرار گرفت. در این میان انجام و استحکام سازمانهای انقلابی درون FMLN، موجب شد که مناطق آزاد شده‌ای در اختیار نیروهای انقلابی قرار گیرد. این در حالی بود که بخاطر سرکوب و وحشیانه رژیم، نیروهای انقلابی در شهرها از سازماندهی جنبش توده‌ای تا حدود زیادی محروم مانده بودند. بهمین جهت پس از سرکوب‌های وحشیانه ۸۵ - ۱۹۷۹، سازمانهای انقلابی همواره در صدد استقرار و استحکام سازمانهای توده‌ای در شهرها بوده‌اند. مذاکرات صلح می‌تواند چنین زمینه‌ای را فراهم سازد و دست سازمانهای انقلابی را در بسیج و سازماندهی نیروهای توده‌ای باز نگاهدارد. FMLN همواره تلاش می‌کند که مسئله صلح را بصورت یک مسئله و تقاضای مرکزی به میان توده‌ها ببرد ولی حتی این تقاضا نیز مورد سرکوب رژیم السالوادور قرار میگرفت. پیشرو FMLN و پرونده انقلاب السالوادور، رژیم السالوادور را وادار ساخت که مسئله مذاکرات را علنی سازد. در حالیکه پیشتر از این رژیم السالوادور همواره سعی داشت که رسمیتی برای نیروهای انقلابی FMLN و مذاکرات صلح قائل نشود.

کارگری - دهقانی شعلی دارد، هدف و سمت‌گیری طبقاتی طرح حکومت مسوقت انقلابی، جذب لایه‌های خرده بورژوازی و نیز جداسازی بورژوازی غیرالیکاری - شی از بورژوازی الیکاری و همیشه به امپریالیسم است، هزم ذریعل، نماینده قشر بندی طبقاتی کنونی در جامعه السالوادور است.

شوند. لیکن FMLN/FDR شعاره‌سای انقلابی ضد رژیم را بدرون تظاهرات و تجمعات توده‌ای خواهد برد و کلسه شمارها بگونه‌ای خواهند بود که آگاهی سیاسی توده‌ها علیه رژیم را بالا برده و سرکونی رژیم را تسهیل و تسریع نمایند. مذاکرات صلح‌داری هدف بین المللی نیز میباشد و میتواند شکاف درون امپریالیستها را درباره نیروهای انقلابی السالوادور تشدید نماید و بدین طریق به تسریع پروسه انقلابی در السالوادور کمک کند. فراموش نکنیم که ۷ کشور (فرانسه، سوئد، هلند، سوئیس، مکزیک، کلمبیا، کوسنا ریکا) برای انجام چنین مذاکراتی تلاش کرده و داوطلبانهای نقش میانجی شده‌اند.

در عین حال فراموش نکنیم که در چین و پس از مذاکرات صلح با رژیم السالوادور، FMLN تنها در یک حمله، ۴۴ درصد از نیروی هوایی رژیم السالوادور را ویران ساخت.

سوال: رابطه مذاکرات صلح با طرح حکومت مسوقت انقلابی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: در این مرحله از تکامل جنبش انقلابی السالوادور، یعنی در مرحله‌ای که همزونی طبقاتی به اشهاد

و اما ما چگونه مذاکرات صلح را در خدمت استراتژی خود قرار میدهیم؟ بعضی آنکه حکومت السالوا - دور مسئله مذاکرات را پذیرا کرده، راه برای سازماندهی جنبش توده‌ای در درون شهرها باز خواهد شد. باید تاکید کنیم که در حال حاضر احیای جنبش توده‌ای برای انقلاب ما اهمیت استراتژیک دارد.

توده‌ها می‌توانند نهادهای - برای بیرون آمدن، سازماندهی خود و برپائی تظاهرات پیدا کنند، بدون آنکه از سرکوب و وحشیانه رژیم مرعوب



در اصل، هدف سیاسی طرح حکومت موقت، عبارت بود از جنبشی ساختن برنامه انتخابات دوآرسه، که از سوی امپریالیسم آمریکا بطور مستقیم حمایت و سازماندهی شده بود. تا از این طریق برای رژیم السالوا - دور مشروعیت سیاسی کسب نماید.

ارزیابی از طرح برنامه حکومت موقت در مقطع کنونی نشاندهنده آن است که در عمل آن بخش از بورژوازی غیر الیکاری هیچگونه پاسخ مثبتی بدین برنامه نداده است. در این میان تلاش برای جداسازی بخش بقیه در صفحه ۲۸

ضایعه نشت گاز در هند:

بزرگترین فاجعه صنعتی دنیای سرمایه داری

مقدمه



در نیمه شب سوم دسامبر سال جاری مقدار زیادی "میتل ایزوسیانات" از کارخانه حشره کش سازی "یونیسون کارباید" در شهر بوپال هند، به هوا نشت نمود. بر اثر نشت این گاز سمی خطرناک، بر طبق گزارش رسمی دولت هند، بیش از دوهزار و پانصد نفر قربانی شدند و متجاوز از هزاران نفر دیگر به عوارض شدید ریوی مبتلا گشته اند. طبق پیش بینی متخصصین، عده زیادی از آنها تلف خواهند شد و بقیه برای تمام عمر از عوارض ناشی از این مسمومیت، رنج خواهند برد. در میان قربانیان، از کودک نوزاد تا اشخاص کهنسال وجود داشته اند. بسیاری از رسانه های بین المللی، این حادثه را بزرگترین فاجعه تاریخ صنعت نامیده اند. این فاجعه یکی از صدها فاجعه ناشی از حاکمیت نظام سرمایه داری است. نظامی که هیچ ارزشی برای موجود انسانی قائل نیست و آنها را به مثابه کالای تولید ارزش اضافی می نگرد.

در این مقاله سعی می کنیم ضمن تشریح این فاجعه به مسائل مربوط به محیط زیست و آلودگی ناشی از صنایع در دنیای سرمایه داری، معرفی کمپانی انحصاری "یونیسون کارباید" و نارکردن آن بپردازیم.

محیط زیست و آلودگی صنعتی

مسئله آلودگی محیط زیست (هوا، آب و زمین) و آلودگی محیط کار بوسیله مواد خام، مواد ساخته شده و مواد زائد خطرناکی که در جریان تولید ایجاد میگردد، از آغاز انقلاب صنعتی، مشکل بزرگی را در مقابل جامعه قرار داد. تا قبل از انقلاب صنعتی، اگرچه جریانهای تولیدی و مواد دفعی خطرناک، در کارگاهها وجود داشت، اما کمیت آن بحدی نبود که بتوان آنرا مسئله ای جدی قلمداد کرد. البته نباید تصور نمود که بیماری های ناشی از آلودگی محیط کار در دوره های پیش از انقلاب صنعتی وجود نداشت. مدارک حاکی از بیماری کارگران در کارگاههای مختلف تولیدی بسیار آهیدمی (همه گیری) بیماری هائی در اثر مصرف آب پسابهای آلوده در هزاران سال قبل می باشد. (۱)

بعد از انقلاب صنعتی، هر قدر که دامنه صنعتی شدن وسیعتر میگردد، محیط زیست بیشتر مورد تهاجم مواد دفعی خطرناک قرار می گرفت. اگرچه در آغاز

مسئله آلودگی محیط چندان شناخته شده بود، معذالک تا سالها پس از روشن شدن ابعاد مسئله، باز هم اقدام قاطعی جهت جلوگیری از این امر صورت نمی گرفت. چرا که صاحبان کارخانه ها، سرمایه دارانی بودند که بجز نفع آنی، به چیز دیگری نمی اندیشیدند. در دهه های اخیر، یافته های علمی نشان داد که اگر برای جلوگیری از آلودگی محیط، اقدامی صورت نگیرد، خود صنایع نیز آینده ای نخواهند داشت، زیرا با نابود کردن نوع بشر، مصرف کننده ای نیز برای کالاهای سرمایه داران باقی نخواهد ماند. (۲)

از اینرو از اوایل قرن بیستم، کوششهای تقریباً جدی برای حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی محیط کار کارگران شروع گردید. قوانین مصوبه، کارفرمایان و تولیدکنندگان را ملزم می ساخت که مواد دفعی کارخانه های خود را به نحوی به محیط اضافه کنند که تعادل اکولوژیک را به هم نزنند.

در مورد آلودگی هوا و محیط کار نیز، دولت های سرمایه داری استانداردهائی تنظیم نموده اند که کارفرمایان موظف به رعایت آنها هستند. البته در عمل کارفرمایان از زیر بار رعایت این قوانین و استانداردها شانه خالی میکنند. این تجاوز آشکار

سرمایه‌داران به حریم انسانها امری کاملاً عادی است. زیرا آنها بغير از منابع طبیعی خود، هدف دیگری ندارند. اینکه در اثر آلودگی هوا سالانه دهها هزار انسان تلف می‌شود و در نتیجه تماس غیر بهداشتی کارگران با مواد شیمیایی زیانمند، میلیونها کارگر مبتلا به سرطان، تنگی نفس کوری و بالاخره مرگ می‌گردند، برای کارفرمایان هیچگونه اهمیتی ندارد. سرمایه‌داران هیچگونه توجهی جدی به بهداشت محیط زیست ندارند. به قول یکی از محیط‌شناسان، "اصولاً نجات محیط زیست در سیستم سرمایه‌داری محال بنظر میرسد" (۴).

البته نباید فراموش کرد که استفاده از تولیدات و تسهیلات صنعتی تا حدودی مستلزم قبول مقداری خطر (ریسک) نیز هست. اما اینرا هم باید دانست که کشفیات جدید علمی، وسایل و راه‌های فراوانی برای تقلیل خطرات ناشی از تولید صنعتی، در اختیار انسان قرار داده است. مثلاً برای کارخانه‌های سیمان سازی که مقادیر زیادی مواد سمی در قفا منتشر می‌بازند، مافی‌های دقیقی ساخته شده که می‌تواند گاه تا بیش از ۹۰ درصد از این مواد خطرناک را قبل از ورود به هوا جذب کند. اما چون استفاده از این مافی‌ها موجب "هزینه اضافی" می‌شود، سرمایه‌داران حاضر به تهیه آنها نیستند. در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته سندیگاها و اتحادیه‌های کارگری طی مبارزات طولانی قادر به کسب آزادیهای محدودی شده‌اند. آنها تا حدودی توانسته‌اند اذهان عمومی را نسبت به خطرات محیط کار و آلودگی محیط آشنا سازند و با استفاده از اعتصابات و سایر اقدامات قانونی از ربا دهر روی‌های سرمایه‌داران تا حدی جلوگیری کنند. بنابراین امپریالیستها برای فرار از محدودیت‌های قانونی، کارخانه‌هایی که تولیدات آنها برای محیط زیست خطرناک است را در کشورهای تحت سلطه مستقر ساخته‌اند. در اینگونه کشورها (مثل هند) کسی نیست که از آنها حساب و کتاب آلودگی محیط و بهداشت حرفه‌ای را بخواهد. گذشته از این، آنها مواد خام ارزان، کارگرانی با دستمزد ناچیز و بازارهای فروش خوب در اختیار خواهند داشت. در این کشورها فقر عمومی و نیاز مردم به خوت‌لایموت، سرمایه‌داران را از پرداخت حق بیمه، تهیه وسایل حفاظت صنعتی، رعایت استانداردهای بهداشتی و محیطی، روبروتدن سیستم‌های اعتصابات و اعتراضات مصون نگه میدارد.

کمپانی یونیون کارباید

وسرمایه‌گذاران در کشورهای تحت سلطه

یونیون کارباید (Union Carbide) اینسیدا به مورت کارخانه کوچکی در سال ۱۸۸۶ میلادی تپا-سیس

شد و به تولید باطری‌های خشک پرداخته امروز یونیون کارباید با ده میلیارد دلار سرمایه و فروشی معادل سه میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳، سی و هفتمین کمپانی بزرگ تولیدات صنعتی آمریکا و سومین تولید کننده مواد شیمیایی پس از دوپونت (Du Pont) و داو (Dow) می‌باشد. یونیون کارباید در ۳۸ کشور دارای کارخانجات تولیدی است و مواد تولیدی آن در ۱۳۰ کشور جهان بفروش میرسد (۴).

تولیدات یونیون کارباید طیف وسیعی را تشکیل میدهد: باطری خشک، کیسه پلاستیکی، مواد ضد یخ اتومبیل‌ها، گازهای صنعتی، مواد شیمیایی مربوط به تولیدات نفتی، انواع سموم دفع‌آفات و بسیاری مواد دیگر. این شرکت بزرگ در پروژه مانهاتان (Manhattan Project) که همان توسعه بمب اتمی بود، نقش بسیار کلیدی و عمده‌ای را عهده‌دار بود. (۳)

یونیون کارباید ۵۰ سال قبل در کلکته هندوستان شروع به تولید باطری نمود. پس از استقلال هند، این شرکت اجازه یافت که در هند به کار خود ادامه دهد. این کمپانی از معدود کمپانی‌هایی است که اجازه دارد گسه (۵۰/۹) درصد از سود حاصله را تصاحب کند. یونیون کارباید از نظر مساعد مقامات دولت هند که متناق بوده‌اند منابع پیچیده را برای اجرای برنامه "انقلاب سبز" توسعه دهند، برخوردار بوده است. "انقلاب سبز" اصطلاحی بود که به برنامه‌های رشد سریع کشاورزی گفته می‌شد که البته سموم خطرناک یکی از ارکان مهم آن بود. وقتی که در سال ۱۹۶۹ اولین کارخانه کوچک سم سازی در حومه بوپال تا ۳۰ سال پس‌شد، نه تنها از مالیات و عوارض مختلف معاف گردید، بلکه در پرداخت هزینه آب و برق از تخفیف قابل ملاحظه‌ای برخوردار گردید.

در دسامبر ۱۹۸۲، وزیر کار، تاراسینگ ویوکی، با توضیح توجیهات زیاد مطرح ساخت که: "هیچ خطری در حال حاضر و آینده بوپال را تهدید نخواهد کرد". حال آنکه بر اساس تحقیقات چندین کمیته مختلعه از جمله اتحادیه شیمی دانهای هند و سایر متخصصین این کارخانه از سال ۱۹۷۷ تا قبل از روی دادن فاجعه اخیر، لااقل ۶ حادثه دیگر داشته، که طی آن جمعا ۴۷۰ بیک کارگر کشته شد - کارگر مصدوم و ۶۲۰ هزار دلار خسارت مادی وارد آمده بود. در سال ۱۹۷۵ مدیر امور شهری بوپال اظهار نمود که به خاطر خطرناک بودن تولیدات کارخانه یونیون-کارباید اصولاً اینگونه کارخانه‌ها باید در فاصله ۱۵ مایلی از مناطق مسکونی ساخته شوند. کوشش‌های وی به جایی نرسید و وی از کار برکنار گردید. در مارس ۱۹۸۳ نیز یک وکیل کمونیست، به حزب کمونیست هند هشدار داد که خطر نشت گاز این کارخانه وجود دارد. رهبران حزب نیز به هشدار وی توجهی ننمودند.



وحتناکی درد میکرد، چشما میسوخت و به حالت خفگی
میضلا شده بودند.

بیش از ۴۵۰۰ نفر از آنها در همان ساعات اول مردند و
هزاران نفر هنوز با مرگ دست به گریبان هستند.
هیولانات نیز مثل انسانها از مرط خفگی و درد به فریاد
آمده بودند. بعد از مدتها تاخیر، وقتی امدادگران
رسیدند، صدها نفر مرده بودند و دیگر کار از کار
گذشته بود. علت وقوع این فاجعه این بود که دستگاه-
های حفاظتی انبار فولادین متیل آیزوسیانیت به موقع
کار خود را انجام نداده و در نتیجه این ماده سمی،
بصورت ابری از گاز رها شده و در هوا پخش گردید.
اینکه چرا دستگاه حفاظتی یک چنین مخزن خطرناکی نباید
به موقع کار کند، قبل از هر چیز نشان میدهد که
چگونه کمپانی مزبور نسبت به حیات کارگران و مردمی
که مجاور کارخانه زندگی میکنند، اهمیتی قائل نبوده
و تا چه حد دولت‌ها در کشورهای عقب مانده به حفظ
جان مردم بی اعتنا هستند.

از طرف دیگر، کلیه حوادث نامطلوب صنعتی، بدینسان
آشکارا عمل نمیکنند و در دراز مدت فایعانی به مراتب
بیش از آنچه در بوبال دیده‌ایم، به بار میآورند.
بسیاری از کارخانه‌ها، عملاً "مواد بسیار خطرناکی به
آب و هوای آزاد وارد میکنند که بدون وسایل دقیق
فنی قابل تشخیص نیستند. این مواد در اثر تماس طولانی
باعث انواع بیماریها، از تحریکات جلدی ساده گرفته
تا انواع شدید سرطان میشوند. هر ساله هزاران نفر از
مردم با امراضی که متشأ و علل بروز آنها معلوم

میتل آیزوسیانیت و عوارض ناشی از مسمومیت آن

فرمول شیمیایی میتل آیزوسیانیت که از طرف سازمان
حفظ محیط زیست ایالات متحده به عنوان زیان بخش شایسته
گردیده، CH_3NCO می باشد. مایعی است بی‌رنگ
با بوی بسیار تند، اشک‌آور و نقطه جوش آن ۳۹ درجه
سانتگراد است. قابل اشتعال و سفی است نام دیگر آن
آیزوسیاناتومتان است. این ترکیب، در تولید پولی‌پور
تان (Polyurethane) و پلاستیک و به عنوان
کاتالیزور در تولید انواع مختلفی از سموم دفع آفات
کاربرد دارد. حد مجاز آن در هوا طبق معیار دولت
مدرال آمریکا، ۰.۰۲ قسمت در میلیون ($0.05\text{mg}/\text{m}^3$)
تعیین گردیده است. این ماده از طریق
دستگاه تنفسی، پوست، چشم و با از طریق بلعیدن وارد
بدن میشود. عوارض ناشی از ورود آن به دستگاه‌های
مزبور، عبارت است از مسمومیت، تحریک پوست و چشم و
مجاری تنفسی، ایجاد سرفه، تجمع ترشحات در کیسه‌های
هوایی ریه که مانع تنفس و باعث خفگی میگردد، درد شدید
قفسه سینه، تشنگی نفس (آسم) و ایجاد صدمه در پوست
بدن و چشم. (۲)

فاجعه در بوبال

بسته ششوم دسامبر مردم فقیر بوبال در ریه خود
سنگینی شدیدی احساس کردند. قفسه سینه‌شان منجمد

نیست میمیرند که با بررسی‌های اپیدمیولوژیک، ارتباط آنها با وجود کارخانه‌ها و مواددیمی آنها در محیط مجاور روشن میگردد (۱۵).

هنوز جسد قربانیان شمارش نشده بود که وکلای آمریکایی از فرصت استفاده کردند تا از مسئله پول کلانی به جیب بزنند. ملوین بلی (Melvin Belli)، وکیل معروف، ادعای ۱۵ میلیارد دلار ضرر و زیان را از طرف مصدومین و بازماندگان قربانیان به دادگاه چارلستون ویرجینیای غربی تقدیم کرد. وکلای یونیون کاریا بد نیز مطرح نمودند که این دادخواست باید در دادگاههای هند مورد بررسی قرارگیرد. زیرا حادثه در آن کشور اشفای افتاده است. البته این مسئله به این خاطر نبود که این آقایان برای دستگاہهای قضایی هند احترامی قائل باشند. در اینجا نیز مثل بقیه موارد مسئله صرفاً از جنبه تجارت مورد نظر است.

در غالبی که وکلای قربانیان، صحبت از میلیاردها دلار میکنند، وکلای یونیون کاریا بد، هنوز از میلیون و آنهم حداکثر چند میلیون دلار سخن میگویند. بدینگونه در نظام سرمایه‌داری خون و جان هزاران انسان محروم، به عنوان کالای کم ارزش، مورد معامله قرار میگیرد.

چندی بعد از این فاجعه، در برنامه تلویزیونی کانال ABC (۱۶ دسامبر) نماینده سازمان حفظ محیط زیست آمریکا (EPA) به عوض حفاظت از مردم در مقابل استواید دفعی صنعتی، به حمایت سرمایه‌داران می‌پردازد. وی میگوید: "با وجود همه گونه وسایل حفاظت صنعتی و پیش‌بینی‌های علمی، باز هم حدوث اینگونه حوادث غیر ممکن نیست". باید از ایشان پرسید که اگر کارخانه در میان منطقه مستونی نبود، اگر دستگاہهای ایمنی بخوبی کار میکرد و اگر مسئولین حفاظت بهداشتی دارای تخصص بیشتری بودند، اگر کارگران آموزش کافی داشتند، اگر مخزن با توجه به شرایط اکولوژیک منطقه تجهیز فنی یافته بود و اگر دستگاہهای اعلام خبر به موقع مسردم را برای فرار آماده کرده بودند، آیا نمیشد از حدوث این فاجعه تا حدود زیادی جلوگیری کرد.

دیگر ضایعات صنعتی

صنعتی در سالهای اخیر افزایش یافته است دلیل این مسئله، همانطور که بری کاستل من (Barry I. Castleman) مشاور چندین موزه فدرال آمریکا اخیراً "اعتراف نموده است، بر این فرض فرار دارد که "کمپانی‌ها در کشورهای در حال توسعه با خطرات کمتر و مسئولیت کمتر در موارد بروز سانحه رویرو هستند" (۱۶).

امپریالیسم برای کمپانی‌هایی که مواد سمی تولید میکنند در کشورهای مختلف دارای استانداردهای گوناگون است. مدیر موزه توسعه شهری هند در این مورد گفته است: "کارگاههای یونیون کاریا بد در عمان آمریکا و دیگر کشورها دارای استانداردهای ایمنی بهتری از سوپال هستند چرا که دولت‌ها در آنجا این مسئله را کنترل میکنند. چرا در مورد هند باید این مسئله متفاوت باشد..."

بدیهی است تا زمانی که سرمایه‌داری به عنوان یک نظام به حیات خود ادامه میدهد، این ضایعات تکرار خواهد شد. بجز توده‌های زحمتکش کشورهای تحت سلطه که بیشتر بین قربانی ضایعات صنعتی هستند، کارگران و مسردم کشورهای امپریالیستی نیز خود در معرض خطر قرار دارند. برخلاف ادعاهای بوج کارشناسان امپریالیستی که بزور اینگونه ضایعات صنعتی را اجتناب ناپذیر میدانند.

امروز کشورهای سوسیالیستی به دستاوردهای ضایعات توجهی در کاهش تعداد سوانح صنعتی دست یافته‌اند. این امر از طریق اولویت دادن به آموزشهای مربوط به حفاظت بهداشتی محیط کار، توسعه شبکه‌های ایمنی صنعتی، شرکت مستقیم کارگران در اداره امور محیط کار و بالاخره توجه دولت به بهداشت محیط زیست، ممکن گشته است.

بنا بر این وقتی کارخانجات و معادن در اختیار زحمتکشان قرار گیرد و از آنها برای رفع نیازمندی‌های مردم استفاده شود و بالاخره منافع و سود شخصی مشوق و انگیزه تولید نباشد، هر یک از فرایندها (Process) های تولیدی نه بنحوی به ضرر مردم باشد، حذف خواهد گردید و در نتیجه دلیلی برای پنهان کاری و جنایت‌های سوداگرانه وجود نخواهد داشت.

www.adabestanekave.com در کشورهای تحت سلطه

سبک .

1. Casaret and Deull's, Toxicology. New York: Macmillan Publishing Co., 1980.
2. Gas Hall, Ecology, New York: International Publishers, 1974.
3. Time Magazine, Vol.124, December 17, 84.
4. Ray Davidson, Perial on the Job, Washington, D.C., 1970.
5. New York Times, December 16., 1984.
6. Frontline, December 31, 1984.

فاجعه سوپال، تنها فاجعه سرمایه‌داری در کشورهای تحت سلطه نیست. فاجعه اسفناک انفجار یک تانک مواد آتش‌زا در یکی از شهرهای فقیر نشین مکزیک در ۱۹ نوامبر، که بر اثر آن بیش از ۵۰۰ نفر کشته، ۲۰۰ نفر زخمی و هزاران نفر بی خانمان گشتند، ضایعه دیگر نظام سرمایه‌داری است. در ۲۵ فوریه سال جاری نیز ۵۰۰ نفر بر اثر انفجار لوله گاز در برزیل جان خود را از دست دادند. تناوب و شدت ضایعات صنعتی در کشورهای

در چند ماه گذشته اخبار، برنامه‌ها، گزارشات و تحلیل‌های وسائل ارتباط جمعی اروپا و آمریکا روی یک مسئله متمرکز شده است: کرسنگی در آفریقا. در لابلای صفحات روزنامه‌ها و مجلات به تناوبی از قبیل، "کرسنگی در آفریقا بیداد میکند"، "میلیونها انسان بیگناه بر اثر کرسنگی با خطر مرگ روبرو هستند"، "کرسنگی در آنتیوپی خطرناکتر از مناطق دیگر است"، "برمی‌خوریم. بدینگونه ابعاد کرسنگی در آفریقا به جایی می‌رسد که حتی امپریالیست‌ها برای کرسنگان آفریقا و مشخصا آنتیوپی اشک تمساح می‌ریزند و در روزهای یکشنبه در کلیسایشان برای آنان دعا می‌کنند. همانها که در هر لحظه بیلیونها دلار خرج می‌کنند تا جهان را در دو قطب کار و سرمایه، دو قطب فقر و ثروت نگهدارند، ناگهان صدای وامپیشایان به هوا

و تحریف‌والعیات می‌زنند تا بدین ترتیب اولاً مسیروم کشورشان را فریفته و ریشه‌های اصلی مسئله کرسنگی را از آنها پنهان کنند و ثانیاً دستشان را بسرای چپ‌ولتری‌های با زهم بیشتر باز گذارند. "براستی حکایت تلخ مسئله کرسنگی در جهان، و امروز بصورت شدیدتر و فاجعه‌انگیزتر آن در آفریقا، در چه نهفته است؟ برای روشن شدن مسئله، ابتدا آمار و ارقام موجود را که توسط سازمانهای بین‌المللی تهیه شده، بررسی می‌کنیم تا با ابعاد کرسنگی بیشتر آشنا شویم و سپس دست به تحلیل و ریشه‌یابی مسئله زده و در پایان به راه‌حلهایی که ارائه داده شده است، می‌پردازیم.

آمار سخن می‌گویند

جمعیت فعلی جهان ۲/۶ میلیارد نفر است که در



آفریقا: قاره فقر، کرسنگی و مرگ!

سال ۲۰۰۰ به شش میلیارد نفر بالغ خواهد شد. هر سال بطور متوسط ۸۰ تا ۹۰ میلیون نفر به جمعیت‌کره زمین اضافه می‌شود و این عده خود بر ابعاد مشکلات موجود از جمله فقر و کرسنگی، می‌افزایند. ۱۱۰ میلیون نفر از کل ۳۹۰ میلیون نفر جمعیت آمریکای لاتین در فقر بسر می‌برند و ۵۰ میلیون نفر نیز از کمبود مواد غذایی رنج می‌برند. شورای جهانی مواد غذایی گزارش داده است که ۶۵ کشور عقب‌مانده جهان تا پایان قرن بیستم قادر نخواهند بود که به جمعیت خود غذا برسانند. طبق گزارش "یونیسف" (سازمان صندوق کودکان وابسته به سازمان ملل متحد) در سال ۱۹۸۰، ۱۲ میلیون از ۱۲۰ میلیون کودک متولد شده در آن سال بدلیل سوء تغذیه و فقر تلف شده‌اند که ۹۵٪ کودکان تلف شده متعلق به

بلند می‌شود. در یک قطب‌ارذوی بیشمار کار، بزهنگان، کرسنگان و محرومین فرار دارند، با فقر زاده می‌شوند، و با فقر و کرسنگی می‌میرند. در قطب دیگر، اقلیتی از مال‌اندوزان و چپ‌ولکران، سرمایه‌داران زالو صفت و مالکان و استثمارگران و استثمارگران فرار دارند که حاضرند برای کسب سود بیشتر جهانی را به نابودی کشند، جنگها برای اندازه‌اندازند، بمب‌های خوشه‌ای و اتمی را بر سر محرومین فرو ریزند و قطب محرومین جهان را به صورت آزمایشگاه بزرگ اهداف پلید خود درآورند. شوخی درآورد این است که همین جنایتکاران بسسرای کرسنگان آفریقا دلسوزی می‌کنند! و راه حل می‌جویند! آری، درآوردن از مرگ روزانه هزاران انسان کرسنگه آفریقا، عوامفریبی‌ها و حقه بازی‌های امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست‌ها است که دست به نیرنگ

کشورهای عقب‌نگهداشته شده در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده است. با یک حساب ساده به این نتیجه دستناک و فاجعه‌آور می‌رسیم که در هر ۵ ثانیه، یک کودک بی‌کناه از گرسنگی جان می‌دهد.

طبق گزارش کارشناسان سازمان ملل، روزانه هزاران نفر در جهان از گرسنگی می‌میرند. همچنین ۷۰۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه بوده و ۱/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان به خدمات پزشکی و بهداشتی دسترسی ندارند. طبق این گزارش، ۱/۲ میلیارد نفر نیز در مسکن فاقد آب‌لوله کشی زندگی می‌کنند و ۲۵۰ میلیون کودک در کشورهای تحت‌سلطه فاقد مدرسه هستند.

خشکسالی فعلی در آفریقا که طولانی‌ترین خشکسالی در قرن حاضر است، دامنگیر ۳۴ کشور از ۵۰ کشور آفریقا شده است. به گفته سازمان خواربار و کشاورزی، حدود ۱۵۰ میلیون نفر در ۲۴ کشور اکنون با خطر مرگ بر اثر گرسنگی روبرو هستند. در مقایسه با خشکسالی و قحطی سال ۷۲-۱۹۷۳ که در آن هزاران تن از مردم آفریقا جان خود را از دست دادند و میلیون‌ها نفر به امراض مختلف سوء تغذیه مبتلا شدند، رئیس‌سازمان خواربار و کشاورزی جهانی FAO خشکسالی و قحطی امسال آفریقا را خطرناکتر و پر دامنه‌تر توصیف نموده است. کشورهایی که مشخصاً با قحطی مواد غذایی مواجه شده‌اند، در کمربندی قرار دارند که از صحرا شروع شده و تا سنگال و اتیوپی و حتی تا کشورهای جنوب آفریقا امتداد می‌یابد. در میان ۳۴ کشور قحطی زده آفریقا، در ۵ کشور چاد، اتیوپی، غنا، ساوت‌وست و موزامبیک وضعیت از بقیه وخیم‌تر است. در اتیوپی که جزو یکی از بدترین مناطق قحطی زده قاره آفریقا می‌باشد، انتظار نمی‌رود خشکسالی تا پایان سال ۸۵ پایان رسد. یک مسئول دولت اتیوپی در این مورد گفته است: "نظر ما این است که خشکسالی امسال یا سال آینده پایان نخواهد یافت. این مسئله در برنامه‌ها و پیش‌بینی‌ها در نظر گرفته می‌شود." از کل جمعیت اتیوپی که حدود ۴۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، ۲/۳ میلیون نفرشان در سال گذشته با کمبود شدید غذا روبرو بوده‌اند.

خشکسالی ممتد و کم‌آبی در آفریقا بیداد می‌کند. در سال گذشته کمی میزان بارندگی در ۷۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. بنا بر گزارش سازمان جهانی هواشناسی، اگر امسال نیز باران نیارد، صدها میلیون نفر دیگر قربانی خشکسالی آفریقا خواهند شد. کمبود آب در بعضی مناطق، ۹۰ درصد از دام و طیور از بین رفته‌اند. در بعضی از کشورهای آفریقایی، کلبه اهالی در معرض قحطی قرار دارند. در موزامبیک تاکنون نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر و در اتیوپی ۳۰۰ هزار

نفر جان خود را از دست داده‌اند.

رئیس سازمان متحده آفریقا Peter Onu در این مورد می‌گوید: "آنچه می‌دانیم این است که میلیون‌ها تن از مردمان گرسنه‌اند و صدها هزار نفر تا بحال جان خود را از دست داده‌اند و ما دیگر قادر به تأمین غذای خود نیستیم."

یک کارشناس غذایی بعد از بازدید از کشور نیجر (Niger) گزارش داد: "وعده غذایی بسیاری از مردم ۳ یا ۴ روز یکبار است. کودکان هر سه روز یکبار و بزرگسالان هر ۴ روز یکبار غذا می‌خورند. نشانه‌هایی از اهدمی وبا در نیجر، مالی، دلتای علیا و سنگال دیده شده است."

گزارش دیگری می‌افزاید: "بعضی از محرومیت‌های آنچنان گرسنگی کشیده‌اند که دستگاه گوارشان دیگر قادر به جذب غذا نیست و قادر به بلعیدن نیز نمی‌باشند. غذای این عده باید با آب مخلوط شود تا از دهانشان پائین رود. در بسیاری از اردوگاه‌های گرسنگیان، کمبود آب آشامیدنی و بهداشتی محسوس است... در مورد بعضی از کودکان، امدادگران با یک مسئله دیگر نیز مواجه شده‌اند و آن اینکه بعضی گرسنگی طولانی کودکان فراموش کرده‌اند چطور غذا بخورند و بهمین خاطر امدادگران با دست به آنان غذا می‌دهند."

گرسنگی امراض دیگری را نیز با خود به همراه آورده است، از جمله آنفلوآنزا، سل، اسهال، تیفوئید حمه و کولرا (یک نوع بیماری که بچه‌ها - شکم‌هایشان ورم کرده و بزرگ می‌شود). متأسفانه داروهای معالجه این امراض وجود ندارد و با بسیار اندک و محدود است.

انعکاس جهانی فاجعه گرسنگی

اولین هشدار در مورد وقوع قحطی و گرسنگی دو سال پیش در سراسر جهان اعلام شد. ولی مطلقاً توسط دولت‌های غربی و واسطه‌ارتباط جمعی، سازمان‌ها و کمیته‌های امداد فراموشی سپرده شد. حتی سال گذشته رئیس سازمان خواربار و کشاورزی جهانی FAO در کنفرانس سالانه این سازمان در رم که با شرکت نمایندگان ۵۷ کشور جهان برگزار گردید، اعلام کرد که ۲۲ کشور آفریقایی شدیداً در معرض کمبود مواد غذایی قرار دارند. وی از کشورهای مختلف خواست سریعاً کمک‌آنان بکنند ولی این هشدار و درخواست نیز آگاهانه توسط دولت‌های غربی فراموشی سپرده شد. بطوریکه بعداً اشاره خواهیم کرد، حتی دولت‌های انگلستان و آمریکا موافقی بر سر راه کمک‌های ارسالی به اتیوپی ایجاد کرده‌اند. تنها زمانی که ابعاد فاجعه گسترش یافت، این مسئله بصورت وسیع انعکاس جهانی یافت و

نگهداشته شده و به‌خصوص آفریقا مسئله تازه‌ای نیست و این کشورها سالیان بسیار است که با این مسئله دست‌بگیران بوده‌اند. کارشناسان امپریالیسم و دانشمندان خشک‌اندیشی جهان سرمایه‌داری همواره در - مطالعات و بررسی‌های خود به عوامل کوناگونی چون فقر، ازدیاد جمعیت، از بین رفتن زمین‌های زراعی، کمبود کودهای شیمیایی، کمبود آب، فقدان و با کمبود وسائل تکنیکی و کاربرت‌تکنولوژی مدرن در کشاورزی و غیره اشاره می‌کنند. هرچند که عوامل بالا از علل مهم فحطی و گرسنگی است، ولی آنها آگاهانه مهمترین عامل را که خود بوجود آورنده فاکتورهای فوق‌الذکر می -

باشد، بهراموشی سپرده‌اند و آن استعمار کهن و استعمار نو در این کشورها و غارت و چپاولگری‌های وحشیانه‌ای است که قرن‌ها توسط استعمار و استثمارگران در این کشورها بوجود آمده است. براساس نقش کشورهای امپریالیستی برای سالیهای متوالی در این کشورها چه بوده است؟ امروز حتی ناآگاه‌ترین افراد بخوبی واقفند که چطور استثمارگران با مستعمره کردن این کشورها منابع و ثروت‌های طبیعی آنها را غارت کرده و مردم آن کشورها را به صورت بردگان - سرود خرید و فروشی‌فرار می‌داده‌اند. بدون آنکه بخواهیم از اهمیت کمک‌های فوری غذایی و داروشی در نجات جان محرومین و گرسنگان غافل شویم، باید متذکر گردیم که نجات قطعی مردم از شر گرسنگی را باید در ریشه کن کردن نظام اقتصادی - اجتماعی موجود در این کشورها و در خشکانیدن ریشه‌های استثمار و استثمار امپریالیستی جستجو نمود.

در اینجا بی‌مناسبت نیست‌اندکی در مورد مسئله گرسنگی در اتیوپی که پیش‌از سایر مناطق مورد تبلیغات رسانه‌های گروهی و سردمداران امپریالیسم قرار گرفته است، مکث نمائیم. بدون تردید کشورهای امپریالیستی مسئله گرسنگی و فحطی در اتیوپی را - بعنوان بعنوان یک فاجعه انسانی، بلکه بعنوان فرصتی برای تضعیف رژیم مستقر در این کشور می‌بینند. در اینجا بدون آنکه بخواهیم به مسئله نارسایی‌ها، مشکلات و انحرافات که در رژیم اتیوپی وجود دارد، بپردازیم و عملکرد دولت اتیوپی را - سرود ارزیابی قرار دهیم، به عملکردهای امپریالیست‌ها در مورد این کشور می‌پردازیم.

از زمان سقوط رژیم فتودالی و وابسته به آمریکای هیلاسلاسی در سال ۱۹۷۴ و روی کار آمدن بکر رژیم مترقی از طریق کودتای ارتش و همچنین پیروزی انقلاب آنگولا، امپریالیسم آمریکا و متحدانش در ناتو با همکاری کشورهای مرتجع چون عربستان سعودی، سودان و سومالی سعی کرده‌اند بهر ترتیبی شده به این رژیم‌ها



مردم دنیا از آنچه که در آفریقا می‌گذرد، مطلع گشتند و بار دیگر مردم جهان توسط سازمان‌های امداد شروع به جمع‌آوری کمک‌نموده و به دولت‌های خود جهت کمک به فحطی زدگان فشار آوردند. این کمک‌ها اغلب بسیار دیر در دسترس مردم آفریقا قرار می‌گیرد.

یک‌دکتر فرانسوی که به اتفاق گروهی در اردوگاه گرسنگان در "کورم" (Korem) اتیوپی مشغول بکار است در یک مصاحبه می‌گوید: "ما هشت‌ماه است که در اینجا مشغول کار هستیم و مرتب تقاضای کمک می‌کنیم، ولی هنوز هیچ چیز بدستمان نرسیده است." وی سپس اضافه می‌کند: "بیشتر از ۵۰ هزار نفر در این اردوگاه منتظر غذا هستند، تلفات روزانه به ۱۰۰ نفر می‌رسد و بعد از اینکه مقادیری غذا به اردوگاه رسید، این رقم به ۳۰ تا ۵۰ نفر کاهش یافت." او سپس با ناراحتی ادامه می‌دهد: "دکترها مجبورند گرسنگانی که وضعیت وخیم است را انتخاب کرده و غذا را بین آنان تقسیم کنند. دکترها با فیلم‌های مخصوص در اردوگاه می‌گردند و با علامت‌گذاری به سر گرسنگان آنهاشی را که نانس نجات و زنده ماندن دارند، برای غذای انتخاب می‌کند. اغلب کارشناسان معتقدند که اتیوپی برای رویاروشی با فحطی فعلی در مقایسه با فحطی اوایل ۱۹۷۰، به مراتب آمادگی بیشتری داشته و توانسته است از مرگ بسیاری از گرسنگان جلوگیری کند. البته گزارش‌هایی در مورد مرگ و میرهای مربوط به خشکسالی در "تیگره" که آسیب‌دیده‌ترین استان است، وجود دارد. نوافس حمل و نقل و بخش غذا در کشور، یکی از علل این مسئله است.

ریشه‌های مسئله گرسنگی

مسئله خشکسالی و فحطی و گرسنگی در کشورهای عقب -

جمهوری

سوسیالیستی ویتنام

۹ سال پس از انقلاب:

اعلام جمهوری سوسیالیستی و مشکلات موجود



اشارات معرب یمنهای آمریکا حتی امروز در ویتنام دیده می‌شود

انقلاب (انقلاب در روابط تولیدی، انقلاب علمی و تکنیکی، انقلاب ایدئولوژیک و فرهنگی که انقلاب علمی و تکنیکی اساس آنهاست)، پیشبرد صنعتی کردن سوسیا-لیستی کشور، با اعتماد سیستم تولیدی سوسیالیستی، پرورش انسان نوین سوسیالیست، انحلال سیستم استثمار انسان از انسان، نابودی فقر و عقب ماندگی، ارتقاء و تشدید دانشی هویتیاری انقلابی، استحکام دفاع ملی، تأمین قاطعانه امنیت سیاسی و نظم اجتماعی، سرکوب مصعانه صدامتقلیه و انهدام بموقع توطئه‌هایشان برای قد برافراشتن مجدد، آماده بودن برای درهم شکستن کلیه توطئه‌ها و اعمال تعرضی و خرابکارانه امپریالیسم و وابستگی، وحدت تمامی خلق و کوشش برای تبدیل سرزمین سوسیالیستی خود به کشوری که از صنایع نوین، کشاورزی مدرن، دفاع نیرومند ملی، علوم و فرهنگ پیشرفته و زندگی مرفه و سعادت‌مند برخوردار - باشد: (۱)

سپس رفیق له‌دوان تأکید می‌کند که:

"وضع اصلی سوق جامعه از تولید کوچک به تولید عظیم سوسیالیستی، بدون گذار از مرحله اشکشاف سرمایه‌داری است."

نکات اصلی که در برنامه پنج ساله دوم (۱۹۷۶ - ۱۹۸۰) توسط رفیق له‌دوان بیان شده است، بصورت زیر می‌باشد:

- اجزای سربع تولید در کشاورزی، صنایع سبک، مواد غذایی و دیگر مایحتاج عمومی،
- استفاده از باقیمانده ماشینها و تاسیسات صنایع سنگین و بنیان کارخانه‌های جدید بخصوص صنایع ماشینسازی که در کشاورزی، ماهیگیری و تولید صنایع سبک مسرود

بعد از سقوط سایگون توسط انقلابیون در سال ۱۹۷۵، بلافاصله در جنوب دولت موقت انقلابی قدرت را به دست گرفت. با انجام انتخابات سرآوری در ۲۵ آوریل ۱۹۷۶، تجدید وحدت کشور در تمام زمینه‌ها بوجود آمد. در ماه زوئن سال ۱۹۷۶ با کرده‌م‌آئی ۲۹۲ نفر نماینده از سراسر ویتنام، اولین مجمع عمومی ویتنام تشکیل گردید. مجمع عمومی پس از ۱۰ روز کار مسداوم ضمن اعلام جمهوری سوسیالیستی ویتنام، تصمیمات زیر را اتخاذ نمود: (۱)

مجمع عمومی ویتنام به اتفاق آراء پرچم سبز ستاره طلایی را که اولین بار در قیام "نام سبو" با هزاز درآمده بود، بعنوان پرچم جمهوری سوسیالیستی نوین انتخاب نمود و توافق کرد که پایتخت کشور "هانوی" باشد. همچنین شهر "سایگون" به پاس مبارزه مسلیم ناپدیدین در طی جنگ، رسماً "شهر هوشی مین" نامگذاری شد.

مجمع عمومی یک‌رئیس و دو معاون رئیس جمهوری و یک شورای دولتی برای اداره امور مملکت انتخاب نمود. در حقیقت کار اصلی که بوسیله اولین مجمع عمومی ویتنام انجام گرفت، تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی دولت در مرحله جدید بود. رفیق له‌دوان (L.F. DUZAI)، دبیر اول حزب کارگران ویتنام، در گزارش سیاسی خود به مجمع عمومی طرحی ارائه داد که مجمع عمومی با صدور اعلامیه رسمی در جلسه نهائی آنرا قاطعانه تصویب کرد. خلاصه این طرح مطابق فرمول بندی رفیق "له‌دوان" بصورت زیر بود:

"... برقراری قاطعانه دیکتاتوری پرولتاریا، بسط و توسعه حاکمیت زحمتکشان، اجرای همزمان سه

کمک کشورهای مختلف به بازاری ویتنام

با اعلام برنامه پنج ساله دوم، اقدامات سریع جهت بازاری و شکوفایی اقتصاد ویتنام شروع شد. طی این مدت کشورهای مختلف به این امر کمک نموده‌اند. اما بالاترین کمکها از طرف کشورهای سوسیالیستی و نیروهای انقلابی جهان به ویتنام شده است. کمک کشورهای مختلف را می‌توانیم به چهار گروه تقسیم کنیم: (۶)

- ۱- کمک کشورهای غربی و سازمانهای مترقی در این کشورها. کلاً کشورهای غربی طی این پنج سال حدود ۱/۵ میلیارد دلار به ویتنام کمک کردند که سوئد با رقم ۵۰۰ میلیون دلار مقام اول را دارا می‌باشد.

کشور	میلیون دلار
سوئد	۵۰۰
ترورژ	۵۲
دانمارک	۷۵
فنلاند	۲۴
بلژیک	۱۷
ایتالیا	۴۰ (۳۰ میلیون از این مقدار از طرف سازمانهای مترقی بوده است)
اتریش	۲/۵
انگلستان	۲۱
سوئیس	۷
کانادا	۲۲۰۰۰ تن آرد کندم
فرانسه	۱۳۵
۲- کمک کشورهای تحت سلطه و در حال توسعه	
هندوستان	۷۷ میلیون دلار و غلات
الجزایر	سالانه مد هزار تن نفت
عراق - لیبی - کویت و دیگر کشورهای عربی	۲۰۰ میلیون دلار

۳- کمک سازمانهای بین المللی و سازمانهای وابسته به سازمان ملل نظیر، سازمان تغذیه جهانی، FAO و صلیب سرخ و ... این سازمانها مجموعاً حدود ۶۲۵ میلیون دلار به ویتنام کمک کرده‌اند.

۴- کمک کشورهای سوسیالیستی، بدون در نظر گرفتن کمکهای نظامی، مجموعه کشورهای سوسیالیستی طی این مدت بیش از ۶ میلیارد دلار به ویتنام کمک کرده‌اند.

کشور	میلیون دلار
اتحاد جماهیر شوروی	۲۷۵۰
چکسلواکی	۱۵۰
بلغارستان	۱۲۲
مجارستان	۱۸۷
جمهوری دمکراتیک آلمان	۵۳۰
لهستان	۱۲۰

رومانی - (پس از واقعه کاسوچ، رومانی کمکهای خود را قطع کرده است)

احتیاج می‌باشند.

- بازاری و گسترش وسائل ارتباط جمعی و حمل و نقل.
- تاسیس مراکز تحقیقات علمی و صنعتی.
- برداشتن اولین قدمهای اساسی جهت مکانیزه کردن کشاورزی و تلفیق صنعت کشاورزی در نواحی مختلف و ایجاد رابطه ارگانیک بین اقتصاد کشاورزی نواحی مرکزی و دیگر نواحی ویتنام.
- گسترش روابط تولیدی سوسیالیستی در جنوب به موازات تکامل روابط سوسیالیستی در شمال.
- افزایش تولید کالاهای صادراتی در بخش کشاورزی و در بخش صنعتی.
- ایجاد مراکز تعلیم و تربیت، فرهنگی و بهداشت، بخصوص برای آموزش کارگران و کارمندان جنوب ویتنام که در مرحله گذار از تفکرات و اثرات فرهنگی نو - استعماری به فرهنگ سوسیالیستی می‌باشند.
- بهبود مدیریت اقتصادی و فرهنگی در سراسر ویتنام. (۱۲)

اولویت‌های برنامه پنج ساله دوم

اهداف زیر تا پایان سال ۱۹۸۰ می‌بایستی با موفقیت انجام پذیرد:

- افزایش تولید مواد غذایی به میزان (۲۱ میلیون تن).
- اضافه کردن یک میلیون هکتار به زمین‌های زیرکشت.
- بازاری ۱/۲ میلیون هکتار از جنگلهای منهدم شده.
- تولید ۱۰ میلیون تن ذغال سنگ.
- تولید ۵ میلیون کیلو وات الکتریسیته.
- تولید ۲ میلیون تن سیمان.
- تولید ۱/۲ میلیون تن کود شیمیایی.
- تولید ۳۰۰ هزار تن فولاد.
- تولید ۴۵۰ میلیون متر پارچه.
- تولید ۱۳۰ هزار تن کاغذ.
- ساختن اماکن مسکونی به مساحت ۱۴ میلیون مترمربع. (۴)
- علاوه بر اهداف بالا، در برنامه پنج ساله دوم، - مسائل زیر نیز مورد توجه قرار گرفت:
- برخلاف برنامه پنج ساله اول (۱۹۶۵-۱۹۶۰) که تقریباً تمام سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در قسمت صنایع سنگین انجام گرفت، در برنامه پنج ساله دوم توسعه صنایع سبک و تولیدات کشاورزی نیز مورد توجه قرار گرفتند.
- باید از ادامه تمرکز صنایع که قبلاً در نواحی مشخصی انجام گرفته بود، جلوگیری شود. برای این منظور بخش مراکز صنعتی در تمام کشور باید طرح ریزی گردد تا بدینوسیله با از بین بردن اختلاف شهر و ده، از هجوم مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری شود.
- مسئله اختلاف در سطح تولید در شمال و جنوب باید مورد توجه قرار گیرد و در جهت ایجاد تعادل بین آنها تلاش شود. (۵)

* * *

در اولین مجمع ملی ویتنام که در ژوئیه ۱۹۷۶ - بر پا شد، چکیده سیاست خارجی ویتنام بصورت زیر توسط رفیق له دوان اعلام شد: (۷)

الف - کوشش برای تحکیم و تقویت همبستگی رزمنده و شویک ماسعی سوسیالیستی در کلیه زمینه‌ها بین کشور ما و کشورهای سوسیالیستی، و کاربرد آنچه که در توان ماست، به‌مراهی سایر کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی بین‌المللی و کارگری برای مساعدت و کمک متقابل بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم و با روح انترناسیونالیستی پرولتری، بنحوی که بینا برومیتناجه رئیس‌جمهور هوشی مین، در انطباق با عقل و احساس باشد و با این هدف که ایده‌آل عالی مارکسیسم-لنینیسم را به پیروزی‌های پر شکوهتری نائل گرداند.

ب - کوشش همه جانبه ما در راه حفظ و توسعه روابط همبستگی و دوستی برادرانه بین مردم ویتنام و خلق‌های لائوس و کامبوج، تقویت همبستگی رزمنده، اعتماد متقابل، همکاری دراز مدت و کمک متقابل در همه زمینه‌ها بین کشور ما و کشورهای برادر لائوس و کامبوج در انطباق با اصل تساوی کامل، احترام به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر و رعایت منافع قانونی یکدیگر. بدین طریق به ملتی که در مبارزه برای نجات ملی با هم پیوند داشته‌اند، در ساختمان و دفاع کشور-هایشان و بغاظر استقلال و سعادت آنها و در راه منافع انقلاب خلقهای آسیای جنوب‌شرقی و سایر نقاط جهان با یکدیگر پیوند خواهند داشت.

ج - پشتیبانی کامل از مبارزات کشورهای آسیای جنوب شرقی برای استقلال ملی، دموکراسی، صلح و بیطرفی واقعی، بدون وجود پایتخت‌های نظامی و سربازان امپریالیستی در خاک کشورهایشان. ما آماده استقرار و توسعه روابط دوستی و همکاری با سایر کشورها در این ناحیه، بر مبنای احترام به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر، عدم تهاجم و دخالت در امور داخلی کشورهای یکدیگر، مساوات بهره‌بری متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشیم.

د - پشتیبانی کامل از مبارزات خلقهای کشورهای آسیا، آفریقا، آمریکای جنوبی علیه امپریالیسم و استعمار کهنه و نو و تبعیضات نژادی برای استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، تقویت دوستی، همبستگی و روابط همکاری متقابل و کمکهای متقابل در همه زمینه‌ها بین کشور ما و کشورهای در حال رشد در جهت فوق، حمایت فعالانه از مبارزات کشورهای بیطرف علیه سیاست‌های تهاجمی و خرابکارانه امپریالیستی و برای هدف حفظ استقلال و آزادی و استرداد حق خود در مالکیت منابع

طبیعی خود و ایجاد سیستم اقتصادی بین‌المللی نوینی بر مبنای احترام به حاکمیت ملی آنها، مساوات و بهره‌وری متقابل.

ه - پشتیبانی کامل از اهداف عادلانه طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری که درصدد ایجاد جبهه واحد وسیعی بوده، نوک‌پیکان مبارزات خویش را متوجه عاملین سرمایه‌های انحصاری داخلی و خارجی نموده و برای منافع حیاتی خویش، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند تا از استقلال ملی و صلح جهانی محافظت کرده و با احراز پیروزی‌های تدریجی در نهایت به پیروزی کامل سوسیالیستی دست یابند.

و - استقرار و توسعه روابط عادی بین کشور ما و کلیه کشورهایی که دارای سیستم اجتماعی متفاوتی هستند بر مبنای احترام به استقلال و حاکمیت یکدیگر.

ز - ادامه فاطمانه مبارزه مشترک و همگام با کشورهای برادر و مردم متزقی جهان علیه مافی تهاجمی و جنگ - افروزی امپریالیستها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تا بدین وسیله مساعدت فعالانه‌ای به محافظت و تحکیم صلح و امنیت در آسیای جنوب‌شرقی و سایر نقاط جهان گردد.

اختلافات تاریخی ویتنام و کامبوج

ویجران فعلی کامبوج

در مدت کوتاهی که از زندگی جمهوری سوسیالیستی ویتنام میگذرد، علاوه بر مشکلات و موانعی که قبلاً به آنها اشاره کردیم، مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای نیز قد علم کرده‌اند که مهمترین آنها واقعه کامبوج و عکس-العمل رویزیونیستهای چینی بود.

در این قسمت سعی خواهیم کرد با بررسی کوتاه ریشه‌های تاریخی اختلافات کامبوج و ویتنام، و مدماتی که از این طریق بر ویتنام وارد آمده است، یاد کنیم.

تا اواسط قرن ۱۸ "خمیرها" برای چند قرن تنها قدرت حاکمه در آسیای شرقی بشمار می‌آمدند. ولی با گذشت زمان و با استقلال ویتنام، ویتنامی‌ها در سال ۱۸۴۱ بر نواحی دلتای مکنون تسلط یافتند. در آن زمان نیروهای خمیر برای مقابله با تسلط ویتنامی‌ها، دست‌بدمان استعمارگران فرانسوی شدند، منجا وزین فرانسوی که منتظر چنین فرصتی بودند، منطقه جنوبی هندوچین را به اشغال خود درآوردند.

اختلافات ارضی بین کامبوج و ویتنام با تسلط استعمارگران فرانسوی همدگی خود را از دست داد. ولی پس از پایان جنگ جهانی دوم، اختلافات مرزی بین کامبوج و ویتنام مجدداً تشدید گردید. علاوه بر آن، استعمارگران فرانسوی مسئله اختلاف مرز دریایی را نیز به اختلافات مرزهای زمینی افزودند.

ویتنام و خمرهای سرخ برای جلوگیری از تقسیم کامبوج حاضر به قبول آتش‌بس پیشنهادی آمریکا نشدند و در نتیجه بیماران کامبوج ادامه یافت. بطوریکه آمریکا آنها متجاوز از ۵۲۲،۲۱۹ تن بمباری کامبوج ریختند. (در مقام مقایسه باید گفت که آمریکا طی جنگ جهانی دوم، فقط ۱۶۰ هزار تن بمباری ژاپن ریخت). پس از انعقاد قرارداد پاریس، کمکهای نظامی ویتنام شمالی به خمرهای سرخ کاهش یافت. این مسئله باعث شد تا خمرهای سرخ بیشتر بطرف چین متعادل گردند و ریشه اختلافات آنها با ویتنام عمق بیشتری یابد. لازم به یادآوری است که اختلافات بین حزب کمونیست کامبوج (تحت رهبری پل پت) و حزب کمونیست ویتنام شمالی از سال ۱۹۶۵ خود را ظاهر نمود. در این سال که دوان و پل پت برای اولین بار یکدیگر را ملاقات کردند.



اواسط دهه ۶۰، رژیم سیهانوک انصراف خود را در مورد اراضی مورد ادعای کامبوج اعلام کرد و مرزهای تعیین شده توسط فرانسوی ها در سال ۱۹۵۴ برسمیت شناخته شد. در مورد مرز آبی وضع همچنان نامشخص باقی ماند. (۸) فرانسوی ها نیز طی استیلاي خود مرز مشخص آبی را تعیین نکرده بودند و تنها خط کنترلی بنام "خط بریویه"، مشخص شده بود.

علاوه بر آنچه گفته شد، اختلافات دیگری نیز بین ویتنام و کامبوج موجود است که تا به امروز لاینحل باقی مانده است. از جمله میتوان به طرح آبیاری "مکونک" اشاره کرد. برای توسعه صنایع، انرژی و آبیاری نواحی زراعتی، این طرح برای ویتنام از اهمیت خاصی برخوردار است. اگرچه کامبوج نیز از این طرح سود خواهد برد، ولی مقداری از نواحی اطراف رودخانه و تعدادی از دهکده‌های خود را از دست خواهد داد. این طرح تاکنون بمورد اجرا گذاشته نشده است.

باید دانست که انقلابیون هندوچین همواره علیه استعمارگران کهنه و نو همکاری‌های گسترده‌ای داشتند. خاطره مبارزات نیروهای انقلابی ویتنام، کامبوج و لائوس، تحت نام جبهه آزادیبخش علیه استعمارگران فرانسوی هنوز از خاطره‌ها شرفته است. دامنه اینگونه همکاری‌ها بنا بدانجا منتهی شد که با تشکیل "حزب کمونیست هندوچین"، کمونیستها کوشیدند که صف مبارزه علیه متجاوزین استعمارگر را هرچه بیشتر فزوده نمایند. پس از جنگ جهانی دوم، کنفرانس ژنو در سال ۱۹۵۴ تشکیل گردید. کامبوجی‌ها موفق نشدند نماینده‌ای مستقل از طرف حزب کمونیست هندوچین به کنفرانس مزبور اعزام دارند. ناگفته نماند که ویتنامی‌ها نیز با وجود پیروزی قهرمانانه‌شان بر متجاوزین فرانسوی در منطقه "دین بین فو"، شاهد تقسیم گورتشان بودند. همچنین بخاطر ضعف بودن موقعیت سیاسی ویتنام در جبهه بین‌المللی، ویتنام نتوانست برای شرکت نماینده‌ای مستقل از طرف کمونیست‌های کامبوجی وساطت کند. نتیجه این شد که دولت پادشاهی "سیهانوک" که در آن زمان تحت حمایت امپریالیستها قرار داشت، در اکثر نفوذ امپریالیستها، کامبوج را در کنفرانس ژنیوو نمایندگان کرد. این مسئله شکست بزرگی برای نیروهای چپ کامبوج بحساب می‌آمد.

پس از بقدرت رسیدن سیهانوک، کمونیستها و نیروهای مخالف رژیم تحت تعقیب قرار گرفتند. اکثر کمونیستها به ویتنام شمالی پناه بردند و در آنجا به فعالیت پرداختند. در اوایل دهه ۶۰ با تشکیل جبهه آزادیبخش ویتنام جنوبی (NLF)، مبارزات انقلابیون علیه امپریالیسم آمریکا، ایام تازه‌ای پیدا نمود. رژیم سیهانوک کمکهای ویتنام شمالی به انقلابیون جنوب ویتنام را که از طریق جاده "هوشه‌میس" از خاک کامبوج می‌گذشت، تحمل می‌کرد. ویتنام شمالی نیز نیروهای چینی که از سال ۱۹۶۰ با نام "خمرهای سرخ" علیه سیهانوک قد علم کرده بودند را ابتدا مورد حمایت قرار نداد. امپریالیسم آمریکا که رژیم سیهانوک را رژیم ایده‌آل خویش نمی‌دید، طی یک کودتای نظامی در سال ۱۹۷۰ توسط سازمان جاسوسی "سیا"، سیهانوک را از قدرت ساقط نمود. با روی کار آمدن رژیم دست‌نشانده ژنرال "لون نول"، مبارزات نیروهای انقلابی علیه رژیم حاکم رشد یافت و مورد حمایت همه‌جانبه ویتنام شمالی قرار گرفت.

با شروع مذاکرات صلح پاریس، امپریالیسم آمریکا علیرغم امضاء قرارداد صلح، تا اواسط ۱۹۷۳ پس بمباران کامبوج ادامه داد. آمریکا تلاش می‌کرد تا با ادامه بمباران و فشار بر ویتنام شمالی، این کشور را وادار کند تا دست از حمایت خمرهای سرخ که علیه رژیم لون نول سرسختانه مبارزه می‌کردند، بردارد.



پس از سرنگوسی پل بات، تلاش‌های جدیدی در جهت سازسازی شهرهای کامبوج صورت گرفته است

موفق گشتند پنوم پن را آزاد سازند. رهبری واحدهای چریکی را "هنگ سام رین" (HENG SAMRIN) بعهده داشت. هنگ سام رین که از کمونیستهای پر سابقه و از اعضای سابق حزب کمونیست هندوچین بود، پس از تصرف پنوم پن، تشکیل جمهوری خلق کامبوج را اعلام نمود. با تشکیل دولت جدید، اختلاقات کامبوج و ویتنام که ابتدا بصورت برخورد های مرزی بین رژیم پل پت و جمهوری ویتنام ظاهر شده بود، خاتمه یافت.

"خمرهای سرخ" پس از سقوط پنوم پن به منجانب سازش با عناصر و گروه‌های فرو رتند که روزی خود را دشمن آنها میدانستند. امروز راست‌ترین و ارتجاعی‌ترین گروه‌های کامبوجی هم‌دا با "خمرهای سرخ" حصول شعارهای ضد ویتنامی گرد آمده‌اند و دست‌یاری بسوی امپریالیسم آمریکا نیز دراز نموده‌اند. (۱۰)

در سال ۱۹۸۲ با اختلاف گروه مخالف رژیم کنونی ویتنام، یعنی گروه پرنس سیهانوک "موسوم به مولینکا" (Mulinka)، خمرهای سرخ به نمایندگی خوسامفان (Rhiou Samphan) و گروه ضد کمونیستی "جبهه آزادیبخش مردم کامبوج" (KPNLP) تحت رهبری شخصی بنام سون سان (Son-Sana)، در کثوثمپور دولت موقت در تبعید تشکیل شد و سیهانوک به عنوان رئیس جمهور، سون سان به عنوان نخست‌وزیر و خوسامفان به عنوان وزیر خارجه برگزیده شدند.

کشورهایی که تا بحال از این باصطلاح دولت موقت پشتیبانی کرده‌اند و قول مساعدت و کمک داده‌اند، عبارتند از: آلمان غربی، آمریکا، ژاپن، استرالیا و تایلند. قابل ذکر است که کماکان رویزیونیست‌های چینی، کمک‌های نظامی خود را به باقیمانده "خمرهای سرخ" ادامه می‌دهند.

بحران کامبوج و درگیری ویتنام در آن باعث شد که پروسه اجرای برنامه سرتاسری سوسیالیستی ویتنام

مسئله مهم دیگری که از اهمیت خاصی برخوردار است، اختلاف بین روش و برنامه خمرهای سرخ و برنامه‌های سوسیالیستی ویتنام می‌باشد. "پل پت" با عمده‌کردن نقش دهقانان تمام کوشش خویش را روی تولیدات کشاورزی متمرکز کرد و سعی داشت ایده‌های عقب مانده دهقانی خویش را بنام برنامه "رادیکال" بمورد اجرا درآورد.

برای درک عمیق انحرافات و جنایات رژیم پل پت، لازم است ابتدا بطور مختصر نظری به شرایط داخلی کامبوج بیا فکنیم. دهقانان کامبوج، برخلاف دهقانان ویتنامی، اغلب صاحب زمین بودند. یعنی حدود ۹۰٪ دهقانان روی زمین خود کار می‌کرد. هر چند مقدار زمین مورد تملک آنها قابل توجه نبود. (۹) سیهانوک بخاطر نقش‌اش در استقلال کامبوج بین دهقانان نفوذ فراوانی داشت. با اینحال در دهه ۶۰ رژیم حاکم بر کامبوج با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی خود باعث گردید که دهقانان کامبوجی مورد فشار قرار گیرند. اگرچه ناراضیانی دهقانان میتوانست زمینه مناسبی برای رشد مخالفین رژیم باشد، اما خمرهای سرخ به آن اندازه که سیهانوک توانسته بود بین دهقانان نفوذ کند، موفق به کسب اعتماد دهقانان نشدند. خمرهای سرخ که این مسئله را شکستی برای خود بحساب می‌آوردند، تسلسلش نمودند که با به اجرا درآوردن سیاست‌های "رادیکال" خویش، این شکست را جبران کنند. رژیم پل پت در شهرها نیز فاقد پایه توده‌ای بوده، زیرا بخاطر عدم وجود مراکز صنعتی که باعث عدم رشد پرولتاریای صنعتی گردیده بود، امکان نفوذ در توده‌های شهری از آنها سلب شده بود.

رژیم پل پت که شدیداً دارای تعابلات ناسیونالیستی و خرده بورژوازی بود، پیوسته سعی می‌کرد با تبلیغات علیه اقلیت‌های قومی کامبوج، عمده کسردن خطر "حمله ویتنام" و تبلیغ حول آن، ایجاد شکاف و توهم بین توده‌های کامبوجی، حکومت دیکتاتوری خویش را تحت عنوان دفاع از خلق و دهقانان مستحکم سازد. تبلیغات ضد ویتنامی، که از زمان رژیم لون نول وجود داشت، توسط "خمرهای سرخ" دامن زده شد و عمده‌گسی خاصی پیدا کرد. سیاست‌های ارتجاعی رژیم پل پت که به جنایتهای وحشتناکی منتهی شد، باعث گردید که توده‌های میلیونی زحمتکشان کامبوجی از شهرها آواره گردند و اغلب به کشورهای همجوار پناه ببرند. گروهی نیز به ویتنام گریختند.

در سوم دسامبر ۱۹۷۸ با تشکیل جبهه‌ای بنام جبهه آزادیبخش کامبوج (FUNK) توسط گروه‌هایی از چریک‌های مخالف رژیم پل پت، آزاد ساختن پنوم پن در دستور کار قرار گرفت. در ۲۵ دسامبر ۱۹۷۸ واحدهای چریکی کامبوجی با مساعدت واحدهای نظامی ویتنام

ضربه شدیدی بخورد. ویتنامی که سررفت تا پس از مدت‌ها برای اولین بار به مرحله خودکفایی برسد، مجبور شده است تا بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه عمرانی خود را به این امر اختصاص دهد. سربازان ویتنامی که پس از سالها مبارزه و جنگ، در مراکز تولیدی به امر بازسازی کشور مشغول بودند، مجبور شدند دوباره دست از کار کشیده و سلاح بدست گیرند. رژیم پل پت باقتل عام کلیه روشنفکران و نیروهای ماهر در کامبوج، چنان وضعیتی بوجود آورد که برای کوچکترین کار فنیسی، بالاجبار به متخصصین خارجی احتیاج بود. در نتیجه ویتنام نیروی از متخصصین خود را علیرغم اینکه وجودشان در ویتنام شیز مورد نیاز بود، عازم کامبوج نمود.

در ۱۷ فوریه ۱۹۷۹، رویزیونیستهای چینی تحت عنوان "گوشمالی" ویتنام سوسیالیستی و به قتل‌اندازی و دخالت نظامی ویتنام در کامبوج، به مرزهای شمالی ویتنام حمله بردند و نوار مرزی شمال ویتنام را به اشغال خود درآوردند. نیروهای متجاوز چینی در این حمله، چهار شهر، ۳۳۰ دهکده، ۷۳۵ مدرسه و ۴۲۸ درمانگاه و بسیاری از مراکز تولیدی مناطق شمالی ویتنام را با خاک یکسان کردند. بدینگونه ضربه سختی به ویتنام وارد آمد و مجموعه معادن شمال که رل مهمی را در اقتصاد ویتنام بازی می‌کرد، از بین رفت.

چشم‌انداز توسعه اقتصادی در سالهای آتی

علیرغم خسارات و صدمات عظیم ناشی از جنگ، پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی ویتنام پس از انقلاب واقعا چشمگیر و خیره‌کننده است. تولید برنج امروز به حدی رسیده است که شکافوی مصرف داخلی را می‌دهد و نیازی به وارد کردن برنج از خارج نیست. یک سیستم مخابراتی سراسری تأسیس شده است. شبکه‌های آموزشی و بهداشت در سراسر ویتنام بوجود آمده است. قسمت اعظم کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی که طی سالهای طولانی جنگ تقریباً از کار افتاده بودند، نه تنها بازسازی شده‌اند، بلکه برخی از آنها توسعه نیز یافته‌اند. از ۱۵۰ هزار معتاد شهر سایگون در زمان جنگ، امروز تنها ۳۰۰۰ نفر باقی مانده‌اند که آنها نیز تحت درمان هستند. از میزان فحشاء، فساد اداری و دیگر از هم گسیختگی‌های اجتماعی به نحو چشمگیری کاسته شده است بطوریکه امروز این مسائل دیگر مشکلی را برای ویتنام تشکیل نمی‌دهند.

همچنین پروژه‌های صنعتی عظیمی با همکاری شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در دست‌ساختمان است. از جمله پروژه ایستگاه برق هیدروالکتریک "هاوبینه" (HAO BINH) و سد "هاوبینه" که تا سال ۱۹۹۲ ساختمان آنها به پایان میرسد. این بزرگترین پروژه هیدرو الکتریک آسیای جنوب‌شرقی و دومین پروژه هیدروالیکتر

کشورهای در حال توسعه بعد از سد اسوان (در مصر) می‌باشد. این پروژه ۲ میلیون کیلووات به ظرفیت برق ویتنام خواهد افزود و همینطور کمک بزرگی به کنسول سیل خواهد نمود. بجز این پروژه‌های تولید انرژی دیگری با کمک تکنولوژی و وامهای بدون بهره شوروی در حال ساختمان می‌باشند. از جمله ایستگاه برق ترمو الکتریک با ظرفیت ۶۴۰ هزار کیلووات در استان HAI HUNG، پروژه هیدروالکتریک دیگری به ظرفیت ۴۰۰ هزار کیلووات در جنوب، پروژه اکتشاف نفت در آبهای ساحلی ویتنام، پروژه راکتور اتمی کوچکی در ایالت LAM DONG و غیره.

با وجود این پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی چشمگیر، ویتنام با مشکلات عظیمی دست‌به‌گریبان است. ۱۵۰ هزار تن از بمب‌ها و مواد منفجره‌ای که آمریکا در دل خاک مدفون نموده بود، هنوز کشف نشده‌اند. مشکل ارتباطات و حمل و نقل مواد خام و مواد غذایی در بسیاری از بخش‌های کشور هنوز وجود دارد. بخصوص بر اثر تخریب راه‌آهن توسط بمباران‌های وحشیانه آمریکا، حمل و نقل از این طریق دارای کارایی مناسبی نیست. اما با اینحال تمام این مشکلات نمی‌توانند در اراده انقلابی کارگران و زحمتکشان قهرمان ویتنام که سی سال تجربه مبارزه انقلابی بیکسر علیه امپریالیسم جهانپنوار آمریکا را دارند، خللی ایجاد کند و ساختمان سوسیالیسم در ویتنام انقلابی در سالهای آتی همچنان تداوم خواهد یافت.

منابع:

- ۱- له دوان، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، ساختمان و بنیاد، انتشارات خلق، ۱۹۷۶
- ۲- همانجا
- ۳- ویتنام کوریر، شماره ۵۶، چاپ هانوی، ۱۹۷۷
- ۴- همانجا
- ۵- همانجا
- 6-Yearbook, Far Eastern Economic Review 1980-1983.
- ۷- له دوان، جمهوری سوسیالیستی ویتنام R-Southeastasia Chronicle Nr. 64.
- 9-Le Paysan Combodien, Paris, 1961.
- 10-Vietnam, edition Suhrkamp 1197, 1984.

نشریه

ریگای گدل

مجله‌های علمی و ادبی خلق ایران

شماره نخستین

را بخوانید

دیدگاهها



بمنظور پیشبرد امرها روزه
ابدشولتوزیک و طرح مسائل
مورد بحث در سطح جنبشی
انقلابی در هر شماره "جهان"
مقاله یا مقالاتی در این
رابطه درج خواهد شد.
بدیهی است که مواضع اینگونه
مقالات الزاماً با مواضع
"جهان" یکی نخواهد بود.

پیرامون تئوری لنین درباره انقلاب دموکراتیک (۲)

www.adabestanekave.com

ارتجایی راست در نوسان بودند. ناهمگونی در پایگاه
اجتماعی این احزاب مدت زیادی دوام نیاورد و بعد از
آنچه آنها مستقیماً به دفاع از نظم موجود پرداختند،
توغم خرده بورژوازی فروریخت و از صفوف این احزاب خارج
شد. ناگفته نماند که لیبرالها همواره نسبت به
دولت تزاری سرخوردهی اشتفادی داشتند، اما این
سرخورد تنها در چهارچوب نظم "قانونی" رژیم تزاری
خلامت می‌شد. با این وجود آنها همواره بعنوان "چپ -
ترین" اپوزیسیون "قانونی" سیستم اتوکراسی، معروف
شده بودند. لیبرالها از یک طرف از وضع موجود رنج
می‌بردند و خواهان سهم شدن در قدرت سیاسی بودند و
از طرف دیگر از جنبش انقلابی توده‌ها هراس داشتند،
چرا که بقول لنین تخریب آنها از تزار بیشتر نه از
برای محدود کردن منافعشان، بلکه بخاطر عامل رشد -
دهنده جو انقلابی و دوران انقلابی بود. بر این اساس
لیبرالها سیاست فریب توده‌ها را پیشه خود ساختند و
پهلوسته در صدد آشتی انقلاب و ضد انقلاب بودند. لنین
بعدها در سال ۱۹۱۲ ماهیت آنها را چنین توضیح می‌دهد:
"نیروهای محرکه اصلی در انقلاب ما کارگران و دهقانان
بوده و بورژوازی موقعیت بینابینی دارد، از آنجائیکه
از لحاظ سیاسی در بنه استبداد است، وقتی جنبش طبقه
کارگر رشد میکند، موضع ضد انقلابی می‌گیرد و نتایجاً
بطرف استبداد نوسان میکند، بورژوازی هم موافق و هم
مخالف سیستم تزاری می‌باشد. از یک طرف خواهان کمک به
تزار بسم و سرکوب کارگران بوده، اما از جانب دیگر
تاملاً قادر است حتی بدون یاری زمینداران و با هرگونه
بقایای تزاریسم، سیستم دلخواه خود را برقرار کند،
آنها وسعت بخشیده و گسترش دهد. وی در جایی دیگر
می‌افزاید: "این بورژوازی دقیقاً طبقه‌ای است که میتواند
آنها در مبارزه بین نظام جدید و قدیم، بین دموکراسی و
سیستم قرون وسطایی مستثنی کرد. چرا که در هر دو -
نظام جدید و قدیم، منافعش تا مبنی می‌گردد" (جلد ۱۸،
صفحه ۶۸). کادتها و حزب "فرمهای دموکراتیک" جسر

در بخش اول این مقاله، برای درک بهتر تئوری
لنین درباره انقلاب دموکراتیک، به بخشی از ویژگی‌های
جامعه روسیه مانند مسئله ارضی و دهقانان، حکومت
مطلقه تزاری و زوبنای سیاسی روسیه اشاره نمودیم.
در بخش دوم (بخش آخر) مقاله به طبقات اجتماعی
روسیه و نمایندگان سیاسی آنها می‌پردازیم و آنگاه
مضامین اصلی تئوری لنین در باره انقلاب دموکراتیک را
می‌نگاهیم.

احزاب سیاسی روسیه و ماهیت طبقاتی آنها

- بطور کلی میتوان احزاب سیاسی روسیه در سال
۱۹۰۵ را بصورت زیر تقسیم بندی کرد:
- ۱- احزاب بورژوازی بزرگ و زمینداران
 - ۲- احزاب لیبرال
 - ۳- احزاب خرده بورژوا
 - ۴- حزب سوسیال دموکرات

حال برای روش شدن مطلب به بررسی ماهیت احزاب
بالا می‌پردازیم:

۱- احزاب بورژوازی بزرگ و زمینداران: این احزاب
خواهان حفظ سیستم موجود آنزمان روسیه بودند و از -
لحاظ طبقاتی، بورژوازی بزرگ و زمینداران بسزرگ را
نمایندگی می‌کردند و از این رو آنان ماهیتاً ارتجاعی و
ضد انقلابی بودند. برای مثال میتوان از اتحادیه مردم
روسیه، حزب نظم و قانون، اتحادیه هفدهم اکتبر، حزب
تجاری و صنعتی و چند حزب دیگر نام برد که همگی به
اسم صدهای سیاه معروف شده بودند.

۲- احزاب لیبرال: این احزاب نمایندگان سیاسی
زمینداران لیبرال، بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی
شهری بشمار می‌رفتند. مواضع سیاسی آنها بینابینی
بوده و همیشه بین احزاب خرده بورژوا و احزاب

احزاب اصلی بورژوازی لیبرال بشمار می‌رفتند. لازم به تذکر است که بعدها، بویژه پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷، لندن ماهیت بورژوازی لیبرال را خداندنقلابی ارزیابی نمود.

۳- احزاب خرده بورژوازی: این احزاب عمدتاً نمایندگان سیاسی دهقانان بشمار می‌رفتند. برخوردار به مسئله ارضی، دوماً و مجلس موسسان انقلابی از جمله مسائل عمده آنها را تشکیل میداد. ضعف اصلی آنها، عدم درک قوانین توسعه سرمایه‌داری بود. از اینرو آنها بر این عقیده بودند که با صرف تقمیم زمین می‌توان به سوسیالیسم رسید. همچنین در کنار درک غیر علمی شان از جامعه، بدلیل دیدگاه عمیقاً پوپولیستی شان از طبقات اجتماعی، خود را نمایندگان شما می‌زحمتکشان روسیه (کارگران و دهقانان) می‌پنداشتند. نارودنیکها، ترودویکها و سایر آنها جزو احزاب اصلی خرده بورژوازی بحساب می‌آمدند.

۴- احزاب سوسیال دمکرات: بحر احزاب سوسیال - دمکرات منطقه‌ای همچون حزب سوسیال دمکرات لیتوانی و

حزب سوسیال دمکرات لهستان، اصلی ترین سوسیالیست‌ها مارکسیستی در آن زمان، حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه بود که از دو جناح منشویک و بلشویک تشکیل می‌شد. بلشویکها که جناح انقلابی بودند، به مبارزه طبقاتی و مارکسیسم انقلابی اعتقاد داشته، کارگران و دهقانان را نیروی محرکه انقلاب ارزیابی کرده و خواهان نابودی ریشه‌ای سیستم تزاری و برقراری یک جمهوری دمکراتیک بودند. در حائیکه منشویکها مارکسیسم را از روح انقلابی آن، یعنی از مبارزه طبقاتی، تهی ساخته و در واقعیت ادامه دهندگان راه اکونومیسم اولیه روسیه بودند. منشویکها تصور می‌کردند چون انقلاب بورژوازی است، پس نیروی محرکه انقلاب نیز بورژوازی بوده و رهبری انقلاب با آن است. منشویسم نمونه بارزی از مارکسیسم در حرف و تابعیت از اکونومیسم و اپورتونیزم در عمل می‌باشد.

حال پس از شرح مختصر نیروهای سیاسی، برخورد آنها به مسایل اساسی روسیه را در جدول زیر ترسیم می‌نمایم:

سوسیال دمکراتها	ترودویکها	سایر آنها	کادتها	مدهای سیاه
احزاب مختلف روسیه از منافع چه طبقات و اقشاری دفاع می‌کنند				
سوسیال دمکراتها حزب طبقه کارگر بوده و از منافع تمامی استثمار شونده‌ها دفاع می‌کردند	این احزاب منافع خرده بورژوازی را که علیه سرکوب سرمایه مبارزه می‌کنند، نمایندگی می‌نمودند.	کادتها مدافع منافع بورژوازی لیبرال و زمینداران لیبرال بوده، اعضای تشکیل دهنده آنها، پروفیسور ها، ژورنالیستها و وکلا تشکیل می‌دادند.	مدهای سیاه مدافع منافع دولت تزاری را - نمایندگی کرده و مدافع زمینداران، ما مورین دولتی، قدرت پلیس ارتش و دادگاههای نظامی بودند.	
احزاب مختلف سیاسی روسیه مدافع چه نوع آزادی بودند				
آزادی کامل کلیه شهروندان، انتخابی بودن تمام ما مورین دولتی و سازماندهی ملیت‌های کلکی	آزادی برای مردم - تزار و پلیس و ارتش (سیاست لیبرالها)	آزادی کامل برای کلیه شهروندان، انتخابی بودن تمام ما مورین دولتی، تسلیح مردم بجای ارتش	کادتها خواهان تقسیم آزادی تحت سه شرط زیر بودند: ۱- مجلس اول که مدافع منافع زمینداران و سرمایه داران خواهد بود ۲- مجلس دوم برای مردم ۳- حفظ قدرت تزار، پلیس و ارتش	مدهای سیاه هیچگونه آزادی و قدرت را برای مردم برسمیت نشناخته و خواهان تمرکز تمام قدرت در دست دولت تزاری و شیوه‌های خشونت سرکوب بودند.
برخورد احزاب سیاسی روسیه نسبت به خواست زمین برای دهقانان				
مصادره کلیه زمینهای فئودالها بدون پرداخت غرامت گذاشتن این زمینها در اختیار دهقانان	مصادره زمینهای فئودالها و پرداخت غرامت بینه آنها	مصادره تمام زمینهای فئودالها توسط دهقانان بدون پرداخت هیچگونه غرامتی	کادتها خواهان سیستم زمینداری بزرگ بوده و تنها با پرداخت غرامت به فئودالها از مسئله زمین برای دهقانان حساسیت می‌کردند.	مدهای سیاه خواهان سیستم فئودالی و مخالفت زمین برای دهقانان بودند. آنها فقط خرید و فروش زمین را مجاز می‌دانستند.

<p>فقر مردم و قتل عام‌های بسیار توسط دادگاه‌های نظامی</p>	<p>مبارزه و موفقیت لیبرالها تنها باعث هم‌کاری تزار با بورژوازی بزرگ و زمینداران بزرگ و نتیجتاً بیرون انداختن خود کادتها از صحنه سیاسی بود.</p>	<p>تقسیم مساوی زمین بین خرده‌مالک‌ها و که نتیجه آن پدید آمدن کمپکارو سرمایه در دهات بود.</p>	<p>آزادی کامل، زمین برای تمام دهقانان، استفاده از تراپیست وجود و کمک پرولتا-ریای آتش اروپا- برای خام برداشتن سوی سوسیالیسم</p>
---	--	--	--

از طرف آنها و از طرف دیگر رشد پرولتاریای روسیه در عرصه اجتماعی (درکنار رشد جنبش جهانی کارگری) منجر بدین شد تا اقتضای که در انقلابات بورژوا - دمکراتیک قرن نوزدهم دمکرات‌های انقلابی را تشکیل می‌دادند، در حقیقت بخاطر رادیکالیسم جنبش چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ بین‌المللی، از سرساز دست دادن منافع خود در یک انقلاب توده‌ای، محافظه کار شده و به سازش روی آورند.

البته این شرایط و ویژگیها بدین معنا نبود که پرولتاریا برای کسب قدرت آماده بود، در حقیقت هنوز پرولتاریا و نیمه پرولتاریا بعنوان تکیه‌گاه اصلی دولت سوسیالیستی، در جامعه اکثریت قاطع را نداشتند. و از طرف دیگر بدلیل وجود مناسبات فئودالی، هنوز سرمایه‌داری در دهات بطور کامل رسوخ نکرده، دهقانان قشریندی نشده و کم و بیش به مانند یک قشر واحد و دست‌نخورده باقی مانده بودند.

با در نظر گرفتن ویژگی‌های بالا بود که وقتی پلخانف از کاتوشکی، بعنوان اتوریته سوسیال‌دمکراسی آلمان، سؤال میکند که علت انقلاب روسیه چیست و برخورد سوسیال‌دمکراسی به اقتضای دیگر چگونه باید باشد، او جواب می‌دهد که: "ما باید درک کنیم که به‌طرف شرایط و مسائل کاملاً جدیدی حرکت میکنیم که هیچ یک از الگوهای قبلی با آن قابل مقایسه نیست، انقلاب روسیه یک انقلاب بورژوازی نیست، زیرا بورژوازی - نیروی محرکه جنبش انقلابی نمی‌باشد، ولی انقلاب روسیه یک انقلاب سوسیالیستی هم نمی‌باشد زیرا به هیچوجه نمی‌تواند به دیکتاتوری پرولتاریا منجر گسرد" (کلیات آثار لنین، جلد ۱۱).

بنا بر این تاکنون می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که از نظر بلشویکها بدلیل ویژگی‌هایی که در بالا ذکر شد، بورژوازی نیروی محرکه انقلاب نبوده و بقول لنین "پس‌روزی انقلاب بورژوازی در کشور ما بعنوان پس‌روزی بورژوازی غیر ممکن می‌باشد. این ممکن است بی‌سبب متناقضی باشد، اما یک حقیقت است" (کلیات آشکار، جلد ۱۵، ارزیابی انقلاب روسیه). اگر بورژوازی نیروی محرکه انقلاب نبود، پس چه طبقاتی در روسیه نیروهای محرکه انقلاب بودند؟

انقلاب بورژوا - دمکراتیک روسیه از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود که آنرا از انقلابات بورژوازیسی گذشته بکلی متمایز میکرد، مهمترین این ویژگیها که خود منشاء اختلافات اصلی ما بین دو جناح سوسیال‌دمکراسی شده بود، نقش بورژوازی در انقلاب بود. بلشویکها برای اولین بار بیان داشتند که آری انقلاب بورژوازی است، اما بورژوازی در این انقلاب نقش انقلابی ایفا نمی‌نماید. البته درک این موضوع برای آن کسانی که بقول لنین از مارکسیسم فقط لغات آنرا حفظ کرده و روح آنسرا فرا نگرفته بودند، بسیار دشوار بود، آنها می‌پنداشتند که در انقلابی که هدف آن بسط تولید سرمایه‌داری است، بورژوازی طبیعتاً انقلابی بوده و رهبری انقلاب را باید در دست گیرد، اما لنین پندارهای بلشویکها را دگما - نیستی ارزیابی میکرد. او این ویژگی‌ها را در مقایسه‌ای بین انقلاب ۱۸۴۸ آلمان و انقلاب روسیه بصورت زیر توضیح می‌دهد:

"با شروع انقلاب ۱۸۴۸ آلمان، تمایلات دمکراتیک و جمهوریخواهی رایج میان خرده بورژوازی دمکرات جمهوریخواه بصورت واضحی مشاهده می‌شد. با شروع انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، تصورات اپورتونیستی رایج میان خرده بورژوازی اپورتونیست که آرزوی سازش بدون مبارزه بود، ترس از مبارزه داغت و بعد از اولین شکست تمام گذشته خود را نفی و جیبو عمومی را با ترس ممنوم کرد، کاملاً آشکار بوده و هنوز هم آشکار می‌باشد. روشن است که این اختلاف سازش تفاوت سیستم اجتماعی و شرایط تاریخی دو انقلاب می‌باشد. اما این بدان معنا نیست که ضمیمه‌شده‌های خرده بورژوا با تزارسیم کمتر است، کاملاً برعکس، دهقانان ما در اولین مرحله انقلاب روسیه آنچنان جنبش‌آرشی‌ای بوجود آوردند که در مقایسه با انقلابات بورژوازی قرن نوزدهم بسیار قوی تر بود. هنوز مشکل اینجاست که آن قشرهای اجتماعی که در اروپا دمکراتهای انقلابی را تشکیل می‌دادند، مثل صنعتگران و - بورژوازی و خرده بورژوازی شهری، در روسیه مجبور بودند که به‌طرف لیبرالیسم ضد انقلابی بروند. آگاهی طبقاتی پرولتاریای سوسیالیست و حرکت آن جلو دست در دست‌ارتش بین المللی سوسیالیستی در اروپا، روسیه انقلابی دهقانان که در انتر فشار بسیار شدید فئودالی خواهان ماداره زمین بودند، همگی اینها باعث شدند که لیبرالیسم در روسیه خود را به آفوش ضد انقلاب پرولتاریا کند" (کلیات آثار لنین، جلد ۱۵، ارزیابی انقلاب روسیه).

بنا بر این شرایط اقتصادی - اجتماعی روسیه، - بویژه وسعت قشر دهقانان نهیدست، خواست ماداره زمین

پس از توضیحات بالا، جواب به این سؤال باید روشن باشد. پرولتاریا و دهقانان، متحد پرولتاریا در روسیه، دهقانان بودند زیرا آنها تنها قشری از مردم بودند که راه حل انقلاب روسیه را نه در رفتم، بلکه در انقلاب می‌دیدند. آنها در زیر فشار سیستم فئودالی سخت‌ترین زندگی را داشته و خواهان مصادره زمین زمینداران، بدون پرداخت هیچگونه غرامتی بودند. آری، دهقانان متحدین پرولتاریا در انقلاب بوده و بقول کائوتسکی، "منافع مشترک در دوران مبارزه انقلابی کنونی در روسیه تنها مابین پرولتاریا و دهقانان وجود داشت."

لنین مضمون طبقاتی این ائتلاف را دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی کارگران و دهقانان ارزیابی کرده و آنرا از دیکتاتوری سوسیالیستی متمایز نمود. البته خرده‌گیری‌های بسیاری از طرف منشویکها در این مورد انجام گرفت. فی‌المثل آنها می‌گفتند که چطور دو طبقه که از لحاظ منافع استراتژیک متضاد می‌باشند، میتوانند مشترکاً دیکتاتوری کنند. لنین طرح سؤال بدین شیوه را متافیزیکی ارزیابی کرده و می‌گفت روشن است که پرولتاریا و دهقانان بر سر مسائل استراتژیک نمی‌توانند متحد شوند، اما این بدان معنا نیست که آنها نتوانند بر سر مسائل دمکراتیک ائتلاف کنند. از همین رو بود که عملیات این ائتلاف دیکتاتوری دمکراتیک ارزیابی می‌شد. ائتلافی که بر سر مسائل دمکراتیک بوده و هدف آن حفظ انقلاب از طریق اعمال دیکتاتوری علیه دشمنان انقلاب بود. آنگاه که مرحله انقلاب دمکراتیک به سر آمده و انقلاب سوسیالیستی در دستور کار قرار می‌گرفت، هیچ ائتلافی بین دهقانان خواهان مالکیت خصوصی و پرولتاریا در میان نبود.

ایراد دیگری که از طرف تروتسکی به تئوسوری بلشویکها گرفته میشد، این بود که دهقانان بنا به موقعیت اجتماعی - طبقاتی خود، قادر به تشکیل در یک حزب واحد و یکپارچه نیستند و اصولاً چنین ائتلافی غیر-ممکن می‌باشد.

این ایراد تروتسکی هم بعاشد ایرادهای دیگر، کاملاً اشتباه بود. زیرا این دید شرط اولیه یک ائتلاف طبقاتی را وجود احزاب نیرومندی که منافع آن طبقات را نمایندگی کنند، می‌دانست. این دید، ائتلاف را فقط در بالا می‌دید و از درک این مسئله عاجز بود که پیش‌درآمد هر ائتلافی در بالا، ائتلاف در پایین است. بدین ترتیب تروتسکی تفاوت میان حزب و طبقه را درک نمی‌کرد. بقول لنین در طول انقلاب روسیه این اتحادهای غیرحزبی صدها بار به انجام رسیده بود. فی‌المثل اتحاد شوراهای کارگران و سربازان و با اتحاد کمیته اعتصاب کارگران راه آهن و نمایندگان دهقانان، (البته در همین پروسه احزاب دهقانی همانند اتحادیه

دهقانان در سال ۱۹۰۵ و گروه ترودویک در سال ۱۹۰۶ شکل گرفتند و از آن به بعد ائتلاف طبقاتی اشکال نویسی بخود گرفت و از شکل مبهم و غیررسمی به شکل روشن و رسمی درآمد. برای مثال میتوان از اتحاد کسروه سوسیال دمکرات و ترودویک دوما بعد از انحلال دوما یاد کرد).

تمام اشکال اتحادهایی که در بالا ذکر شد، چیزی بجز نموداری از دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان نبود. و بنا بر این ائتلاف طبقاتی در ابتدا محتما به معنی ائتلاف بین احزاب نمی‌باشد. البته باید متذکر شد که بلشویکها همیشه بر سر رهبری پرولتاریا در اینگونه ائتلافات تأکید داشتند.

حال پس از روشن شدن مفهوم دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان، باید دید که مبانی کلی‌ای کسبه ائتلاف طبقاتی بر آن پایه‌گذاری شده بود، از چه قرار بود. همانطور که اشاره شد، مبانی این ائتلاف نمی‌توانست منافع استراتژیک (برنامه‌ها کثر) پرولتاریا باشد، بلکه مجموع مسائل دمکراتیک و منافع مشترکی بود که در شرایط مشخص جامعه روسیه بین پرولتاریا و دهقانان بوجود آمده بود (برنامه حداقل).

بلشویکها این مبانی را در شن ماده زیر خلاصه کردند:

- ۱- مجلس موسسان برای همه شهروندان
- ۲- تسلیح عمومی
- ۳- آزادی سیاسی
- ۴- آزادی کامل برای تمام طبقات
- ۵- هشت ساعت کار در روز
- ۶- کمیته‌های انقلابی دهقانان

خواستهای بالا برای بلشویکها، خواستهای اولیه‌ای بود که نه تنها منافع کارگران، بلکه منافع دهقانان و بعضی از اقشار بورژوازی را هم دربرداشت. اجرا - کننده آن، دولت انقلابی موقت، یعنی ارگان قیام پیرویندی بود که از طریق مردم مسلح، ارتش انقلابی و کمیته‌های دهقانی اعمال قدرت می‌کرد.

در مقایسه با این نظرات، از یک طرف منشویکها بعنوان جناح رفرمیست سوسیال دمکراسی روسیه، بدلیل انحراف ریشه‌ای خود در ارزیابی از انقلاب روسیه، تصور

لنین روی مسئله ارتش انقلابی و دولت موقت انقلابی تأکید بسیار داشت و می‌گفت: "ارتش انقلابی و دولت موقت انقلابی، دو روی یک سکه می‌باشند. این دو، موسساتی هستند که برای پیروزی قیام و حفظ دستاوردهای آن، به یک اندازه لازم هستند" (گفتار لنین، جلد ۱، ارتش انقلابی و دولت انقلابی). بنا بر این روشن است که بنظر بلشویکها پیروزی انقلاب بورژوا-دمکراتیک روسیه منوط به سرنگونی قهرآمیز تزاریم، تشکیل دولت موقت انقلابی، فراخواندن مجلس موسسان با رای همگانی، محفی و آزاد و در نهایت برقراری جمهوری دمکراتیک بود.

میکردند که بورژوازی خود باید به تنهایی انقلاب را رهبری کند و از این لحاظ در تمام مدت بلشویکها را بخاطر "هراساندن" بورژوازی سوزش می کردند. آنها می پنداشتند با هراسیدن بورژوازی، اتوکراسی موقعیت خود را محکم خواهد کرد. این انحراف سیاسی، طبیعتاً تاخیر خود را روی تاکتیک آنها گذاشته و آنها را دنباله روی تاکتیکهای محافظه کارانه بورژوازی می کرد. بطور مثال، بلشویکها بر این باور بودند که میتوانند بنیادهای فرمایشی تزار را با فشار از پائین به مجلسی مومنان تبدیل کنند و از این طریق تزار را از صحنه سیاسی دور سازند. البته مسئله ای که در نظر گرفته نشد این بود که تزار با تمام قدرت نظامی خود، تسلیم هیچ مجلسی نمیشد مگر اینکه نیروهای نظامی او در یک پیارزه رویاروی نابود می گردیدند.

از طرف دیگر، نظرات انحرافی دیگری نیز در شکل اهورتونسیم چپ و شوروی "انقلاب مداوم" تروتسکی تجلی پیدا کرده بود. تروتسکی در تئوری خود، نقش دهقانان در انقلاب روسیه را نادیده گرفته و سخن از دولت پرولتری می راند. تئوری تروتسکی ترکیب التقاطی ای از تئوری بلشویکها و منشویکها بود. او مانند بلشویکها روی نقش پرولتاریا و موقعیت آن در انقلاب تاکیدی داشت. اما چون منشویکها نیروی دهقانان را ناچیز ارزیابی می کرد. در مقابل نظریه "انقلاب مداوم" تروتسکی که مسلماً با شرایط مشخص روسیه همخوانی نداشت، لنین انقلاب دمکراتیک و قراروشی بی وقفه آنرا به انقلاب سوسیالیستی مطرح میکرد. آنچه که مرکز ثقل تئوری انقلاب دمکراتیک لنین را تشکیل میداد این بود که شرایط عینی روسیه انقلاب دمکراتیک را اجتناب ناپذیر نموده است. اما انقلاب دمکراتیک در پروسه رشد و تکاملش با تکیه بر مبارزه طبقاتی و

نیروی پرولتاریای آگاه به منافع طبقاتی خود، به انقلاب سوسیالیستی فرا خواهد روئید. در این رابطه لنین در مقاله "برخورد به جنبش دهقانان" میگوید: "سوسیال دمکراسی از انقلاب دمکراتیک میتواند تنها بر پایه درجه بندی نیروی ما، نیروی پرولتاریای آگاه و سازمان یافته، به انقلاب سوسیالیستی راه پیدا کند." و در جایی دیگر میگوید: "انقلاب کامل یعنی کسب قدرت توسط پرولتاریا و دهقانان شهیدست. این طبقات وقتی به قدرت برسند، چاره ای جز تلاش برای انقلاب سوسیالیستی ندارند. بنابراین کسب قدرت، در اثر تحمیل شرایط و برخلاف میل (و بعضاً بدون آگاهی) شرکت کنندگان در آن، از یک قدم در انقلاب دمکراتیک در ابتدا، به انقلاب سوسیالیستی تبدیل میشود" (کلیات آثار لنین، جلد ۸، انقلاب نوع ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸).

بنابراین پس از پیروزی انقلاب بورژوا دمکراتیک و کسب آزادی های سیاسی، پرولتاریا میبایستی با استفاده از شرایط جدید، بدون وقفه بطرف انقلاب سوسیالیستی گذار کند. از همین رو بود که لنین در سخنانی های کنگره سوم از دیکتاتوری دمکراتیک بعنوان "سازمان جنگنده سازمان نظم" یاد می کرد. به نظر او دیوار چینی انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی را از هم جدا نمی کرد.

تئوری انقلاب دمکراتیک لنین معمول شرایط عینی مشخص جامعه روسیه آن روز بود، زیرا لنین از اسلوب بررسی دیالکتیکی پدیده ها پیروی کرده و پدیده انقلاب دمکراتیک را در بطن شرایط حاکم بر آن و در پیوند، ارتباط و تاثیر متقابل با سایر پدیده ها مورد بررسی قرار میداد.

۰۴۰۰

www.adabestanekave.com

نشریه

ادبستان

ارگان

سازمان فرهنگی فدائی فلسطین ایران

را بخوانید

برنامه های رادیو صدای فدائی

برنامه های "صدای فدائی" هر روز ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر روی موج ۶۲ متر و ۷۵ متر بسدت ۲۵ دلیقه پخش میشود.

عین همین برنامه روز بعد ساعت ۱۲/۳۰ ظهر مجدداً پخش میشود.

برای تماس با رادیو "صدای فدائی" می توانید با آدرس زیر مکاتبه نمایید.

A.G.A.
B.P. 43
94120 Fontenay sous Bois
France

هدف از اختصاص دادن صفحه "آموزش واژه‌ها" و مقوله‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی "جهان"، دستیابی به نوعی زبان و فرهنگ شوریک مشترکی است که بتواند در خدمت ایجاد نوعی دبا لوگ برای تسهیل ارتباط فکری در جنبش چپ قرار گیرد. بعلاوه، این صفحه می‌تواند در ارتقاء دانش شوریک و آموزش سیاسی هواداران - سازمان و کلیه علاقمندان مفید واقع شود. در هر شماره "جهان"، ما واژه یا مقوله‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این صفحه حاصل مطالعه و تحقیق رفیق یا رفقای تهیه کننده آن می‌باشد و تحت نظر هیئت تحریریه "جهان"، درج میگردد. از کلیه خوانندگان "جهان" میخواهیم تا واژه یا مقوله مورد سؤال خود را برای ما بنویسند و ما در فرصت مناسب آنرا در این صفحه خواهیم گنجاند.

"جهان"

www.adabestanekave.com

پوپولیزم

این واژه با معانی مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا خلقت جنبش‌های سیاسی - اجتماعی، سیاست‌های دولتی و ایدئولوژی‌های گوناگونی را بیان دارد. - کوشش‌هایی که نایحال برای بافتن مفهومی کلی از پوپولیزم صورت گرفته، بی نتیجه بوده است. واژه پوپولیزم به چهار مفهوم زیر به کار رفته است:

- 1- پوپولیزم به جنبش‌های رادیکالی گفته می‌شد که در مناطق روستایی جنوب و غرب آمریکای شمالی طی دو دهه آخر قرن نوزدهم بروز کرد تا بطور عمده اعتراض مزرعه داران مستقل و منظر بر مناطق روستایی آمریکا (که دهقان نبودند) را نسبت به تمرکز قدرت اقتصادی، بخصوص در دست زمین داران بزرگ، کمپانی‌های راه آهن، بانکها و نهادهای مالی بیان کند.

- 2- پوپولیزم روسی (NARODNICHESTVO) بلحاظ درآمیختن اش با مناظرات مارکس، مارکسیسم، جنبش‌های کارگری، مهم‌ترین مثال در محدوده مورد بحث ما میباشد، جنبش‌های پوپولیستی روسی از اندیشه‌های هرزن (HERZEN) و چرنیشفسکی (CHERNYSHEVSKI) الهام می‌گرفتند. لاورف (LOVROV)، باکونین و نکاچف (TKACHEV) آنها را سازماندهی و جهت می‌بخشیدند. پوپولیزم شکل عالی خود را ابتدا در جنبش "مراجعه به خلق" و سپس در جنبش "زمین و آزادی" در دهه ۱۸۷۰ متجلی ساخت و در اوج خود به تروریسم (نخبه‌ای) "اراده خلق" - (NARODNAYA VOLYA) دهه ۱۸۸۰ رسید. پوپولیزم روسی علیرغم فقدان انجام شوریک خود، گسترش یافت و بر جنبش‌های مختلف، اعم از انقلابی و غیر انقلابی تاثیر گذاشت. معاهیم صحوری آن عبارت بود از: "شوری" "راه رشد عبر سرمایه‌داری" و نیز این ایده بود که روسیه می‌تواند و باید بدون گذار از سرمایه‌داری،

آموزش واژه‌ها و مقوله‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی

یک جامعه سوسیالیستی، برابر و دموکراتیک را ستوار بر اقتدار کمون دهقانی و تولید خرده کالائی را بنا نهد. اندیشه پوپولیستی روسی، تحت تاثیر شدید تحلیل های مارکس از توسعه سرمایه‌داری شکل گرفت. جلد اول کاپیتال بوسیله نیکلای دانیلسون (N. DANIELSON) به روسی ترجمه شد. آثار مارکس و مارکسیستها بدقت بوسیله روشنفکران پوپولیست مورد مطالعه قرار می‌گرفت. اما برخلاف مارکس، پوپولیستها در اثر مارکس فقط به اثرات مخرب توسعه سرمایه‌داری و از خود بیگانه سازی آن توجه کرده و آنها پیروهای پی‌رونده و نه پیش‌رونده در نظر می‌گرفتند آنها بر این عقیده بودند که روسیه می‌تواند بواسطه وجود کمون دهقانی، بعنوان پایه‌ای بالقوه برای ساختن سوسیالیسم، از گذار از سرمایه‌داری اجتناب ورزد. البته خود مارکس همانطور که در نامه‌اش به Verzasulich (مورخ هشتم مارس ۱۸۸۱) و از مقدمه‌اش بر چاپ روسی مانیفست کمونیست پیداست، معتقد بود که کمون دهقانی ممکن است بعنوان نقطه شروعی در خدمت توسعه کمونیسم باشد، بشرط اینکه مبداء و آغازگر انقلابات کارگری در غرب گردد.

لنین ایدئولوژی پوپولیزم را از لحاظ تاریخی و جامعه شناسی، بعنوان حربه اعتراضی تولید کنندگان خرد، بخصوص دهقانان که موقعیتشان بواسطه توسعه سرمایه‌داری تضعیف شده بود اما خواهان برافتادن نظام فئودالی بودند علیه سرمایه‌داری معرفی کرد. هرچند لنین ایدئولوژی پوپولیستی را بعنوان "رمانتیک اقتصادی"، یا "انوپیای عقب‌گرای خرده - بورژوازی" مورد انتقاد قرار می‌داد، با اینحال وی با محکومیت یک جانبه پوپولیزم که توسط استساروه

صورت می‌گرفت، مخالفت می‌کرد، او همینطور بین ایدئو-
لوژی رادیکال تر، ضدشودالی و دموکراتیک پوپولیس-
های اولیه و نمایلات راست‌روانه نویسندهگان
پوپولیس متاخر از جمله میخالوفسکی (Mikhailovsky)
که قبل از هر چیز علیه توسعه سرمایه‌داری موضع می‌گرفت،
تفاوت قائل بود. لنین در باره پوپولیس معاصر
چنین نوشت: "واضح است که رد کردن تمام برنامه
نارودنیکها بدون استثناء و بطور مطلق غلط است. فرد
باید قسمتهای ارتجاعی و مترقی آنها را از هم تمیز دهد."

۳- واژه پوپولیس همین در مورد ————— برخی از
دولت‌های آمریکای لاتین بکار رفته است. در این
کشورها، بورژوازی بومی که ضعیف است بطور تاکتیکی
و موفقی با طبقات تحتانی علیه الیگارشی کشاورزی
متحد می‌شود. این اتحاد که برای تسریع پروسه صنعتی
شدن جامعه است بطوری صورت می‌گیرد که طبقات تحتانی
به نیروی مستقل و تعیین کننده‌ای تبدیل نشوند. درحقیقت
ایدئولوژی پوپولیس در چنین حالتی آنتی تز پوپولیس
با پیش‌دهقانی است. بهترین نمونه چنین پوپولیسمی
را می‌توان در برزیل در دوران (Vargas) و "پرونیم"
در آرژانتین نام برد. اما باید توجه داشت که این
واژه بطور عام، به تمام اشکال مختلف قدرت‌دولتی و
پایگاه‌های آن در میان مردم در تمام کشورهای آمریکای
لاتین و جاهای دیگر اطلاق شده است. یکی از ویژگی‌های
اساسی چنین پوپولیسمی، تبلیغات آن در بسیج طبقات
فروست و گروه‌های حاشیه‌ای بمنظور برخورداری از حمایت
آنها بر اساس جذبه‌های شخصیتی رهبری فردی و وفاداری
به آن است. تاکید زیادی نیز بر نقش دولت می‌شود.
ایدئولوژی پوپولیس تدبیر اخلاقی و عاطفی و ضد -
روشنفکری است و دارای برنامه منظمی نیست. پوپولیس
جامعه را بین توده‌های بی قدرت و گروهی پر قدرت که
در مقابل آنها ایستاده‌اند، تقسیم می‌کند
ولسی ایده تضاد طبقاتی را در خود نمی‌کنند.
در مورد نقش رهبر بعنوان حامی توده‌ها تاکید زیادی
می‌شود. پوپولیس در چنین مفهومی از لحاظ سیاسی
شدیدا "نخس‌گرا" است و بیشتر با فاشیسم همخوانی دارد.

۴- بالاخره باید به پوپولیس به مفهوم ایدئولوژی
دولتی اشاره کنیم. این مفهوم از پوپولیس بسیار به
دیدگاه پوپولیس‌های رومی در مورد جامعه و توسعه
ملی شباهت دارد. بهترین نمونه ملی این نوع پوپولیس،
نازنا است که هدف آن توسعه اقتصادی بر اساس
تولید خرد روستایی می‌باشد. این نوع پوپولیس از
صنعت بزرگ وحشت دارد و ادعای پیمودن راه رشد غیر -
سرمایه‌داری رامینماید. این در حالی است که چنین
دولت‌های پوپولیسیتی در مدار مناسبات سرمایه‌داری
جهانی سخت گرفتارند و هنوز قادر به گسستن از سرمایه

نیستند. دولت کامبوج تحت رهبری "پل پوت" نمونه
دیگری از دولت‌های پوپولیسیتی بود که از صنعت بزرگ
هراسان بود و سوسیالیسم دهقانی، یعنی سوسیالیسم
بر اساس تولید خرد روستایی را در دستور کار قرار داده بود.
بغیر از چهار نوع پوپولیس بالا، گرایش‌ات
پوپولیسیتی به درجات مختلف در بسیاری از نیروهای
کمونیستی وجود دارد. بطور کلی این گرایش‌ات با -
ویژگی‌های زیر مشخص می‌گردد: عدم تفکیک منافع طبقات
مختلف در پروسه مبارزه، فراموش کردن نقش رهبری
طبقه کارگر، تاکید بیش از حد بر پتانسیل انقلابی
دهقانان و خرده بورژوازی شهری، اهمیت ندادن به
سازماندهی منفی و طبقاتی طبقه کارگر و ...

بلانکیسم

واژه بلانکیسم مربوط است به تئوری‌های سیاسی
لوئی آگوست بلانکی (۸۱ - ۱۸۰۵)، انقلابی بزرگ فرانسوی.
تحت تاثیر نظرات بابوف (Babouf) و بونوراتسی -
(BUONARROTI) بلانکی قصد سازماندهی گروهی کوچک و
متمرکز از افراد برگزیده داشت که بتوانند از طریق
یک قیام، دولت سرمایه‌داری را سرنگون نموده و خود
جایگزین آن شوند. بنظر او از آنجا که پیروی مستد از
قوانین جامعه طبقاتی و احکام دین مانع از آن می‌شد
که مردم به منابع واقعی خود آگاه گردند، لذا تا
زمانیکه توده‌های مردم تحت دیکتاتوری این گروه
برگزیده، به منافع طبقاتی خود آگاه نگردیده‌اند،
باید از انتخابات عمومی جلوگیری نمود. به اعتقاد
بلانکی، در جامعه کمونیستی، دیگر دولتی وجود نخواهد
داشت.

مارکس و انگلس، هر دو بلانکی را بعنوان رهبری
دلیر و انقلابی مورد تمجید قرار می‌دادند. آنها با
هواداران او در سال ۱۸۵۰ و در سالهای ۱۸۷۱-۱۸۷۲ -
(بعد از کمون پاریس) متحد شده بودند. همچنین مارکس
بطور ناموفقی سعی کرد بلانکی را به بین‌الملل اول
بکشاند. با وجود این، آنها روش "توطئه‌گرانه وی را که
بطور مصنوعی درمحد ایجاد پروسه توسعه انقلابی بود،
رد نمودند.

برخلاف نظر بلانکی، مارکس و انگلس توسعه جنبش
پرولتاریائی را نتیجه حرکت آگاهانه کارگران که خود
مستلزم کار مستمر کمونیست‌ها در میان کارگران است،
میدانستند. مارکس و انگلس در خطابه خود به اتحادیه
کمونیست‌ها در سال ۱۸۵۰ اعلام داشتند که طبقه کارگر
آلمان قبل از کسب قدرت باید یک پروسه نسبتاً طولانی
توسعه انقلابی را پشت سر بگذارد.

عظیم بین لنینیسم و بلانکیسم را به اثبات می‌رساند. امروز بسیاری از نیروهای چپ و نیروهای خرده - بورژوا چهار گرایشات بلانکیستی می‌باشند. گرایشات بلانکیستی کلاً با عدم اعتقاد به نقش تاریخی کارگران و توده‌های زحمتکش، عدم اعتقاد به پیوند بین یک سازمان انقلابی با حزب یا توده‌های مردم، تکیه بر ثروت فردی، فراموش کردن نقش فخر توده‌ای و عمده کردن قهر پشاهنگ و ... مشخص می‌شود.

منابع و ماخذ:

1. Bernstein, Samuel 1970 (1971): Auguste Blanqui and the Art of Insurrection.
2. Blanqui, Louis -Auguste 1956: Textes choisis.
3. Bottomore, Tom et al. (eds.) 1983: A Dictionary of Marxist Thought.
4. Cole, G.D. H. 1956: A History of Socialist Thought Vol. 1: The Forerunners.
5. Ionescu, G. and Gellner, E. (eds.) 1969: Populism.
6. Lenin, V. I. 1893 (1960): 'What the "Friends of the People" are'.
7. - 1894 (1960): "The Economic Content of Narodism."
8. Spitzer, Alan B. 1957: Revolutionary Theories of Louis Auguste Blanqui.
9. Tella, Torcuato Di 1956: "Populism and Reform in Latin America". In Claudio Veliz (ed.), Obstacles to Change in Latin America.

بسیاری از مولفان بورژوا این تصور رایجی‌اساس را دامن می‌زنند که کوپا مارکس واژه دیکتاتوری پرولتاریا را از بلانکی به عاریت گرفته است. انگلیس در زمان حیات خود تلاش بسیاری نمود تا تفاوت‌های اساسی بین "دیکتاتوری پرولتاریا" مورد نظر مارکس و "دیکتاتوری انقلابی" بلانکی را توضیح دهد. انگلیس در اعتقاد از نظرات بلانکی می‌نویسد: "از نظریه بلانکی در مورد انقلاب به منابه کودتای توسط گروهی کوچک، طبعاً ضرورت وجود یک دیکتاتوری پس از کسب قدرت، نتیجه‌گیری می‌شود: البته نه دیکتاتوری کل طبقه انقلابی، یعنی پرولتاریا، بلکه دیکتاتوری محدود افرادی که کودتا را انجام داده‌اند و از قبل خود را تحت دیکتاتوری یک یا چند نفر سازماندهی نموده‌اند" (انگلیس برنامه پشاهنگان کمون بلانکیستی، ۱۸۷۴).

در انقلاب روسیه نیز منشویکها، بویژه بلخانف، چه قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و چه پس از آن، لنین و بلشویسم را "متهم به بلانکیسم کردند. در رد این ادعا، لنین بلانکیسم را "تلاشی برای کسب قدرت توسط یک اقلیت" نامید. وی تاکید کرد که اگرچه بلشویکها هنوز یک اقلیت هستند، اما نیاز برای کسب حمایت اکثریت مردم را درک می‌کنند. شرکت عظیم کارگران، دهقانان و سربازان روسیه در انقلاب اکتبر، بدون تردید تفاوت

آفریقا: قاره ...

بلیه از صفحه ۲۹

دروغ است و ما از کمکهای سیدریخ آنان برخوردار - بوده‌ایم و در واقع پیشرفت‌های اتیوپی در ده سال گذشته بیش از تمام دوره ۴۰ ساله گذشته است. وی می‌افزاید: "ولی خشکالی بی سابقه‌ای که از سالها پیش شروع شده، موانعی را در این راه بوجود آورده است، شروتهای زیادی که باید جهت آبادانی و توسعه کشور بکار رود، کلاً صرف خرید مواد غذایی و واردات آن به کشور کرده‌ایم."

باید دانست که مشکلات، معاش، ویرانی‌ها، غارت و چپاولگری‌های جنایتکارانه طولانی امپریالیستها و رژیم‌های مرتجع آنان در کشورهای تحت سلطه آنان عمیق و وسیع است که حتی بعد از روی کار آمدن رژیم‌های مردمی، این کشورها با مشکلات بسیاری روبرو می‌باشند و برای حل آنها سالها وقت لازم است.

(ج)

منابع

- ۱- ژئوپلیتیک گرسنگی از خوزه دو کاسترو
- ۲- "وحشت در آمریکای لاتین" نوشته جان کراسی
- ۳- مجله نیورویک
- ۴- نیویورک تایمز
5. Workers World
6. Guardian

صدمه زده و مقدمات سقوط آنان را فراهم نمایند. دکتر چارلز الیوت (Charles Elliott) کارشناس با تجربه انگلیسی و پرفسور سابق دانشگاه Wales در مصاحبه‌ای با روزنامه انگلیسی Observer برای اولین بار قیاس کرد که دولت‌های آمریکا و انگلستان برای مدت‌های طولانی با بلوکه کردن کمک‌های غذایی سایر کشورها به اتیوپی سعی کرده‌اند که دولت آن کشور را سرنگون سازند. دکتر الیوت در همین مصاحبه می‌گوید: "دشمنی طولانی و عمیق آمریکا و انگلیس با رژیم اتیوپی باعث شد که از دادن کمک به آن کشور ممانعت کنند." او می‌افزاید: "آنها با این ترفند در یک خشکالی دیگر رژیم اتیوپی را از پای خواهد افکند و با بطرف آنان خواهد رفت، حرکت می‌کرده‌اند."

مسئله دیگری که بلندگوهای تبلیغاتی امپریا - لیستی سر داده‌اند آن است که اولاً چرا در یک کشور مارکسیستی که ادعاهای زیادی دارد، مسئله گرسنگی وجود دارد و ثانیاً چرا کشورهای سوسیالیستی و مرفه‌تری در این مورد کمکی نمی‌کنند؟ در این مورد رئیس دولت اتیوپی در مصاحبه‌ای اخیراً اظهار داشته است: "این تبلیغات که کشورهای سوسیالیستی کمک نکرده‌اند، کاملاً



تا آنجا که جو غالب در این نوع تظاهرات مترقی و ضد امپریالیستی است، قابل تأکید است. اعتراضات و اجتماعات ضد جنگ و ضد میلیتاریسم و سلاحهای اتمی و غیره که جهت‌گیری ضد امپریالیستی دارد، بمنابیه یکی از تاکتیکهای مبارزاتی مورد تأکید و قابل حمایت میباشد و مسلماً رفقا در هر شهر و کشوری فراخور مقتضیات سیاسی و میزان نیرو و توان و اولویت‌های خود لازم است که ضمن کاربرد دیگر اشکال مبارزاتی، در بین چنین نیروهای نیز حضور یافته و فعال باشند تا ضمن همبستگی با اهداف و حرکات ضد امپریالیستی، به امر تبلیغ و شناساندن تشکل خود و اهداف سچفا در بین وسیع‌ترین نیروهای سیاسی، بپردازند.

● آمریکا - ارکان اس، لیئلراک: رفقا، نشریات و بولتن‌های ارسالی شما را دریافت کردیم. از زحمات شما متشکریم.

● آمریکا - زندان بروکلین: یکی از رفقای هوادار که هنوز در زندان اداره مهاجرت نیویورک (بروکلین) بسر می‌برد، طرحی در مورد سیاه‌کل کشیده و آنرا برای "جهان" ارسال نموده است. ضمن تشکر از ایشان، در فرصت مناسب از این طرح استفاده خواهد شد.

● آمریکا - میپل وود، ع.س: دوست عزیز، نامه شما به همراه وجه اشتراک دریافت شد. ضمن تشکر، اقدام میشود.

● آمریکا - هوستون، رفیق ن: نامه محبت‌آمیز شما رسید. ضمن تشکر، نسبت به درخواست شما اقدام میشود. منتظر دریافت وجه اشتراک نیز هستیم.

● آلمان - مونیخ، ب.س: نامه و درخواست شما رسید. ضمن تشکر، اقدام میشود.

● سوئز - رفیق ج.ج: چکا ارسالی شما دریافت شد. ضمن تشکر بسیار منتظر دریافت گزارش سایر فعالیت‌های ارزنده شما هستیم.

● اتریش - وین، رفیق بامی -

● کویت - رفیق امیر: طرح‌های جالب ارسالی‌تان رسید. از همکاری‌تان متشکریم.

● آمریکا - وست‌هاون، رفیق نامر: مطالب ترجمه شده شما رسید. ضمن قدردانی از زحمات شما، سعی میکنیم بموقع از آنها استفاده کنیم. همکاری خود را با ما ادامه دهید.

● هلند - مشول کمیته ارتباطات تشکل هواداران: نامه محبت‌آمیز شما را دریافت کردیم. چنانکه در این شماره "جهان" مشاهده میکنید، به هردو خواسته شما عمل کرده‌ایم. البته آدرس مورد نظر را در شماره قبل نیز در "جهان" درج کرده بودیم. دست شما رفقای رزمنده را به گرمی می‌فشاریم.

● ترکیه - هواداران سچفا: مطالب ارسالی شما در مورد پناهندگان و آوارگان ایرانی و دریافت شدن در "جهان" درج میگردد. از همکاری شما متشکریم.

● هند - رفیق م.س: نامه دوم شما دریافت شد. در مورد مسائل سیاسی هندوستان، ترور ایندیپرا گاندی و درگیری‌های اخیر، در انتظار نوشته تحلیلی و تطبیلی شما هستیم. از مقاله ارسالی و نامه محبت‌آمیز و نکات تصحیحی شما متشکریم.

● آمریکا - واشنگتن، رفیق امیر: چک و درخواست شما رسید. ضمن تشکر، اقدام میشود.

● آمریکا - نیویورک، رفیق ص.ف: دو نامه شما دریافت گردید و ترتیباً شما سرگیری با شما داده شد.

● آمریکا - ایندیانا پولیس، رفیق ج: با زهم از مطالب ارسالی و همکاری‌های صمیمانه شما تشکر میکنیم.

● کانادا - تورنتو، رفیق خ: در مورد سئوال‌ات طرح شده در نامه شما، باید بگوئیم که از نظر ما شرکت در تظاهرات ضد جنگ و صلح‌طلبانه

● فرانسه - پ.ک: رونوشت نامه دریافتی شما از ایستگاه بدستمان رسید. نکات مندرج در آن - نامه معمولاً در قسمت اخبار و سایر نوشته‌های مربوط به رژیم و وضعیت مردم آورده میشود. چنانکه نامه‌های با مطالب و توضیحات غنی‌تر و تازه‌تری دریافت داشتید، "جهان" را از استفاده از آن بی‌بهره نگذارید.

● آلمان - برمن، رفیق ج: ضمن تشکر از نامه محبت‌آمیز و مستولانه شما، در مورد نکاتی که در شماره مقاله مربوط به انتخابات نیکارا - گوئه ("جهان" ۲۵) متذکر شده بودید، باید بگوئیم که: ۱- کلمه رژیم برخلاف تصور شما فقط به حکومت‌های مطلقه و ضد مردمی اطلاق نمیشود، بلکه رژیم به معنای سیستم حکومتی و مجموعه دستگاه سیاسی یک حکومت، اعم از مردمی و غیر مردمی بکار میرود. بنابراین میتوان هم دولت انقلابی ساندینیست (نیکاراگوئه) را رژیم نامید و هم فی‌المثل دولت وابسته و ارتجاعی ضیاءالحقی (پاکستان) را. لیکن اولی رژیم مردمی و انقلابی است و دومی رژیم ضد مردمی و ارتجاعی. ۲- در همان مقاله نوشته شده بود که حزب مستقل لیبرال (PCI) ساندینیستها را متهم به سکتاریسم و نوتالیبریسیم میکند... و شما نوشته‌اید که ما - هواداران سچفا به چنین مسئله‌ای معتقد نیستیم. ما نیز حرف شما را تأیید میکنیم و مسلماً ما در آن نوشته فقط نظر احزاب مختلف نیکاراگوئه را طرح کردیم و طرح نظر آنها به معنای قبول نظرات آنها نبوده است. همچنین باید توجه داشت که در بخش اخبار، جای موضع‌گیری در مورد تمام مسائل نیست.

مانوتل ساپاتا اولی بیا، اهل کلمبیا، سال ۱۹۲۰ در خانواده‌ای تنگنست متولد شده است. در زمینه‌های متعددی فعالیت دارد. اهل سفر است و آمریکای مرکزی و ایالات متحده و نیز سراسر سرزمین خود کلمبیا را زیر پا گذاشته است تا با قبایل سرخ‌پوست و سیاهان تماس و رابطه برقرار کند. نخستین گروه‌های فولکلوریک کلمبیایی که در خارج، به‌خصوص در اروپا و آسیا، به‌فعالیت پرداخته‌اند زیر نظر او سازمان یافته. از تحصیلات پزشکی خود بیشتر برای شناخت انسان استفاده کرده است. و در آن به‌چشم حرفه نمی‌نگرد.

ساپاتا اولی بیا، نویسنده‌ی برکاز است و تاکنون جایزه بین‌المللی ادبیات هاباتا و نیز جایزه واسووی کلمبیا را دریافت داشته.

oooooooooooooooooooo



سواره نظام کوهستان

رگبار گلوله خاموشی دهکده را شکافت. زن‌های سراسیمه، کودکان‌شان را در پناه گرفتند. درها با شناب بسته شد و صدای افتادن کلون‌ها به گوش آمد. بیرمردان که در کافه کوچک دهکده به‌دور میز بازی دومینو، سرگرم تشخوار زمان بودند با عجله بیرون ریختند و پراکنده شدند. اما خوان کریسوس تومو به‌آستانه در خانه محقر خود نرسید؛ گلوله‌ای از پشت در سرش جای گرفت و او را خشک و منقبض نقش زمین کرد. سوارها که هنوز از ننگ‌هاشان دود بلند بود در تقاطع کوچه‌ها جست و خیز می‌کردند.

- یکی از این سرخ‌های مادر به‌خطا را هم نگذارید فرار کند!
زن‌ها نگران بیرمردهای دیگر و بچه‌ها بودند، زیرا مردانی که می‌توانستند ننگ سریری به‌دست بگیرند یا از قداره استفاده کنند برای شرکت در جنگ‌های پارتیزانی به‌بالای تپه رفته بودند. گروهیان که در میان صغیر گلوله‌ها روی زمین اسبش قرار گرفته بود، از این تجربه بهره می‌گرفت:

- مرغ‌های ترسو، بیایید بیرون مثل مرد جنگ کنید!
در میدان، سایه‌ها در زیر آفتاب از جنبش باز می‌ماند. سگی که در خانه صاحبش را بسته یافته بود، بی‌مناک زوزه می‌کشید، و بی‌آن‌که طرفی بر بندد می‌کوشید پوزه‌اش را لای در فرو کند. ننگ گروهیان بار دیگر طنین افکند و حیوان که به‌خود بیچیده بود به‌شتاب شروع به‌جروخیدن به‌دور خود کرد. ماریچ زوزه‌هایش تمام دهکده را می‌شکافت و پیش می‌رفت. ناگهان دری گشوده شد. کلاریسا موفق شد از دست عمه‌هایش آزاد شود و خود را به‌کنار پدر بزرگش برساند، اما خوان کریسوس تومو دیگر زنده نبود.

گروهیان فریاد زد:
- دختر را دستگیر کنید!
سربازها، سوار بر اسب، حیرت‌زده، به‌یکدیگر نگرستند. آن‌ها خود را برای انجام چنین فرمانی آماده نکرده بودند. گروهیان که آن‌ها را مرتد دید با تپانچه خود به‌تهدید پرداخت:
- نشنیدید چه گفتم؟

سرجوخه روستندو که مراقب دروازه دهکده بود مهمیز به‌اسب زده اما پیش از آن که بتواند نزدیک شود چهار سرباز خود را به‌روی دختر افکندند. ناگهان دختر از زیر شال خود تمام گلوله‌های تپانچه‌اش را خالی کرد و دو تن از سربازها از مرکب‌های‌شان به‌زیر افتادند. سربازها آماده تیراندازی می‌شدند که گروهیان جلو آن‌ها را گرفت:

- او را زنده می‌خواهم.
و در حالی که اسبش را روی دویا بلند می‌کرد راه بر دختر بست.
- دستگیرش کنید.

سربازها دختر را از این سو به‌آن سو کشیدند تا سرانجام توانستند در گوشه میدان، میان یاهای اسب‌ها، دست و پای او را ببندند. از میان لباس‌های دریده و باره، یک پستان دختر، برجسته و نول‌تیز، آشکار شد. دست یکی از سربازها روی آن افتاد و در همان اتنا، گلوله گروهیان به‌زانوی سرباز اصابت کرد. سرباز مجروح که جز بیکر دختر جوان نکیه گاهی نداشت ناله‌کنان بر زمین خم شد:

- سرگروهیان، ناقصم کردید!
- برای این که دستت جانی فرود آمد که نگاه من به‌آن دوخته شده بود.

این زن مائی من است و من هم اهل بدل و بخشش نیستم.
در حالی که کلاریسا دست و پا بسته روی پاهای گروهیان افتاده بود، گروه آماده می‌شد تا دهکده را ترک کند، زوزه‌های سگ برید. آخرین سواران که اجساد همقطاران خود را بر ترک اسب‌ها افکندند بودند هنوز دهکده را ترک نکرده بودند که عمه‌های کلاریسا، اشک‌های خود را بر خاک میدان افشاندند. پس از آن، درها یکی پس از دیگری گسوده شد و نفسیرها دریاچه بیرمرد با هم در آمیخت. آن‌ها سر مرده را بلند کردند و مرده از میان سوراخی که سرهای آن‌ها دورنادرش را گرفته بود به‌خودشید خیره ماند و خواهرانش هرچه بلای‌های او را روی هم می‌نهادند سودی نداشت؛ دیگر خورشید مردمک چشم‌هایش را آزار نمی‌داد. آنگاه یکی از عمه‌ها به‌سر بجهتی که با خود در نبرد بود تا گریه کند گفت:

- به‌کوهستان برو و به‌دنبال نزدیکترین رابط چریک‌ها بگرد. به‌او بگو به‌دردت خبر بدهد که سربازها پدر بزرگت را کشته‌اند و عمه کلاریسا را برده‌اند.

پس‌بچه با قدم‌های کند به‌واد افتاد. ماه‌هایش پیش از آن سنگینی می‌کرد که بتواند از رسته خونی که همچنان از بیکر پدر بزرگش جاری بود، دوان دوان دور شود.

سرجوخه در راه بازگشت به‌سربازخانه، رد خون اجساد را که بر ترک اسب‌ها تکان می‌خورند دنبال می‌کرد و غیظ خود را فرو می‌خورد. مسافتی دورتر، وقتی که سربالایی جاده آغاز می‌شد، صدای ناله‌های دختر جوان که لب‌های خود را می‌گریزد به‌گوش او رسید. اسبش را تندتر راند و به‌گروهیان رسید:

- بهتر است جسدها را همین جا به‌خاک بسپاریم. وجود صلیب آن‌ها در مقابل سربازخانه ایجاد ناراحتی می‌کند.
- هر کاری دلتان می‌خواهد بکنید سرجوخه، من با این ماده به‌راهم ادامه می‌دهم.

سوارها ایستادند و در میان پیشه، در سایه درختان، در زیر حرکات بال‌های لاشخورهایی که رد خون را دنبال می‌کردند گوردهانی حفر کردند.

هوا خنک نبود، اما در سربازخانه همه می‌لرزیدند. آن‌ها نمی‌فهمیدند که به‌چه جهت برخلاف ناکیک‌های جنگ به‌آن‌ها دستور داده می‌شد که برای نبرد به‌کوهستان بروند. افراد ننگ‌هاشان را روغن کاری می‌کردند و منتظر

بودند در اتفاقی که گروهیان در آن با دختر خلوت کرده بود گشوده شود. آن‌ها سرجوخه روستندو را مأمور کرده بودند که دربارہ دستورهایی صادره با سرکرده‌شان وارد مذاکره شود. برای همه آن‌ها کاملاً روشن بود که اگر چربله‌ها را در استحکامات خودشان تعقیب کنند تا نفر آخر ناپود خواهند شد. در داخل اتاق بار دیگر صدای فریادهای کلاریسا و سخنان خشم‌آلود گروهیان شنیده شد:

- مجبوروم نکن بسیاریست دست سربازها. من از تو غیر از تنها چیزی که می‌توانی به یک مرد بدهی هیچی نمی‌خواهم. یکی از افراد ریشخندکنان فریاد زد:

- سرگروهیان! اگر شما موفق نشدید، ما با کمال میل حاضریم این کار کوچک را به جای‌تان انجام بدهیم.

سرباز مجروح، همان طور که زانوی زخم‌پندی شده‌اش را می‌مالید درون نویس غلٹی زد. بر اثر تب، عرق بر همه بدنش نشسته بود. زمزمه‌کنان گفت:

- مواظب باش! او مرا برای کاری کمتر از این‌ها لنگ کرد! همان سرباز، بی‌آن‌که از روغن زدن به تنگش دست بردارد اصرار کرد: - اگر باید سرخ‌ها به سیخ‌مان بکشند چرا نباید لذت یک تکه حسابی را بچشمیم؟

بالاخره در گشوده شد و گروهیان، با زیرشلواری و خراش‌هایی بر سینه و صورت از آن بیرون آمد. دو روز گوشه‌نشینی، بیش از دو سال جنگ پیرش کرده بود. ریشش درآمده بود و چهره‌اش که بدون آن هم خشن و جدی بود، نیره‌تر می‌نمود. بلک‌های سنگین، چشم‌های کوچکش را که بر اثر شهوت‌رانی براق‌تر شده بودند، می‌پوشاند. لب پائینش چنان شکافته بود که گویی دارد سوت می‌زند و دندان‌های پائینش در جراحت کاردی که آواره او را دریده بود، آشکار بود.

هنگامی که می‌خواست با آب حوض حیاط صورتش را بشوید، کلاریسا که با پیراهن گروهیان اندکی از پیکرش را پوشانده بود بهشتاب از اتاق بیرون جست تا بگریزد اما بیش از آن که به‌راهر و برسد، مرد نظامی با یک پشت یا او را به‌زمین افکند. پیکر برهنه و کوفته، سربازان را که با نگاه‌های حریصانه نماشایش می‌کردند به‌شدت برانگیخت. دختر جوان هق‌هق‌کنان صورتش را میان زانوهایش پنهان کرد. سرجوخه‌ها با شتاب بیش رفت و او را با نیتنه خود پوشاند.

- هرزه، حالا می‌فهمی که مرد یعنی چه! این جوری خودت را به‌افراد نشان می‌دهی؟

گروهیان که ناراحت شده بود او را بار دیگر به‌داخل اتاق راند. سرباز مجروح بلند شد که از میان گره‌های تنو نگاهی بیندازد و رئیس خود را ببیند. گروهیان که از زرق و برق لباس نظامی خود عاری شده بود، مانند وزغی بینوا به‌نظر می‌رسید. باها برهنه، انگشت‌ها خشک و چفر، باها اندکی خمیده؛ اقتدار او تحقیری نفرت‌انگیز بر می‌انگیخت. از آن چه در ذهن افراد می‌گذشت احساسی خفیف در خود بافت و بیش از آن که دستوری بدهد هفت نیرش را به‌دست گرفت.

- به‌صفا افراد، با احتیاط و به‌رغم میل خود به‌اسب‌هایشان که قبلاً زمین شده بود نزدیک شدند و صف بستند. تفنگ‌هایشان نامنظم بود و بعضی‌ها هنوز تکه‌های شلواریشان را می‌پستند. گروهیان برخلاف عادت ایامی که در عین قدرت بود از قدم زدن در مقابل افراد خودداری کرد. با نگاه‌های تهدیدآمیزی براندازشان می‌کرد و تپانچه‌اش را تکان می‌داد.

- سرجوخه روستندو، فرماندهی جوخه را به‌عهده بگیرد و دستورهایی مرا اجرا کند!

سرجوخه یک قدم از سر صف جلوآمد. مسلسلش را حمل کرد و با حالتی

با شکوه و با لحنی محکم این کلمات را ادا کرد:

- سرگروهیان! اجازه بدهید به‌اطلاع برسانم که ما همه تصور می‌کردیم شما شخصاً فرماندهی این حمله خطرناک را به‌عهده می‌گیرید و...

گروهیان که بار دیگر می‌خواست وارد اتاق شود خشمگین برگشت، شکاف لبش را گزید و نفی بزرگ از آن بیرون زد.

- حرف ندارد. به‌شما دستور می‌دهم، اجراش کن!

نگاه سرجوخه روستندو متوجه گروه شد. تا آن زمان هیچگاه خود را با افراد جوخه‌اش این‌قدر متحد نیافته بود. می‌خواست دستور حرکت بدهد که صدای گروهیان را شنید:

- سرباز مجروح را هم ببرید. این کار به‌اش پاد می‌دهد که با زن‌ها چه طور رفتار کند.

تنو به‌تکان درآمد:

- سرگروهیان! زانوی من حسابی ورم کرده. نگاه کنید: گلوله‌نوش مانده و تب دارد مرا می‌سوزاند.

- نمی‌خواهم کسی شاهد باشد این جا چه اتفاقی می‌افتد.

و با حالتی عصبی مشغول باز کردن قفل در شد. صدای مطیعانه سرجوخه برخاست:

- قسمت... پیش!

سرباز مجروح کوشید به‌تنهائی برخیزد اما همین که تنو را رها کرد بر زمین



افتاد. سرجوخه ناگزیر شد ظاهر متفرعن خود را رها کند و به‌یاری او برخیزد. اندکی بعد سربازان سوار بیش از آن که به‌سربالائی تپه‌ها برسند، در اطراف سربازخانه اسب می‌ناخندند. در لحظه‌ای که داشتند در پیشه دوطرف جاده پنهان می‌شدند برای آخرین بار به‌سوی اتاقی که گروهیان در آن گوشه گرفته بود نگریند.

علف‌ها به‌نحوی غریب تکان خوردند. سرجوخه نفنگش را بلند کرد و افراد جوخه در میان دوخت‌ها پراکنده شدند و به‌دنبال مواضع دفاعی گشتند. روستندو که پشت درختی پنهان شده بود فریاد زد:

- اگر نمی‌خواهد سوراخ سوراخ‌تان کنیم بیاید بیرون.

شاخه‌های کنار پرتگاه تکان خورد و کلامی لب‌به‌لب و جهره رنگ بریده بسریجه آشکار شد. با احتیاط اما بدون ترس تا وسط جاده پیش آمد.

- دیگر کی آن‌جا است!

- من تنهائی تنها هستم.

سرجوخه و سربازها در مواضع خود باقی ماندند. سروصدای رود که در عمق پرتگاه جریان داشت شنیده می‌شد.

- ما برای بازی نیامده‌ایم این‌جا. به‌شان بگو تسلیم بشوند.

گلولی بچه خشک شد. ترس از این‌که آن‌ها حرقش را باور نکنند او را

دور گرفتند. به زحمت می توانست به درختهایی که انگار یا او حرف می زدند جواب بدهد.

- قسم می خورم که تنها هستم.

سرجوخه که همان طور کمین کرده بود پرسید:

- کجا می رفتی؟

پسریچه که سر به زیر افکنده بود با نگرانی اعتراف کرد:

- آمده بودم بیستم سرعه کلاریسا جی آمده.

افراد گروه قاه قاه خندیدند:

- عجب ترسوهائی هستیم ما! يك بچه ریفو دچار وحشتمان کرد.

سرجوخه از اسب به زیر آمد. از کمینگاهش خارج شد و به نظاره تپه پرداخت. وقتی اطمینان یافت کسی دیگری آنجا مخفی نشده به سر بیچه نزدیک شد:

- کی ترا فرستاده در کمین ما باشی؟

پسر کلاه بزرگش را برداشت نو دستهایش نگه داشت و توضیح داد:

- فقط خودم.

سربازان که اسبها را به چاده برگردانده بودند دوباره به خنده افتادند.

سرجوخه مسلسلش را به طرف آنها گرفت و خنده شان را برید:

- اسلحه تان را بگذارید زمین.

رفتار تهدیدآمیز او بیش از این حرفهای نامفهوم سربازها را نرساند. با حیرت به یکدیگر نگرستند. نه، سرجوخه شوخی نمی کرد. حالتی آمرانه داشت. ناگزیر اسلحه و مهمات را در نقطهائی که او نشان می داد به زمین ریختند.

- شما دو تا پیاده بشوید و اسلحه را روی اسبها بستان باز کنید.

در سرباز اسلحه را مثل بسته های چوب منظم کردند و به دو طرف اسبها بستند. پسریچه حیرت زده تر از سربازها مشغول نماشا بود.

- سرجوخه، منظورتان چیست؟

سرباز مجروح هنوز امیدوار بود که همه اینها جزئی از يك حیلۀ جنگی باشد. سربازها چندین بار، درست در لحظاتی که می نداشتند نابود شده اند، دیده بودند که سرجوخه روستو دشمن را فریب داده و بر او پیشی گرفته است. اما این بار جسور عمل می کرد. از موضعی که برای دفن آن دو سرباز بیل به دست گرفته بود، شعله ذهنش خاموش شده بود. گویی در آن جا جسد خود را هم به خاک سپرده بود. و در روزهای بعد، تجزیه شخصیتش ادامه یافته بود.

بی آن که سر مسلسلش را بر گرداند فرمان داد:

- پیاده شوید. همه تان!

اسبها نگران سم به زمین می کوبیدند. چون سنگینی سواران بر آنها نبود. پوست شان را نکان دادند و با خرناسه های حاکی از ناراحتی گردن کشیدند. سربازها نمی توانستند به فکر فرد ارشد خود بی بیرند. امدوار بودند که این دستورها از روی يك نقشه حمله از پیش تدارک شده باشد. سرجوخه بی آن که کلمه ای بر زبان راند. تمام اسبها و سلاحها را در چادهائی که به کوهستان



منتهی می شد پیش راند. پسریچه را هم روی آخرین اسب نشانند. - به اردوگاه چریکها برو و به بدورت بگو در این جا با افراد اسیر منتظرش

هستم.

کودک که فقط يك فکر ذهن او را نسخیر کرده بود گفت:

- عمه ام چه می شود؟

سرجوخه، صمیمانه ضربهائی به پشت او زد و گفت:

- نگرانش نباش. پیش از راه افتادن، مخفیانه يك تیانجه به اش دادم.

پسریچه شلاق به اسبها کشید و در این حال، افراد گروه، خاموش تر از

درختها، در مقابل مسلسل سرجوخه ایستاده بودند.

- نمی دانم تصمیم شماها چیست؛ اما من خودم خیالم این است که به گروه

چریکها ملحق بشوم.

از باتین، از سربازخانه صدای گلولهائی به گوش رسید.

به نقل از "کتاب حلقه" ترجمه: و. ص.



FMLN چندان اهمیتی ندارد، ولی هدف سیاسی آن همچنان معتبر است.

سوال: در حال حاضر FMLN/FDR چه طرحهای سیاسی را دنبال میکند؟

جواب: با توجه به اینکه در مارس ۸۵، در السالوادور انتخابات برگزار میشود، FMLN/FDR، تلاش بسیار خواهد کرد که نقش عمده ای برای بسیجیوندها و ترویج و تبلیغ انقلابی ایفا نماید. تاکتیکی که ما در این انتخابات در پیش خواهیم گرفت، مسئله پیچیده ای است که خطوط آرا در عرض یک ماه آینده فرمول بندی خواهیم کرد.

مصاحبه با ... سیه از صفحه ۲۲

غیرالیکارشی بورژوازی از بخشش الیکارشی آن که در برنامه دولت موقت قید شده بود، می توانست تاکتیک ادامه حمایت سوسیال - دمکراسی اروپا از جنبش السالوادور و تضاد بین امپریالیستها را بنوعی تضمین نماید. این برنامه از جهت سیاسی هنوز در رابطه با جلب حمایت سوسیال دمکراسی اروپا اهمیت خود را از دست نداده است. اگرچه این برنامه از جنبه اتحاد تبلیغاتی با بخش غیرالیکارشی بورژوازی برای

مداد رنگی‌ها

با مداد سبز
برای بره‌ام حلف کشیدم
با مداد سرخ
سبب سرخ و سفید
با مداد زرد
خورشید کشیدم
تا دنیا را روشن کنم.
با مداد آبی
آسمان کشیدم
تا پرندگانم
پرواز کنند.
با مداد قهوه‌ای
خاله کشیدم
تا گل‌ها رشد کنند
و دنیا را معطر سازند.
با مداد سیاه
هیچ چیز نکشیدم
زیرا نمی‌خواهم
در دنیا جنگی پیش بیاید
اصیل دنیز یازده ساله
ترجمه: ا. ن.



آزادی
یعنی
آبادی
یعنی
شادی. [آباد و شادم،
هی!
می بینی؟ -
من
با تو
آزادم.
این بازوی من است.
ببین!
امتداد یاد را می گویم.
و اغوش توست این.
می بینی؟
دریا را می بینی؟
من با هزار موج تبیدن بر می خیزم
هر بار
از شو،
تا تو در اوج رامش و آرامش زلالی دریایی از
آبودن
در من
بنشین.
اخم از جبین شادابیت برکشای
از من تورا گزیر و گریزی نیست:
من موجم از تو،
تا که تواز من دریا باشی.
من هر نفس هزار بار می روم از خود،
تا که تو تا هستی - یعنی، تا هستی هست -
در خود پاهر جا باشی.
بر من هزار باره برآشفته‌ای که:
- "های! تو
بی من فنا، فنا، فنا خواهی بود!"
می دانم، آری، می دانم،
با این همه،
اخم از جبین شادابیت برکشای،
زیبای من!
از من تورا گزیر و گریزی نیست.
من موجم از شو
- گفتم -
اما، دریای من!
بی من تو کی، کجا، چگونه،
چرا خواهی بود!؟
اسماعیل خوشی، ۲۷ بهمن ۱۳۵۸ - تهران

آنجا که چین دامن زیبایشی زلال تو
نیلوفری ست بر جو بار پرکشودن
بر سطح بی کرانه جویاشی نسیم،
هستی همان، همانا، قوشی ست با شکوه
که بر سیمایی از بگناه پرندین و بوی باس شنا می‌کند.
آنجا که چتر کیمسوی زیبایشی جلیل تو
قوشی ست
بر سطح من.
که تن به برکه سیمایی از بگناه پرندین و بوی باسرها می‌کند
هستی همان، همانا، من می‌شود
که قوی با شکوهش را
نیلوفر وار
به سطحی از جزیره زیباترین تنها بودن‌ها می‌سپارد:
و بنگونه بامدادش را،
که موجی از تبیدن در اوج های شادی و آزادی ست،
به بادهای نوشدن و آب های دیگرگشتن
وا می‌گذارد:
و بنگونه رودوارش را
دریا می‌کند.
من با تو آزادم،
هی!
در حاشیه،
مردان خوب میهنم آزادی را شادی و آبادی می‌پندارند.
در متن،
مردان خوشتر
آزادی گویان
و آبادی گویان
با شادی
جان می‌سپارند.
من با تو،
اما،
هر بار،
متن و حاشیه را درهم می‌یابم:
و می‌رسم به عشق که از نمکین بودن شاد شدن می‌آفریند،
از ویران بودن آباد شدن،
وزبندی بودن آزاد شدن.
[در متن شعر تاریخ،
تاریخیان حاشیه شعر
باید به یاد سپارند
این هیچمین و یک بار را
که قافیه‌ها
از حاشیه به متن رومی آوند:]

کدکهای مالی

به سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

هموطن! نشریه "جهان" را برای خود و دوستان خود مشترک شوید. برای تهیه نشریات "کار"، "ریگای گول"، "بامی استار" و "جهان" با آدرسهای زیر مکاتبه نمایید.

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PF 370-1061 شماره ۶ ۱۲۰ شیلینگ
WIEN, AUSTRIA شماره ۱۲ ۲۳۰ شیلینگ

آلمان غربی
POSTFACH 3653
7500 KARLSRUHE,
W. GERMANY شماره ۶ شماره ۱۵ مارک
شماره ۱۲ شماره ۲۵ مارک

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 75729
LOS ANGELES, CA, 90075 شماره ۶ دلار ۸
U.S.A. شماره ۱۲ دلار ۱۵

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC1N 3XX شماره ۶ شماره ۵ پوند
ENGLAND شماره ۱۲ شماره ۹ پوند

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI شماره ۶ شماره ۱۲۰۰۰ لیر
ITALY شماره ۱۲ شماره ۲۳۰۰۰ لیر

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5 شماره ۶ شماره ۵۰۰ فرانک
BELGIQUE شماره ۱۲ شماره ۹۰۰ فرانک

سوئد
ISS
BOX 50057 شماره ۶ شماره ۸۰ کرون
10405 STOCKHOLM شماره ۱۲ شماره ۱۲۰ کرون
SWEDEN

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54 شماره ۶ شماره ۷۰ فرانک
75261 PARIS CEDEX 06 شماره ۱۲ شماره ۱۲۰ فرانک
FRANCE

کانادا
ISF
POST OFFICE AHUNTSIC شماره ۶ شماره ۱۰ دلار
MONTREAL H3L3N5 شماره ۱۲ شماره ۱۸ دلار
CANADA

هلند
P.B. 11491 شماره ۶ شماره ۱۸ فلورن
1001 G.L. AMSTERDAM شماره ۱۲ شماره ۲۲ فلورن
NETHERLANDS

هموطن! کمکهای مالی خود را به آدرس زیر واریز نموده:

نام حساب A.A.H.
شماره حساب 739066 F
CREDIT LYONNAIS
134 Bd. VOLTAIRE
75011 PARIS, FRANCE
و رسید آنرا همراه کد مورد نظرتان به آدرس ذیل ارسال نمایید.
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS, CEDEX 06, FRANCE

دولار	آمریکا
۱۰۰	ز ۱۰۰
۱۰۰	سهراد
۵	ش
۱۰/۵۰	برکلی جل ی ن
۲۰	سیک کار سیرکلی
۱۰	برکلی - کرستان
۱۰	تهران
۱۰	برکلی - بهزن
۱۰۰	برکلی - کادر
۱۰۰	مرکزی
۱۰	برکلی شماره
۱۰	سازمان
۲۰	برکلی - اتحاد
۲۰	مبارزه - پیروزی
۲۰	برکلی - فدائی
۲۰	برکلی - راهبر
۲۰	فدائی
۲۰	برکلی - رفقای
۲۰	اعتصاب غذا کننده
۲۰	در هلند
۲۰	برکلی - نیویورک
۲۰	م - برکلی
۲۰	رفیق سعید
۱۰	رفیق شوکل
۱۰۰	نظام - هوستون
۸۰	اوهاییو - رفیق
۸۰	حمید اشرف
۲۰۰	اندرونا سونال
۱۰۲	بهارا
۲۰۰	م. ل. دیپورتیت
۱۵۰	ج ۱۱۲
۱۵۰	لافا پت ۱۵۰
۱۰	م. نیواورلطان
۲۰	اوهاییو - ۱۰
۱۲۸	رفیق پویان
۲۰	م. نسسی
۸۰	سان دیاگون م
۲۱	سان دیاگو هسی
۲۰	سلطان پور
۲۵	مورست
۲۰	امضای بیکارا
۲۰	گول
۱۰	پویان
۸۰	فرج
۲۰	آری
۲۰	نیک کار
۱۰۰	مبارزه
۲۰	خرجه انگولی
۲۰	رفیق منصور
۵۰	اندرونا سونال
۵۰	سلطان پور
۵۰	دایو چکن
۱۵۰	جهان
۱۵۰	پرونده ری - انگلیسی
۲۰	و کرون به طلا
۲۰۰	سلطان سالیس
۲۰۰	سوسالیم
۲۵۰	ف
۲۰	اجبار
۱۰۰	موراد
۲۰۰	رها - آری
۲۰۰	راه بودائی
۱۰۰	چشمک
۵۰	منصور
۲۰۰	راه بودائی
۲۰۰	پرونده رفقای هلند
۲۰۰	بهرنگ
۲۰	موراد
۲۰	رفیق محمود

انگلستان	پوند	هلند	فلورن
لندن	۸	ماهر - ر. خاند	۱۲۰
لندن	۲	رفقای پندان	۵۰
لندن	۱۶	زهره ام	۲۰
ر - لوندون	۶	غلامی پسترو	۱۱
رفقای اسرائیل ۳۱/۹۸	۲۰	ماهر فاسان	۱۱
میلز پور	۲۰	پاکستان	۱۰۰
نیوکاسل	۲۰	مراخوان مالی	۱۰۰
منسفیلد - ۸۲	۱۹۰	مراخوان مالی	۲۰۰
کارگزاران - لندن	۸۲	مراخوان مالی	۶۰۰
لندن	۱۳	شهبه سعد	۱۰۰
بک هوادار	۲۰	مراخوان مالی - م	۲۰۰
رفقای اسرائیل ۵۰/۴۳	۵۰	مراخوان مالی - ر	۲۰۰
منصور اسکندری	۵۰	مراخوان مالی	۲۰۰
فدائی	۵	رفیق شوید	۲۰۰
لندن	۲۲	رفیق اشرفی	۲۰۰
الف - لندن	۱۲	مراخوان مالی	۲۰۰
ک - لندن	۲۰	مراخوان مالی	۲۰۰
مسیحی - ۲	۲۲	فدائیان خاند	۲۵۰۰
ک - ک ایران	۲۰	و کار	۱۰۰۰
میدلز پور	۱۲۰	مراخوان مالی	۲۰۰
منصور پور	۲۰	مراخوان مالی	۲۰۰
مهمه ۶ کار ۱۸۲	۲۰	فدائیان خاند	۲۰۰
(مسیحی پور)	۲۰	و کار	۲۰۰
رفقای کار و پند	۵۰	مراخوان مالی	۲۰۰
لندن	۹	مراخوان مالی	۲۰۰
لندن	۵	مراخوان مالی	۲۰۰
دکتر اشرفی	۱۰۰	فدائیان خاند	۲۰۰
رفیق سید کاظم	۲۲	مراخوان مالی	۲۰۰
کاظمی - لندن	۲۰	مراخوان مالی	۲۰۰
ماژکی	۲۰	مراخوان مالی	۲۰۰
پوند	۲۰	مراخوان مالی	۲۰۰
مهمه پندان	۱۵۰	مراخوان مالی	۲۰۰

فرم اشتراک

هموطن عزیز:

برای اشتراک "جهان" در آمریکا لطفا وجه اشتراک را به همراه این فرم به آدرس زیر ارسال کنید. هر صورت اقامت در کشورهای دیگر برای دریافت "جهان" با آدرس هواداران در نزدیکترین کشور، مکاتبه نماید.

بهای اشتراک:

۶ شماره ۸ دلار

۱۲ شماره ۱۵ دلار

آدرس مشترک شونده:

JAHAN
P.O. BOX 75729
LOS ANGELES, CA 90075, U.S.A.

گرچه ما میگذریم

راه میماند



غم نیست!

www.adabestanekave.com

به یاد
هزاران
شهید گمنام
دیماه



رفیقان مرگ ترا باور نمیکنند،
چرا که دشمن
به مرگ تو باور نکرده است.
مرگ تو صفوف خصم را
از هم شکافت
و دیدند همسنگران تو
تضاد دشمن خلق را

با شهادتت ای رفیق!

اسامی برخی از شهدای فدائیان دیماه

نام رفقای شهید	تاریخ شهادت	نحوه شهادت	محل شهادت
محمودیان، حسین	۱۳۵۰/۱۰/۶	درگیری	شیراز
حاج شفیعی ها، مرتضی	۱۳۵۰/۱۰/۶	درگیری	شیراز
احمدی، محمدرضا	۱۳۵۰/۱۰/۶	درگیری	شیراز
نوروزی، حسن	۱۳۵۲/۱۰/۲۰	درگیری	لرستان
حسن پوراصیل، فاطمه	۱۳۵۲/۱۰/۱۸	درگیری	-
روحی آشتگران، بهمن	۱۳۵۴/۱۰/۲۷	زهر شکنجه	-
فرهنگ، مسرور	۱۳۵۴/۱۰/۱۹	درگیری	-
نهایتی، فاطمه (شمس)	۱۳۵۴/۱۰/۲۱	-	-
ثالی، خدا بخش	۱۳۵۵/۱۰/۲۵	-	-
کریمی، فتح الله	۱۳۵۷/۱۰/۵	درگیری	تهران
توفیقیان، ناصر	۱۳۵۸/۱۰/۱۷	-	-
فصیری، سیروس	۱۳۶۰/۱۰/۱۲	درگیری	سندج
جلالی، خاطره	۱۳۶۰/۱۰/۵	خودکشی در زندان	-
محمدزین الدین، فقیر	۱۳۶۱/۱۰/۱۳	-	-

اسامی چند تن از شهدای سازمانهای دیگر

اسامی شهدا	هویت سازمانی	تاریخ شهادت	نحوه شهادت
کا مران نجات الهی	اسناددا تشگاه	۱۳۵۷/۱۰/۵	درگیری
محمدتقی امانی	راه کارگر	۱۳۶۱/۱۰/۲۸	تیرباران
منصور بنایزاده	چریک فدائیان	۱۳۶۰/۱۰/۲۴	"
ظاهر پشتیمان	پیکار	۱۳۶۰/۱۰/۲۰	"
فریدون سجادی	اتحادیه کمو - نیستها	۱۳۶۲/۱۰/۲۹	درگیری
محمد خدا مرادی	حزب دمکرات	۱۳۶۰/۱۰/۲۷	"

سید محمدباقر همتی مالکوف شهید گناور فدائیان،
سولدورکار (۱۷ می ۱۳۵۲ - ۱۳۳۱)
آدم غنم است که آسان بود و کوم جسده و ریسر
بار میآید، عمل کورن است که به آسان برمیآید
سوی دست آوردن باید طایفه و رهنماید، مهمل
و ساده و هوس باور نبود، نه دلجویی های آسان
دست آمده و روهتور می نموده و مرتب ظاهر سارون
مهرم باقی ها را بخورد. واقعا که کار سخت محسوب
است، بندیره اول عمل هرگز با دشمنان کوشید
مرگ خود را میبارد و دشمنان را از دست میدهد.



سید محمدباقر همتی مالکوف شهید گناور
۱۳۶۰ (۱۳۶۰)
... شهادت نامم از موج کماند فدائیان جوان
کماند ناروفا
میرزاها هم سوزی ماندن بر دریا
برای ماندن سوزون سوز کشم تا سوز
و همتی را میل شد غمسه سوار
ساز آس و خون و کلوله و فریاد
سواد خانه سرد
ساز سوز و سوزانند لایه سنام ...
جمعه نظام سوز



محمدتقی موسوی مالکوف شهید
دانش فدائیان تاجر مبتدیان
اولین شهید محسن دانش فدائیان تاجر ارگسور
(۲۲ می ۱۳۶۰)
محل شهادت کدام دریا سوزید دست
کامیگوسه هریه گمراه دست را
بیشتر، می خراس، می بود
می پستاید.



اما گمنامی شود؟
(اسامیل مرتضی)

سید محمدباقر همتی مالکوف شهید گناور
۱۳۶۰ - ۱۳۳۶
آدمه هر رهنمی میرزا غمه مراسم ارزن دارد، سه
بدلتها و ضروری تمام، لکه محسن است که بوده
های مردم ستمند می دارد.
سوزدهای رهنمائی را از خود می دانند، ریسرا
سختی از آسان بود و هرگز نه ضمه خود سوزید.



JAHAN

VOL. 4, NO. 27, JANUARY 1985

P.O. BOX 540, NEW YORK, N.Y. 10185, U.S.A.

